

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابہ قصصی ۱۴۵۰

ظرفیت‌های تربیتی مدرسه علمیه مطلوب

کاظم علی محمدی

سرشناسه: علی محمدی، کاظم، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور: ظرفیت‌های تربیتی مدرسه علمیه مطلوب / کاظم علی محمدی.
مشخصات نشر: قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۳۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۵۰-۸۷-۸-۸-۹۰۰۰۰ ریال:
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص: ۱۲۹-۱۳۳.
موضوع: حوزه‌های علمیه - ایران - برنامه‌ریزی
موضوع*: Islamic theological seminaries - Iran - Planning
موضوع: حوزه‌های علمیه - ایران - هدف‌ها و نقش‌ها
موضوع*: Islamic theological seminaries - Iran - Aims and objectives
موضوع: حوزه‌های علمیه - ایران - مدیریت
موضوع*: Islamic theological seminaries -- Iran -- Administration
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ظ ۴/ع ۸۷/۴ BP ۷
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۰۷۱
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۱۱۲۷۲

ظرفیت‌های تربیتی مدرسه علمیه مطلوب

به سفارش و نظارت:

مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

مؤلف: کاظم علی محمدی

ناشر: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

نویت چاپ: چاپ اول، پاییز ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

* تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه محفوظ است *



نشانی: قم، جمکران، خیابان انتظار، مجتمع دارالولایه،

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

www.tahzib-howzeh.ir

مراکز پخش:

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

قم، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۳۸۳

قم، خیابان معلم، میدان روح‌الله، رو بروی مجتمع ناشران، نمایشگاه دائمی حوزه‌های علمیه

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۵۵۴۷

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
فصل اول: ظرفیت‌های نیروی انسانی در مدرسه علمیه	
۱. مدیر مدرسه.....	۱۵
شاخص‌ها و ویژگی‌های یک مدیر موفق.....	۱۷
الف. ویژگی‌های معنوی و اخلاقی.....	۱۷
ب. ویژگی‌های شناختی و معرفتی.....	۱۸
ج. ویژگی‌های انگیزشی و عاطفی.....	۱۸
د. ویژگی‌های رفتاری.....	۱۹
۲. استاد.....	۲۰
اهمیت جایگاه استاد.....	۲۰
وظیفه‌ی استاد؛ نیروپروری نه اطلاع‌رسانی.....	۲۱
انواع رسیدگی.....	۲۴
شاخص‌ها و ویژگی‌های یک استاد موفق.....	۲۴
الف. ویژگی‌های اخلاقی و معنوی استاد.....	۲۴
ب. ویژگی‌های شناختی و معرفتی.....	۲۶
ج. ویژگی‌های انگیزشی و عاطفی.....	۲۶
د. ویژگی‌های رفتاری.....	۲۷
آسیب‌ها و چالش‌ها.....	۲۸
الف. کاستی‌ها و مشکلات اخلاقی مربوط به اساتید.....	۲۸
ب. ضعف‌های مربوط به تربیت اخلاقی شاگردان.....	۳۰

- ۳۱..... راهکارهای ترغیب اساتید به نقش آفرینی تربیتی.
- ۳۳..... ۳. استاد اخلاق.....
- ۳۵..... شاخص ها و ویژگی های استاد اخلاق.....
- ۳۵..... الف. ویژگی های اخلاقی و شخصیتی استاد اخلاق.....
- ۳۶..... ب. مسؤولیت های اخلاقی و تربیتی استاد اخلاق.....
- ۳۷..... آسیب ها و چالش ها.....
- ۳۹..... راهکارها و پیشنهادها.....
- ۳۹..... ۴. استاد مشاور.....
- ۴۰..... شاخص ها و ویژگی های استاد مشاور.....
- ۴۰..... الف. ویژگی های اخلاقی و شخصیتی مشاور.....
- ۴۱..... ب. صلاحیت های حرفه ای مشاور.....
- ۴۲..... آسیب ها و چالش ها.....
- ۴۳..... راهکارها و پیشنهادها.....
- ۴۴..... ۵. هم حجره، هم مباحثه و دوست.....
- ۴۵..... ۵-۱ هم حجره.....
- ۴۷..... ۵-۲ هم مباحثه.....
- ۴۸..... ویژگی های یک هم مباحثه ی خوب.....
- ۴۹..... ۵-۳. دوست.....
- ۵۲..... نشانه های دوستی افراطی.....
- ۵۳..... آسیب ها و چالش ها.....
- ۵۴..... راهکارهای پیش گیری و درمان.....
- ۵۵..... ۶. کارکنان و کارگزاران مدرسه.....
- ۵۶..... ۶-۱. معاون آموزش.....
- ۵۷..... ۶-۲. معاون پژوهش.....
- ۵۸..... ۶-۳. کارکنان بخش اداری.....

- ۶-۴. باغبان..... ۵۹.
- ۶-۵. آشپز..... ۶۰.
- ۶-۶. خادم و نظافتچی..... ۶۳.
- ۶-۷. نگهبان..... ۶۸.
- ۶-۸. راننده..... ۶۹.
۷. ظرفیت های بخش ها و واحدهای فرهنگی و تربیتی در مدرسه..... ۷۰.
۸. ظرفیت خانواده ی طلاب..... ۷۲.
- ارتباط مستمر مدرسه با خانواده..... ۷۳.
- چالش های خانوادگی طلاب..... ۷۴.

فصل دوم: ظرفیت های محیطی مدرسه

۱. ترسیم فضای فیزیکی مدرسه ی علمیه ی مطلوب..... ۷۹.
- ۱-۱ نمای ظاهری و صحن مدرسه..... ۸۲.
- ۱-۲ حجره..... ۸۴.
- شاخص های حجره ی مطلوب..... ۸۶.
- حجره یا خوابگاه؟؟..... ۸۷.
- آسیب ها و چالش های زندگی خوابگاهی..... ۸۸.
- راهکارهای پیشنهادی..... ۹۰.
- ۱-۳ کتابخانه و سالن مطالعه..... ۹۱.
- ۱-۴ مدرّس (کلاس درس)..... ۹۳.
- ۱-۵ مسجد و نمازخانه..... ۹۴.
- ۱-۶ آشپزخانه و سالن غذاخوری..... ۹۵.
- تغذیه..... ۹۶.
- راهکارها و پیشنهادها..... ۱۰۳.
- ۱-۷ حمام و سرویس های بهداشتی..... ۱۰۴.
- ۱-۸ سالن ورزش و امکانات ورزشی و تفریحی..... ۱۰۴.

- الف. اهمیت ورزش و فعالیت بدنی برای طلاب..... ۱۰۴
- ب. اهمیت و ضرورت تفریح سالم و پاک برای طلاب..... ۱۱۰
۲. ظرفیت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب..... ۱۱۵
- فصل تابستان..... ۱۱۷
- فعالیت‌های درسی در تابستان، آری یا نه؟..... ۱۱۸
- کثرت تعطیلات..... ۱۱۸
۳. ظرفیت‌های تربیتی ایام خاص..... ۱۲۱
- الف. مناسبت‌های مذهبی..... ۱۲۱
- رجب المرجب..... ۱۲۱
- شعبان المعظم..... ۱۲۲
- رمضان المبارک..... ۱۲۳
- محرم الحرام و صفر..... ۱۲۴
- ایام فاطمیه..... ۱۲۵
- ب. مناسبت‌های ملی..... ۱۲۶
- هفته دفاع مقدس و هفته بسیج..... ۱۲۷
- فهرست منابع..... ۱۲۹
- الف. کتاب‌های فارسی و عربی..... ۱۲۹
- ب. مقالات و نشریات..... ۱۳۱
- ج. سایت‌ها..... ۱۳۲
- تازه‌های نشر..... ۱۳۳

مقدمه

تأکید بر تقدم تزکیه بر تعلیم و خطر پیمودن مسیر علم بدون توجه به سلوک معنوی، در اندیشه و سخن امام خمینی قدس سره موج می‌زند.^۱ به توصیه‌ی امام، تهذیب باید از همان اوان جوانی و ورود به عرصه‌ی طلبگی، مورد توجه و اهتمام طلاب و نیز مریبان اخلاق در حوزه‌ها باشد تا بیش‌تر بتوانند از نیروی جوانی خود بهره‌برند.^۲

۱. تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است: *تُزَكِّيهِمْ*؛ پیغمبر آمده است این‌ها را تزکیه بکند؛ پرورش بدهد؛ نفوس را مهیا کند و بعد *يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ*؛ بعد تعلیم کتاب و حکمت بکند، که اگر کتاب و حکمت با پرورش توأم نباشد و با تزکیه توأم نباشد، موجودی که از او بیرون می‌آید، همین موجوداتی می‌شود که در مجلس سنا و در مجلس شورای قبل از انقلاب بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۹۴)

این اصطلاحات هر چه زیادتر شود، اگر با تهذیب و تقوا همراه نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمان تمام می‌شود. تنها دانستن این اصطلاحات اثری ندارد. علم توحید هم اگر با صفای نفس توأم نباشد، وبال خواهد بود. چه بسا افرادی که عالم به علم توحید بودند و طوایفی را منحرف کردند. چه بسا افرادی که همین اطلاعات شما را به نحو بهتری دارا بودند، لکن چون انحراف داشتند و اصلاح نشده بودند، وقتی وارد جامعه گردیدند، بسیاری را گمراه و منحرف ساختند. این اصطلاحات خشک، اگر بدون تقوا و تهذیب نفس باشد، هر چه بیشتر در ذهن انباشته گردد، کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می‌یابد. (امام خمینی، جهاد اکبر، ص ۱۹)

۲. شما وقتی وارد حوزه می‌شوید، پیش از هر کار، باید در صدد اصلاح خود باشید و مادامی که در حوزه به سر می‌برید، ضمن تحصیل، باید نفس خود را تهذیب کنید تا آن‌گاه که از حوزه بیرون رفتید و در شهر و یا محلی، رهبری ملتی را بر عهده گرفتید، مردم از اعمال و کردار شما، از فضایل اخلاقی شما استفاده کنند، پند گیرند، اصلاح شوند. بکوشید پیش از آن‌که وارد جامعه گردید، خود را اصلاح کنید، مذهب سازید. اگر اکنون که فارغ‌البدل می‌باشید، در مقام اصلاح و تهذیب نفس برنمایید، آن روز که اجتماع به شما روی آورد، دیگر نمی‌توانید خود را اصلاح نمایید... در زمینه‌ی تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه‌ی وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خود رو نمی‌توان مذهب شد. اگر حوزه‌ها همین‌طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. (همان، ص ۲۱)

سفارش همیشگی مقام معظم رهبری دام‌ظله به مدیران و مسئولان حوزه و نیز طلاب جوان و روحانیان، همان سفارش‌های حضرت امام قدس سره می‌باشد و ایشان به مناسبت‌های مختلف، حوزه و روحانیت را به اخلاق و معنویت دعوت کرده و متولیان امر را به اهتمام جدی در ایجاد تحول اخلاقی در حوزه فرا خوانده‌اند.^۱ از این رو باید گفت مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخصه‌ی حوزه‌های علمیه، موضوع تهذیب نفس، تزکیه و اخلاق می‌باشد و طلبه‌ی امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تهذیب است.^۲

با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع و در شرایطی که نیرو، امکانات و بودجه‌ی لازم و کافی برای فعالیت‌های تهذیبی و تربیتی برای بسیاری از مدارس علمیه فراهم نیست، باید تدبیری اندیشید که از همین امکانات اندک و داشته‌های موجود، بهره‌برداری بهتری صورت گیرد.

بنابراین، معتقد هستیم مدیر مدرسه - که مسؤولیت اصلی امر تعلیم و

۱. من توصیه‌ی به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی الله را برای طلاب واجب‌تر می‌دانم تا توصیه به علم، که مایه‌ی اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می‌شود بی‌فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم، چه علم دینی، چه علم غیر دینی، که نه فقط از این علم بهره‌ای نبردند و بهره‌ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع علما و روحانیان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰)

۲. مسأله‌ی دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است. این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسأله‌ی تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته‌های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه‌ی دنیا این جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان‌ها را بی‌حوصله می‌کند؛ جوان‌ها را افسرده می‌کند. در یک چنین وضعی، دستگیر جوان‌ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت این‌که می‌بینید عرفان‌های کاذب رشد پیدا می‌کند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین است؛ نیاز هست. جوان ما در حوزه‌ی علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر - نیازمند تهذیب است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹)

تربیت طلاب متوجه وی است. و سایر عوامل تربیتی و تهذیبی مدرسه، می‌توانند با بسیج نمودن و هم‌سو کردن همه‌ی امکانات و ظرفیت‌های مدرسه، تا حد زیادی اهداف و برنامه‌های تهذیبی و تربیتی را پیش ببرند. البته می‌دانیم که این ظرفیت‌ها در مناطق و مدارس مختلف کشور متفاوت است، ولی از باب «ما لا یُدْرک کُلَّهُ لایُتْرک کُلَّهُ»، به قدر میسور (توان) باید از آن‌ها کمک گرفت.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که هیچ عاملی در مدرسه (چه عامل انسانی و چه عامل محیطی) در حیات علمی و معنوی طلبه بی‌تأثیر نیست و تأثیر مثبت یا منفی خود را هم از لحاظ آموزشی و هم تهذیبی بر جای می‌گذرد.^۱ حتی گاهی یک عامل ضمنی (پنهان یا غیرمستقیم) به شدت می‌تواند فعالیت‌های تهذیبی مدرسه را تحت تأثیر قرار دهد.

نوشته‌ی حاضر که پاسخی است به این نیاز و خلأ پژوهشی در حوزه‌های علمیه، تلاش دارد مهم‌ترین ظرفیت‌ها و عمده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر امر تربیت طلبه را در مدرسه، شناسایی و معرفی نماید. این عوامل به دو دسته کلی عوامل انسانی و عوامل محیطی تقسیم و در دو بخش ارائه شده است. در بخش نخست به نقش و ظرفیت تربیتی مدیر مدرسه، اساتید آموزشی،

۱. باید توجه داشت که یکی از رموز موفقیت مدیر، هم‌سو بودن مجموعه ارکان تحت مدیریت است. مدیر نباید گمان کند که در مثل رکن خدماتی مجموعه، در روند تربیتی بی‌تأثیر است یا این که آموزش، صرفاً کار آموزشی می‌کند و در تربیت دخیل نیست. گاه مربی ورزش که آراسته به اخلاق نیک است، آثاری به اندازه تأثیرات معلم اخلاق را دارد. بنابراین هر قدر که ارکان مجموعه هم‌سوتر و هم‌نوا تر باشند روند تربیت آسان‌تر، سریع‌تر و کم‌آفت‌تر خواهد بود. (نظافت، «تربیت و پرورش نیروی انسانی در حوزه‌های علمیه»، مجله حوزه، ش ۱۴۵، ص ۲۰۷-۲۳۲)

اساتید اخلاق، مشاوران، هم‌حجره، هم‌مباحثه، دوست، کارکنان و کارگزاران مدرسه، بخش‌ها و تشکل‌های فرهنگی و خانواده طلاب اشاره شده است. در بخش دوم نیز، نخست به ترسیم فضای فیزیکی و ساختمانی مدرسه مطلوب از لحاظ تهذیبی و تربیتی پرداخته شده و به ظرفیت تربیتی نمای ظاهری و صحن مدرسه، حجره‌ها، کتابخانه، مدرس‌ها، مسجد و نمازخانه، آشپزخانه و غذاخوری، حمام و سرویس بهداشتی، سالن ورزشی و امکانات تفریحی اشاره شده و سپس ظرفیت تعطیلات و اوقات فراغت طلاب، فصل تابستان، ایام و مناسبت‌های مذهبی و ملی مورد بحث قرار گرفته است. نظر به این‌که تاکنون در این زمینه، پژوهش متمرکز و جامعی صورت نگرفته و این نوشته، گام آغازین است، ممکن است کاستی‌ها و اشکال‌هایی داشته باشد؛ از این‌رو دست‌یاری به سوی اساتید، پژوهش‌گران و کارشناسان محترم تربیتی و تهذیبی دراز و از نکته‌های اصلاحی و تکمیلی ایشان استقبال می‌کنیم. به این امید که اثرناچیز حاضر در پرتو عنایت‌های معصومان علیهم‌السلام، مورد توجه و پذیرش خداوند متعال قرار بگیرد.

در پایان از حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم علی‌محمدی که متن حاضر به همت ایشان تدوین و آماده چاپ شد و نیز حجت‌الاسلام والمسلمین هادی حسین‌خانی و مهدی محمدی صیفار که ارزیابی و ویرایش اثر را بر عهده داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم.



فصل اول:

ظرفیت‌های نیروی انسانی
در مدرسه علمیه



در این فصل به ظرفیت‌های نیروی انسانی موجود در مدرسه که نسبت به عوامل محیطی، بیشترین سهم را در تهذیب و تربیت طلاب دارند، پرداخته شده است. مدیر، اساتید آموزشی، استاد اخلاق، مشاور، دوستان و هم‌سالان، کارکنان و کارگزاران مدرسه و نیروهای خدماتی از ظرفیت‌های انسانی مدرسه هستند که در این جا از آن‌ها اسم برده شده و ذیل هر عنوان، نکته‌هایی ارائه شده است.

۱. مدیرمدرسه

گرچه در تربیت و تهذیب طلبه، عوامل گوناگونی مانند خانواده، اساتید، کادر، دوستان و هم‌سالان، قوانین و مقررات، محیط مدرسه و... مؤثر هستند؛ ولی شاید مهم‌ترین عامل، مدیر مدرسه باشد که مسؤولیت اصلی امرتعلیم و تربیت طلاب در مدرسه را بر عهده دارد و می‌تواند همه‌ی امکانات و ظرفیت‌های مدرسه را برای تهذیب طلاب بسیج کند.

مدیرمدرسه، نقش مستقیم و غیرمستقیم در تهذیب دارد. او از آن جهت که مدیر است، می‌تواند با زمینه‌سازی‌های مناسب در مدرسه؛ از قبیل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درست، انگیزه‌بخشی به وسیله‌ی دعوت از اساتید مهذب و توان‌مند، اهمیت دادن به رشد معنوی و تشویق طلبه به سمت‌گرایش‌های معنوی، انجام عبادات و نیز توجه به نیازهای عاطفی، روانی، معنوی و اجتماعی طلبه، مناسب رشد اخلاقی طلاب مدرسه را

فراهم سازد و به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار باشد. هم‌چنین به جهت جایگاه مدیریتی و رهبری که در مدرسه دارد، خواه و ناخواه به عنوان الگوی عملی نگریسته می‌شود و طلاب از او به صورت مستقیم تأثیر می‌پذیرند. «مدیر می‌تواند با شیوهی صحیح مدیریت، افراد را تحت تأثیر اندیشه‌ها، تفکر و حرکت‌های سازنده و هدایت کننده خود قرار دهد. موضع‌گیری‌های مثبت یا منفی مدیر، جنبه‌ی الگویی پیدا می‌کند و به مقدار نفوذی که در روح افراد دارد، می‌تواند آن‌ها را هدایت کرده، جهت بخشد»^۱. هم‌چنین، اولویت دادن مدیر به برنامه‌های اخلاقی و عبادی، سایر برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و عوامل دیگر مدرسه نیز خود را با این اولویت‌ها هماهنگ می‌سازد.

برای این‌که مدیر بتواند رسالت تربیتی خود را در مدرسه به درستی و به شکل مطلوبی به انجام رساند، باید از ویژگی‌ها و توان‌مندی‌هایی برخوردار باشد. مهم‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی، شناختی، انگیزشی و رفتاری مورد نیاز برای موفقیت مدیر در امر تربیت طلاب در ادامه ذکر شده است.

۱. کوهستانی، «نقش مدیریت و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه اسلام»، مجله پیوند، ش ۱۴، ص ۱۶.

شاخص‌ها و ویژگی‌های یک مدیر موفق

الف. ویژگی‌های معنوی و اخلاقی

۱. اخلاص؛
۲. تقوا و پارسایی؛
۳. عشق به اهل بیت علیهم‌السلام؛
۴. انس با دعا و معنویات؛
۵. توجه به صلاحیت‌های اخلاقی و تربیتی در گزینش طلاب؛
۶. اهتمام به معنویت و تهذیب طلبه؛
۷. برخورداری از روحیه خدمت‌گزاری و ایثارگری؛
۸. دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی؛
۹. خوش خلقی؛
۱۰. توکل؛
۱۱. صبر در برابر سختی‌ها؛
۱۲. زهد و ساده‌زیستی؛
۱۳. احترام به بزرگان؛
۱۴. تأثیر اخلاقی تربیتی بر شاگردان؛
۱۵. تواضع؛
۱۶. عزت نفس؛
۱۷. راست‌گویی؛
۱۸. خودکفایی؛
۱۹. عیب‌پوشی اصلاح‌گرو... .

ب. ویژگی‌های شناختی و معرفتی

۱. معرفت به ارزش کار تربیت طلبه؛
۲. شناخت ویژگی‌های نسل جوان؛
۳. معرفی الگوهای اخلاقی؛
۴. بصیرت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی؛
۵. دشمن شناسی؛
۶. آگاهی از جریان‌های فکری زمانه؛
۷. تشخیص انگیزه‌ها و نیت‌ها؛
۸. آینده‌نگری؛
۹. آسیب شناسی؛
۱۰. تقویت مبانی اعتقادی طلاب؛
۱۱. برخورداری از پشتوانه استدلالی؛
۱۲. توجه به بهداشت روحی و روانی طلاب و...

ج. ویژگی‌های انگیزشی و عاطفی

۱. علاقه به کار برای حوزه و طلبه؛
۲. تکریم طلاب؛
۳. اعتماد به طلاب؛
۴. صبر و استقامت و سعه‌ی صدر داشتن؛
۵. انگیزه‌بخشی؛
۶. ابراز عطف و پدرانگی؛
۷. برقراری ارتباط مؤثر با طلاب؛
۸. به خاطر سپردن اسامی طلاب و صدا زدن آنان با نام؛

۹. ارتباط با سرگروه‌ها؛
۱۰. ارتباط با مسئولان واحدها؛
۱۱. همراهی با طلاب در سفرهای گروهی مدرسه؛
۱۲. موعظه؛
۱۳. سرکشی به حجره‌ها و...

د. ویژگی‌های رفتاری

۱. جذب جوانان مستعد برای حضور در حوزه؛
 ۲. هم‌سوسازی ارکان مدرسه؛
 ۳. حضور پررنگ، مستمر و تمحض مدیر در اداره‌ی مدرسه؛
 ۴. نظم و انضباط؛
 ۵. واگذاری مسؤلیت‌ها به طلاب؛
 ۶. سوق دادن طلاب به عرصه‌های اجتماعی؛
 ۷. توانایی مدیریت و انجام کار گروهی؛
 ۸. نصب صندوق پیشنهادات و...
- اهتمام به امور اخلاقی و معنوی؛ مطالعه‌ی مستمر کتاب‌های اخلاقی، تربیتی و مدیریتی؛ شرکت در کارگاه‌ها و دوره‌های دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی مدیران؛ آشنایی و بهره‌گیری از تجارب تربیتی و مدیریتی مدیران موفق و سیره‌ی سلف صالح؛ بهره‌گیری مستمر از ظرفیت‌های علمی و مهارتی کارشناسان تهذیبی و تربیتی اعزامی از سوی ستاد به مدارس علمیه و ... راهکارهایی است که می‌تواند در موفقیت مدیران مؤثر باشد.

۱. برای آگاهی و مطالعه بیشتر در مورد ویژگی‌های یاد شده، رک: حسین‌خانی، «نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه»، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵.

۲. استاد

اهمیت جایگاه استاد

گرچه در مدارس علمیه، عوامل متعددی در تحول شخصیت و تربیت طلبه نقش‌آفرین هستند (همان‌گونه که هدف از نوشته‌ی حاضر، بیان همین عوامل و ظرفیت‌ها است)؛ اما بی‌شک تأثیرگذارترین و موفق‌ترین عامل در پرورش طلبه، استاد است. در واقع نقش تربیتی استاد در شکل‌دهی به اندیشه، انگیزه و رفتار طلبه بی‌همتاست و انتظار می‌رود که در حق طلبه، رسیدگی بیشتری داشته باشد.

این ویژگی مرهون عوامل زیراست:

نخست: این‌که مهم‌ترین بستر تربیت و تحول انسان، ارتباط است و فرصت استاد برای ارتباط با طلبه از همه بیشتر است. در واقع، طلاب بیشترین وقت خود را در طول روز با اساتید آموزشی سپری می‌کنند.

دوم: طلبه در مقابل مقام علمی استاد و جایگاه استادی وی، کرنش دارد و نسبت به او احساس کوچکی و فروتنی می‌کند و حالت دفاعی خود را در برابر عظمت او می‌گشاید.

سوم: استاد برخلاف مدیر، معاون آموزش، معاون تهذیب، پرسنل اجرایی و حتی استاد اخلاق مدرسه، با گروه محدودتر و جمعیت کمتری روبه‌روست و مشکلات آنان را از نمای نزدیک می‌بیند و با سرعت و دقت بیشتری به مشکلات آنان پی می‌برد و بیش از همه، امکان شناخت استعدادها، قوت‌ها و ضعف‌های طلبه‌ها را دارد.

چهارم: انس و صمیمیت استاد به سبب ارتباط طولانی هرروز با طلبه افزون‌تر می‌شود و از این‌رو زمینه‌ی اثرگذاری و نقش‌آفرینی او هموارتر می‌گردد. همین انس و صمیمیت باعث می‌شود طلبه با استاد درددل کرده و مشکلاتش را بیان کند و او را «اُدُن خیر»^۱ و سنگ صبوری برای مشکلاتش بیابد.

تأثیر استاد در طلبه قطعی است. استاد حتی اگر نداند و نخواهد، رنگ شخصیت خود را به طلبه انتقال می‌دهد و ناهشیار بر او اثری می‌افکند. این فرایند ناخودآگاه را باید شناخت و مدیریت کرد و از ظرفیت آن به نفع تربیت بهره‌گرفت؛ تربیتی پنهان و نامرئی، فراتر از آموزه‌ها و ارتباطات رسمی که می‌توان بهینه‌اش ساخت و به کارش گرفت.

البته توجه داریم که درجه‌ی اثرگذاری استاد و اثرپذیری طلبه از استاد به عوامل گوناگونی بسته است؛ بنابراین تأثیر همه‌ی اساتید، مانند هم نیست؛ همان‌گونه که تأثیر یک استاد در همه‌ی شاگردان یکسان نیست.

وظیفه‌ی استاد؛ نیروپروری نه اطلاع‌رسانی

استاد در کلاس درس، با مبلّغ برفراز منبر یا مروج در رسانه‌های عمومی تفاوت دارد. مروج در صدد اطلاع‌رسانی و انتقال آموزه‌هاست و عموم مردم مخاطب وی هستند. عموم مردم کسانی هستند که زمان و توان عمده‌ی خود را صرف کارهای دیگر می‌کنند و تا آخر ممکن است به تخصص در آن دانش درنیابند؛ یعنی تنها از آن اطلاعات سود برند و مصرف‌کننده‌ی پیام باقی بمانند؛ ولی استاد با کسانی سروکار دارد که دیریا زود متخصص

۱. شنونده‌ی خوب.

آن دانش خواهند شد و آن را فراتر از مصرف شخصی خود به‌کار خواهند گرفت. استاد با حلقه‌ی متخصصان مواجه است و نیروپروری برای یک عرصه‌ی تخصصی را برعهده دارد.

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

اساتید باید یکی از اهتمام‌هایشان شاگردپروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردان اوست. در حوزه‌های علمیه‌ی ما هم همین‌طور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیشتری در چشم‌ها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذه‌ی برجسته‌ی او، خودش را نشان بدهد. شاگردپروری کنید. این افرادی که می‌آیند در کلاس‌های درس شما - چه در دوره‌های کارشناسی، چه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی - می‌نشینند و شما با این‌ها به عنوان استاد مواجه می‌شوید، این‌ها را نباید به حساب یک مستمع یک سخنرانی، یک منبر به حساب آورد؛ نه، باید مثل مصنوعی که این‌ها را می‌خواهید با دست خودتان بسازید، با این‌ها برخورد کنید. البته استعدادها یکسان نیست، شوق‌ها یکسان نیست، زمینه‌ها و فضاهای گوناگون یکسان نیست؛ اما این هدف برای اساتید، به نظر من یک هدف جدی باید باشد. نگاه کنید ببینید چقدر شاگرد پرورش دادید. شاگرد فقط آن کسی نیست که سرکلاس حاضر می‌شود؛ آنی است که به وسیله‌ی شما ساخته می‌شود و تحویل داده می‌شود به دنیای علم، به عنوان یک نیروی کارآمد و علمی^۱.

استاد علاوه بر انتقال مؤثر آخرین یافته‌های نظری به حلقه‌های تخصصی و جامعه‌ی علمی، باید شاگرد خود را برای ایفای نقش تخصصی در آن زمینه بار آورد. نقش استاد بیش از انتقال اطلاعات و بیش از یک ضبط و پخش است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹.

وظیفه‌ی استاد تنها دانش‌افزایی و اطلاع‌رسانی نیست، تربیت است. برای آن‌که استاد، شاگرد خود را بار آورد و رشد دهد، باید در حق او رسیدگی کند. صرف سخن گفتن و انتقال داده‌های علمی، به تحول جان در طلبه نمی‌انجامد. استاد علاوه بر تربیت علمی و تحول ذهنی طلبه (یعنی دست‌یابی طلبه به کمالات ذهنی، مانند قدرت تجزیه و تحلیل، دقت، تمرکز، خلاقیت، تفکر منطقی و...) می‌تواند و باید به تحول اخلاقی-معنوی و شخصیتی طلبه نیز بیندیشد و اقدام کند.^۱

این خاطره از اهتمام شهید محراب، آیت‌الله مدنی رحمته‌الله نسبت به رسیدگی معنوی به فرد فرد طلبه‌ها شنیدنی است. آیت‌الله راستی‌کاشانی درباره‌ی این ویژگی اخلاقی آن شهید می‌فرماید:

به شهید مدنی اطلاع دادند، طلبه‌ای صبح‌ها دیر از خواب برمی‌خیزد! او چهل روز، صبح‌ها به دیدار او می‌رود! او را از خواب بیدار می‌کند، با او نماز می‌خواند، قرآن می‌خواند، صبحانه میل می‌فرماید تا آن عادت ناپسند را از او بگیرد و موفق هم می‌شود و این همه تلاش و کوشش به خاطر درک و رسیدن دیگران به ثواب نماز اول وقت است.^۲

۱. متأسفانه در سال‌های اخیر، توجه برخی از اساتید به تربیت اخلاقی طلاب کم‌رنگ‌تر شده است. برای مثال، در یک نظرسنجی از طلاب دروس آزاد (پایه هفت تا ده) که در سال ۱۳۸۹ از سوی دبیرخانه شورای عالی حوزه انجام شده، در پاسخ به این پرسش که «به چه میزان تربیت اخلاقی طلاب در دروس آزاد مورد توجه اساتید می‌باشد؟»، تنها ۱۹ درصد از طلاب براین باور بودند که تربیت اخلاقی ایشان برای اساتید اهمیت زیادی دارد و ۶۵ درصد بیان داشتند که تربیت اخلاقی برای اساتید اهمیت کمی دارد و ۱۶ درصد نیز معتقد بودند هیچ اهمیتی ندارد! (دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه، «بررسی نظر طلاب پایه‌های ۷ تا ۱۰ حوزه‌های علمیه‌ی قم درباره دوره معروف به دروس آزاد، ص ۳۱) مقاله «سجاده خونین»، پاسدار اسلام، شماره ۲۶۱، شهریور ۱۳۸۲.

انواع رسیدگی

بهترین خدمت در حق طلبه، «رسیدگی» به اوست. لازم است استاد، طلبه را به منزله‌ی فرزند و ثمره‌ی عمر خود بداند و در ایجاد ارتباط صمیمی، سازنده و عاطفی با او پیش قدم شود و به رشد و حرکت و تحول او توجه و در امور اخلاقی، معنوی، معیشتی، روحی، روانی، خانوادگی، درسی، اجتماعی و... او حضور داشته باشد.

علاوه بر این، لازم است استاد به تناسب توانایی‌ها و قابلیت‌های شاگردان، توجه‌ها و رسیدگی‌ها را کم و بیش نماید و با شاگردان خاص، ارتباط بیشتری داشته باشد، از آن‌ها تکلیف افزون‌تری بخواهد و برای آنان فرصت بسیاری اختصاص دهد.

شاید همه‌ی این عناوین را در این کلمه‌ها نیز بتوان گنجانید: دغدغه داشتن، احساس مسؤلیت، دردمندی و دلسوزی^۱.

مهم‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های اخلاقی، شناختی، انگیزشی و رفتاری مورد نیاز برای موفقیت استاد در رسیدگی علمی و اخلاقی به شاگردان در ذیل بیان می‌شود:

شاخص‌ها و ویژگی‌های یک استاد موفق

الف. ویژگی‌های اخلاقی و معنوی استاد

۱. اخلاص و نیت پاک؛

۲. تقوا و پارسایی؛

۱. ر.ک: حسین‌خانی و علی‌محمدی، نقش تربیتی اساتید، ص ۲۲-۲۵.

۳. عشق به اهل بیت علیهم‌السلام و روضه خوانی قبل از تدریس؛^۱
۴. توکل؛
۵. انس با دعا و معنویات؛^۲
۶. اهتمام به معنویت و تهذیب نفس شاگردان؛
۷. بیان مسائل معنوی در خلال درس؛
۸. بیان احادیث اخلاقی در ابتدا یا انتهای درس؛
۹. بیان سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام؛
۱۰. بیان سیره‌ی علما و بزرگان.

۱. آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله دستور می‌داند قبل از تدریس، کسی قدری مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بخواند و سپس درس را شروع می‌کردند. (مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۱۹۲)؛ مقام معظم رهبری هر روز قبل از درس چند دقیقه‌ای بحث اخلاقی دارند. اگر روزی هم مناسبتی باشد درس را زودتر تمام می‌کنند و می‌فرمایند: یک نفر بلند شود و ذکر مصیبتی بخواند. (پاینده، «خاطراتی درس آموز از زندگی مقام معظم رهبری»، مجله مبلغان، فروردین ۱۳۸۳، ش ۵۲، ص ۱۰۰)

۲. شهید آیت‌الله قدوسی رحمته‌الله یک شب در مسجد گوهرشاد با نگرانی می‌فرمود: «برایم بسیار ناگوار و غیر منتظره بود که شنیدم یکی از اساتید مدرسه حقانی، مقید به نماز شب نیست. با ایشان صحبت کردم، معلوم شد سبکی معده را در شب رعایت نمی‌کند.» («مصاحبه با سید محمدرضا طباطبایی»، ماهنامه شاهد یاران، ش ۳۸، ص ۸۹) از این‌جا مشخص می‌شود که شهید قدوسی، صلاحیت‌های اخلاقی حداقلی را برای گزینش اساتید در نظر نمی‌گرفت، [بلکه] در کار فرهنگی و علمی مدرسه، خصوصاً دعوت اساتید لایق و عالی‌رتبه، تا می‌توانست تلاش و همیشه بهترین اساتید را برای تدریس در مدرسه دعوت می‌کرد و معلوم است که دست‌یابی به اساتید بزرگ، آن هم برای دروس سطح پایین چقدر دشوار بود.

حضرت استاد خزعلی، یک روز در درس اصول فقه به مناسبتی فرمودند: «امروز تقاضا نسبت به من برای تدریس دروس سطح بالا زیاد است؛ اما به جهت وظایف و مسئولیت‌های دیگری که دارم، قبول نمی‌کنم و این درس را برای شما از این جهت قبول کرده‌ام که آقای قدوسی درخواست کرده‌اند و اگر این مرد بگوید «شرح امثله» را در این مدرسه تدریس کنم، چنین خواهم کرد و آن را وظیفه خود خواهم دانست.» (همان)

شهید قدوسی برای تربیت طلاب از اساتید فاضل و مهذب‌ی هم چون آیت‌الله شبیری زنجانی، آیت‌الله حائری شیرازی و ... استفاده می‌کردند. ویژگی‌های تربیتی اساتید تا آن‌جا برای شهید قدوسی حائز اهمیت بود که اگر تشخیص می‌داد استاد یا شاگردی در روحیه طلاب اثر نامطلوب دارد، هرچه زودتر به وجه معقولی، عذرش را می‌خواست. («گفت‌وشنود با آیت‌الله احمد جنتی»، همان، ص ۸)

۱۱. خوش خُلقی؛
۱۲. پرهیز از انتقال مشکلات خود به شاگردان؛
۱۳. داشتن زبانی طلبگی؛
۱۴. زهد و ساده‌زیستی؛
۱۵. احترام به اساتید و علما؛
۱۶. تواضع در رفتار، گفتار و نوشتار؛
۱۷. عزت نفس؛
۱۸. عیب‌پوشی اصلاح‌گرو... .

ب. ویژگی‌های شناختی و معرفتی

۱. معرفت به ارزش کار تربیت طلبه؛
۲. شناخت ویژگی‌های نسل جوان؛
۳. توجه به بهداشت روحی و روانی شاگردان؛
۴. توجه به نیازهای شاگردان؛
۵. بصیرت اجتماعی - سیاسی؛
۶. آینده‌نگری؛
۷. تقویت مبانی اعتقادی شاگردان؛
۸. تفهیم استدلالی و... .

ج. ویژگی‌های انگیزشی و عاطفی

۱. احساس مسئولیت به تربیت طلاب؛
۲. برقراری ارتباط مؤثر با طلاب؛
۳. ابراز عطف و پدرا نه؛
۴. تکریم و احترام شاگردان؛

۵. انگیزه‌بخشی برای جهاد پرشور علمی؛
۶. موعظه‌ی شاگردان؛
۷. توبیخ و تنبّه و انذار؛
۸. خیرخواهی و راهنمایی؛
۹. رازداری؛
۱۰. اعتماد به شاگردان؛
۱۱. سعه‌ی صدر و بردباری؛
۱۲. استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادهاى طلاب و

د. ویژگی‌های رفتاری

۱. نظم و انضباط؛
۲. بهره‌گیری از روش تربیت الگویی (بیان سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام، علما و شهدا حین تدریس)؛
۳. هم‌سوئی با برنامه‌های مدیر و کادر تهذیبی و تربیتی مدرسه؛
۴. ارائه‌ی الگوی عملی معنویت و فضیلت؛
۵. پرهیز از نگاه کاسب‌کارانه نسبت به تدریس؛
۶. رعایت آداب تدریس؛
۷. نظافت و آراستگی ظاهری؛
۸. دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی.
۹. اقدام اجتماعی و ...^۱.

۱. برای آگاهی و مطالعه بیشتر، رک: حسین‌خانی و علی‌محمدی، «نقش تربیتی اساتید در مدارس علمیه»، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶.

آسیب‌ها و چالش‌ها

گرچه اساتید حوزه‌های علمیه، غالباً انسان‌هایی وارسته، پارسا و مهذب هستند، با این وجود، متأسفانه شماری از ایشان، واجد صلاحیت‌های لازم در امر تربیت اخلاقی و معنوی طلاب نیستند؛ چراکه برخی از آنان با فنون روابط مؤثر آشنا نیستند؛ بعضی انگیزه و حوصله‌ی لازم را ندارند؛ برخی در مسائل اخلاقی و تربیتی مطالعه‌ی کمی دارند؛ عده‌ای نیز خود از آسیب‌های اخلاقی رنج می‌برند و ...

از سوی دیگر، تعدادی از اساتید واجد صلاحیت نیز به سبب اشتغال‌های فراوان یا مشکلات و دغدغه‌های معیشتی، اهتمام جدی به امور تهنذیبی و تربیتی شاگردان خود ندارند.

در ادامه به برخی از ضعف‌ها و آسیب‌های اخلاقی و تربیتی مربوط به اساتید اشاره می‌شود که گاهی به چشم می‌خورد و با توجه با جایگاه و نقش تربیتی ایشان، کم آن نیز زیاد است و باید کوشید تا همین گروه اندک نیز از این آسیب‌ها به دور باشند.

الف. کاستی‌ها و مشکلات اخلاقی مربوط به اساتید

۱. ضعف در خودسازی و تزکیه نفس؛^۱
۲. عدم آشنایی یا بی‌توجهی نسبت به شؤونات و زئی طلبگی و روحانیت؛
۳. کم‌توجهی به پوشش متعارف و آراستگی ظاهری (عمامه‌ی بزرگ، موی

۱. از جمله عدم شرکت در جلسه‌های اخلاق و برنامه‌های تهنذیبی و تربیتی مدرسه، کم‌توجهی نسبت به تهجد و نماز شب، قرائت و انس با قرآن و ادعیه، عدم تقید به نماز جماعت اول وقت، عدم اهتمام جدی به انجام مستحبات و ترک مکروهات و ...

- سرو صورت خیلی بلند یا کوتاه، لباس‌های ژولیده و کثیف یا فاخرو گران قیمت، رنگ لباس غیرمتعارف، بوی بد بدن و...؛
۴. غرور و خودپسندی؛
۵. برخی از رفتارهای بیان‌گر خودپسندی و تکبر:
- توقع احترام از دیگران؛
 - بی‌اعتنایی به برخی علما (به‌ویژه علمای شهر خود)؛
 - ابتدا به سلام نکردن؛
 - انتقادهای مکرر و نابجا از دیگران؛
 - ناراحت شدن از نصیحت یا انتقاد دیگران؛
 - انتظار مدح از دیگران؛
 - عدم اقتدا به دیگران در نماز؛
 - غرور و فخرفروشی علمی؛
 - نداشتن روحیه‌ی مشورت با دیگران (در امور فردی و شؤونات اجتماعی)؛
 - رفتارهای تحقیرآمیز با شاگردان و...
۶. افراط و تفریط در امور معنوی (مقدس‌مآبی، افراط در عبادات، انزوایی و...)
۷. فقدان تعهد و مسؤولیت‌پذیری؛
۸. مصرف دخانیات (سیگار، قلیان و...)
۹. حبّ جاه و مقام‌های دنیوی؛
۱۰. دولباسی (برخی از اساتید در مدرسه لباس می‌پوشند و خارج از مدرسه التزام به پوشیدن دایمی لباس ندارند)؛
۱۱. ضعف در برنامه‌ریزی و بی‌نظمی و بی‌انضباطی (در رفت و آمد، در

ارائه‌ی درس و...)

۱۲. نداشتن روحیه‌ی همکاری و کارگروهی؛
 ۱۳. حسادت نسبت به سایر اساتید همکار؛
 ۱۴. نداشتن مناعت طبع و داشتن نگاه کاسب‌کارانه نسبت به تدریس؛
 ۱۵. وجود آسیب‌های روحی و روانی (افسردگی، وسواس و اضطراب)؛
 ۱۶. کثرت سفرهای زیارتی و شخصی در ایام تحصیلی و... .
- ب. ضعف‌های مربوط به تربیت اخلاقی شاگردان
۱. بی‌اعتنایی و نخواندن روایات اخلاقی و تربیتی در آغاز یا پایان درس؛
 ۲. گلایه‌های مکرر از وضعیت موجود حوزه و بیان ناامیدانه‌ی سختی‌ها و مشکلات زندگی طلبگی؛
 ۳. افراط در شوخی و مزاح در کلاس و خارج از آن یا انجام شوخی‌های نامناسب؛
 ۴. عدم توجه به حالات روحی و روانی شاگردان؛
 ۵. تبعیض میان شاگردان؛
 ۶. القا و انتقال مشکلات و دغدغه‌های شخصی به شاگردان؛
 ۷. عدم توجه به استعدادها و توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی شاگردان؛
 ۸. ضعف آشنایی با مهارت‌های مدیریت تحصیلی (روش‌های مطالعه، خلاصه نویسی و...)
 ۹. افراط و تفریط در ارتباط عاطفی مناسب با شاگردان؛
 ۱۰. سخت‌گیری یا سهل‌گیری بیش از اندازه در امر آموزش؛
 ۱۱. توجه نکردن به تفاوت‌های فرهنگی شاگردان؛

۱۲. انتقاد مکرر از برنامه‌های درسی و متون آموزشی از سوی اساتید و ایجاد تردید در روزآمد بودن کتاب‌های درسی؛
۱۳. نآشنایی و برخورد نامناسب با ناهنجاری‌های رفتاری شاگردان؛
۱۴. مهارت نداشتن در ارتقای سطح انگیزشی طلاب؛
۱۵. ناتوانی در شناخت اختلال‌های یادگیری و راهکارهای مواجهه با آن.

راهکارهای ترغیب اساتید به نقش‌آفرینی تربیتی

۱. برگزاری جلسات مستمر توجیهی با اساتید؛^۱
۲. برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی تهذیبی و تربیتی برای اساتید؛
۳. آموزش‌های غیرحضوری اساتید از طریق کتاب و جزوه‌ی آموزشی یا بسته‌های سمعی و بصری، توزیع جزوه‌ها و نشریه‌ها برای انتقال این دغدغه به اساتید، به‌ویژه با استفاده از فن‌آوری‌های نوین؛
۴. معرفی سنت شاگردپروری و سیره‌ی بزرگان در ارتباط تربیتی با طلاب برای اساتید؛
۵. برگزاری مسابقه‌های کتاب‌خوانی تخصصی و پیش‌بینی عوامل تشویقی مناسب برای اساتید شرکت‌کننده؛

۱. نشست تربیتی مدیری‌ا معاون تهذیب با اساتید مدارس علمیه، اگرچه صورت منظم (حدود دو هفته یک‌بار) برگزار شود و میان کثرت مشاغل طرفین فراموش نگردد، اولاً انگیزه و توجه اساتید را برای ارتباط‌های تربیتی و رسیدگی به طلاب به‌طور مستمر تقویت می‌کند؛ ثانیاً موجب تبادل تجارب و اطلاعات می‌گردد؛ ثالثاً مشکلات میان راه را حل می‌کند؛ رابعاً شناخت مؤثری از طلاب به معاونت تهذیب منتقل می‌سازد. هم‌چنین در این هم‌فکری‌ها به صورت جمعی نسبت به مسائل اخلاقی معنوی طلاب چاره‌اندیشی می‌شود. می‌توان اساتید را براساس ماده‌ی درسی یا پایه‌ی تدریس طبقه‌بندی و جلسه‌ها را تفکیک کرد.

۶. تهیه‌ی احادیث اخلاقی و تربیتی و ارائه به اساتید جهت طرح در کلاس درس؛
۷. ایجاد ارتباط اساتید با طلاب و فراهم آوردن امکان سرکشی به حجره‌ها به صورت رسمی؛^۱
۸. فراهم آوردن امکان اسکان اساتید دارای صلاحیت الگودهی در حجره‌های مدرسه و تشویق آنان به این امر؛
۹. دعوت از اساتید برای شرکت در اردوها، برنامه‌های تفریحی، زیارتی، سیاحتی و فعالیت‌های تهذیبی مدرسه؛
۱۰. ملاحظه‌ی ویژگی‌های تهذیبی اساتید در تقدیر از آنان در روز معلم؛^۲
۱۱. نظارت مستمر بر ارتباطات تربیتی اساتید و ارائه‌ی پیشنهادهای و تذکرات لازم به آن‌ها؛
۱۲. شناسایی و تشویق اساتید تأثیرگذار تربیتی و بازگویی اقدام‌های تربیتی آنان جهت الگوسازی برای دیگران؛
۱۳. توصیه به طلاب برای ارتباط بیشتر با اساتید مهذب مدرسه؛
۱۴. ایجاد ارتباط میان اساتید و اولیای طلاب با برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان، جهت ایجاد دغدغه‌های تهذیبی و تربیتی؛
۱۵. فضاسازی و نصب احادیث و پیام‌های اخلاقی با محتوای احساس مسؤولیت نسبت به طلبه در اتاق اساتید مدرسه.

۱. برخی از اساتید، توان یا انگیزه‌ی لازم برای پیش قدم شدن در این زمینه را ندارند؛ ولی اگر شرایط فراهم باشد، از آن استقبال می‌کنند.

۲. آموزش و نمره‌محوری محض در ارزیابی اساتید، از آسیب‌های موجود است.

۳. استاد اخلاق

مراد از استاد اخلاق، انسان وارسته‌ای است که در عمل به شریعت و دریافت‌های دینی و معنوی توانا باشد. صلاحیت تقوایی، مهارت و تخصص در اخلاق اسلامی و تدبیر استادی داشته باشد تا جوینده‌ی کمال را در تهذیب نفس، عمل به تمامی شریعت، شناخت صواب از خطا و حرکت به سوی رضای الهی یاری دهد و راهنما گردد، دستورات اخلاقی اسلام را به شایستگی تبیین کند و هرگونه ابهام و پرسشی را روشن سازد.^۱

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ؛^۲

به هلاکت رسد کسی که مرشد و راهنمای حکیمی نداشته باشد.

بی‌تردید، حضور یک استاد مهذب و صاحب نفس در مدارس علمیه و برگزاری جلسه‌های موعظه و اخلاق، یکی از ضرورت‌های تربیت اخلاقی است. در گذشته‌های دور، بسیاری از بزرگان علم و اخلاق، حجره‌ای در مدرسه داشتند و بیشتر وقت و همت خود را صرف آموزش و تربیت طلاب می‌کردند.

با مروری بر سیر اخلاقی و معنوی حوزه‌های علمیه در طول تاریخ، آشکارا می‌بینیم که هر جا تهذیب و تربیت طلاب، تحت اشراف و هدایت عالمی ربانی و انسانی کامل بوده، موفقیت‌های اخلاقی و معنوی فراوانی در پی داشته و انسان‌های وارسته‌ی بسیاری تحویل حوزه‌ها شده است. چنان‌که در دو قرن اخیر، اساتید فرزانه‌ای را می‌یابیم که با مراقبت و تدبیر، فرزندانگان

۱. «ضرورت و ویژگی‌های استاد و راهنما در اخلاق»، نشریه حوزه، مهر و آبان ۱۳۶۷، شماره ۲۸.

۲. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۱۱۳.

زمان را با معیارهای کاملاً شرعی پدید آوردند.

امام خمینی ره در اهمیت وجود استاد و مربی اخلاق و لزوم تشکیل جلسه‌های درس اخلاق می‌فرمایند:

حوزه‌های علمیه هم‌زمان با فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است. راهنمای اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد. برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا علیهم‌السلام می‌باشد، باید در حوزه‌ها رایج و رسمی باشد. متأسفانه در مراکز علمی به این‌گونه مسائل لازم و ضروری کمتر توجه می‌شود. علوم معنوی و روحانی رو به کاهش می‌رود و بیم آن است که حوزه‌های علمیه در آتیه نتوانند علمای اخلاق، مربیان مذهب و آراسته و مردان الهی تربیت کنند و بحث و تحقیق در مسائل مقدماتی، مجالی برای پرداختن به مسائل اصلی و اساسی، که مورد عنایت قرآن کریم و نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر انبیا و اولیا علیهم‌السلام است، باقی نگذارد. خوب است فقهای عظام و مدرسین عالی‌مقام - که مورد توجه جامعه علمیه می‌باشند - در خلال درس و بحث به تربیت و تهذیب افراد همت گمارند و به مسائل معنوی و اخلاقی بیشتر بپردازند. محصلین حوزه‌ها نیز لازم است در کسب ملکات فاضله و تهذیب نفس کوشش کرده، به وظایف مهم و مسئولیت‌های خطیری که بردوش آنان است اهمیت دهند.^۱

هم‌چنین، ایشان خطاب به طلاب و روحانیان می‌فرمایند:

در زمینه‌ی تهذیب و تزکیه‌ی نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه‌ی وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مذهب شد. اگر حوزه‌ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. چطور شد علم

۱. امام خمینی، جهاد اکبر، ص ۱۱ و ۱۲.

فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرس لازم است، کسی خودرو و خودسر در رشته‌ای متخصص نمی‌گردد، فقیه و عالم نمی‌شود، لکن علوم معنوی و اخلاقی، که هدف بعثت انبیا و از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است، به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد؟ کرارا شنیده‌ام سید جلیلی معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول، مرحوم شیخ انصاری بوده است.^۱

مقام معظم رهبری علیه‌السلام نیز در همین زمینه خطاب به بزرگان حوزه می‌فرمایند:
من از بزرگان حوزه خواهش می‌کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدّی بگیرند.^۲

شاخص‌ها و ویژگی‌های استاد اخلاق

با توجه به اهمیت مسأله‌ی تربیت اخلاقی و جایگاه ویژه استاد اخلاق در این میان، اساتید اخلاق باید برخوردار از ویژگی‌هایی باشند که به موارد مهم آن‌ها در ذیل اشاره شده است:

الف. ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی استاد اخلاق

۱. اخلاص و نیت پاک؛
۲. تعبد، تقوا و پارسایی؛
۳. عشق به اهل بیت علیهم‌السلام؛
۴. انس با دعا و معنویات؛
۵. اهتمام به انجام مستحبات و دوری از مکروهات؛
۶. الگوی عملی بودن؛

۱. همان، ص ۲۳ و ۲۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و روحانیون، مدرسه فیضیه، ۱۶/۰۹/۱۳۷۴.

۷. زهد و ساده‌زیستی؛
۸. هماهنگی گفتار و کردار؛
۹. تواضع؛
۱۰. ادب و وقار؛
۱۱. توکل و مناعت طبع؛
۱۲. سعه‌ی صدر و بردباری؛
۱۳. امانت‌داری؛
۱۴. رازداری؛
۱۵. حسن خلق؛
۱۶. مهربانی و دلسوزی؛
۱۷. پختگی و انسجام شخصیت؛
۱۸. بصیرت فرهنگی اجتماعی؛
۱۹. اعتماد به نفس بالا؛
۲۰. ولایت‌مداری و روحیه‌ی انقلابی؛
۲۱. نظم و انضباط؛
۲۲. نظافت و آراستگی ظاهری و...

ب. مسئولیت‌های اخلاقی و تربیتی استاد اخلاق

۱. شناخت کافی نسبت به مباحث اخلاقی و معارف اسلامی؛
۲. شایستگی علمی و مهارت و تجربه‌ی لازم در ارائه‌ی مشاوره‌ی اخلاقی؛
۳. قدرت بیان مناسب در القای آموزه‌های اخلاقی؛
۴. شناخت راه‌های پیش‌گیری، درمان، اصلاح، تحکیم و تعالی اخلاقی؛
۵. توانایی یافتن استعدادها و ویژگی‌های شخصیتی متربی؛

۶. تدبیر در به‌کارگیری درست شیوه‌های ارشاد و دسته‌بندی شایسته‌ی مطالب؛
۷. واقعیت‌گرایی و زمان‌شناسی؛^۱
۸. پرهیز از القای یأس و ناامیدی؛
۹. توان‌مند در برقراری رابطه‌ی مطلوب و مؤثر با مخاطبان؛
۱۰. به‌دور از مرید و مراد بازی؛
۱۱. عیب‌پوشی اصلاح‌گر؛
۱۲. تلاش برای تقویت مبانی اعتقادی شاگردان؛
۱۳. برخورداری از پشتوانه‌ی استدلالی در ارائه‌ی مباحث اخلاقی و تربیتی؛
۱۴. احساس مسئولیت و معرفت نسبت به ارزش کار خویش؛
۱۵. تکریم و احترام شاگردان؛
۱۶. نصیحت و خیرخواهی؛
۱۷. دارای حسن شهرت و مقبولیت عمومی در میان طلاب؛
۱۸. هم‌سوئی با برنامه‌های مدیر و کادر تہذیبی و تربیتی مدرسه و ...

آسیب‌ها و چالش‌ها

- با وجود اهمیت و نقش بی‌بدیل اساتید اخلاق و جلسه‌های وعظ و اخلاق در تربیت و تہذیب طلاب، متأسفانه در این عرصه با پاره‌ای از آسیب‌ها و محدودیت‌ها مواجه هستیم که به بخشی از آن‌ها در ادامه اشاره شده است:
۱. کمبود اساتید اخلاق صاحب نفس، دارای نفوذ کلام و اثرگذار؛
 ۲. ضعف حضور بزرگان اخلاقی در میان طلاب؛^۲

۱. استادی که از واقعیت‌ها و مسایل و مشکلات جامعه بیگانه و بی‌خبر باشد، نسبت شرایط زمان، مکان و مخاطب خود آگاهی کافی و لازم را نداشته باشد، بالطبع مباحثی را ارائه خواهد نمود که چندان راه‌گشای نیازها و مشکلات مخاطبان خود نباشد و چه بسا باعث پیچیدگی فزون‌تر دشواری‌ها نیز بگردد.

۲. برخی از کارشناسان تربیتی پیشنهاد دادند که اساتید برجسته‌ی اخلاق، شاگردانی را به صورت خصوصی

۳. کمبود شدید جلسه‌های موعظه و درس‌های اخلاق تحول‌آفرین در مدارس علمیه؛
۴. عدم برخورداری برخی از جلسه‌های اخلاق از محتوای غنی و اتقان لازم و کافی؛
۵. ضعف علمی و عملی برخی از اساتید اخلاق که عهده‌دار کرسی درس اخلاق در مدارس علمیه - به‌ویژه در شهرستان‌ها - هستند؛
۶. فقدان وحدت رویه و اختلاف نظر و تعارض در رهنمودهای اخلاقی و تربیتی؛
۷. تعارض رهنمودهای برخی اساتید اخلاق با سیاست‌های تهذیبی و تربیتی مدیر مدرسه؛
۸. تمرکز بر نمود ظاهری اخلاق طلبه و بی‌توجهی به عوامل آسیب‌زای بیرونی، از قبیل مقررات، اساتید، محیط، خانواده و...؛
۹. فقدان متون اخلاقی مناسب، جذاب و مقبول نزد همه‌ی اساتید و در عین حال روزآمد و ناظر به نیازها و آسیب‌های طلبه‌ی معاصر؛
۱۰. وجود برخی درس‌های اخلاق سکولار و بی‌توجهی به اخلاق انقلابی؛
۱۱. ناآشنایی بعضی از اساتید اخلاق با مسایل و چالش‌های تربیتی و اخلاقی نسل جدید و ارائه‌ی مباحث تکراری.

تربیت کنند و پس از کسب آمادگی‌های لازم، ایشان را تکلیف به هجرت به شهرستان‌ها نمایند. مدیران محترم مدارس می‌توانند این مطالبه را از اساتید اخلاق داشته باشند.
۱. اخلاق غیر دینی.

راهکارها و پیشنهادها

با توجه به آنچه گفته شد، لازم است با تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح، متولیان امر از این ظرفیت برای اهداف تهذیبی و تربیتی به شایستگی استفاده کنند. برای این منظور موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. استفاده بهینه از ظرفیت تربیتی اساتید اخلاق موجود در شهرستان‌ها؛
۲. شناسایی، جذب و به‌کارگیری اساتید موّجه، مهذب و انقلابی در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها؛
۳. توجیه اساتید اخلاق اعزامی از قم نسبت به سیاست‌های تهذیبی و تربیتی مدرسه از سوی مدیر یا معاون تهذیب در بدو ورود به مدرسه؛
۴. آگاه نمودن اساتید اخلاق اعزامی نسبت به مشکلات و نیازهای اخلاقی و تربیتی مدرسه؛^۱
۵. اختصاص بهترین ساعت از شبانه‌روز و بانشاط‌ترین زمان طلاب برای برگزاری درس اخلاق در مدرسه.

۴. استناد مشاور

امروزه مشاوره، جایگاه مناسبی در یاری‌رسانی و راهنمایی افراد پیدا کرده و در پیش‌گیری و درمان مشکلات روحی، روانی و رفتاری طلاب، اصلاح بینش‌ها و شناخت‌های اساسی زندگی، غلبه بر هیجان‌های منفی، ارتقای سطح سازگاری و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آنان، افزایش اعتماد

۱. توصیه می‌شود مدیران و معاونان تهذیب مدارس، از قبل فهرستی از مسایل، مشکلات و نیازمندی‌های اخلاقی و تربیتی خود را از طریق معاون تهذیب استان به دست مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی یا مدیریت امور تربیت اخلاقی معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه در ستاد مرکزی برسانند تا متناسب با این نیازها، اساتید و مشاوران مناسب و مسلط بر این موضوعات به مدارس استان اعزام شوند.

به نفس، توان تصمیم‌گیری، بهبود و تحکیم روابط خانوادگی، مدیریت تحصیلی، مهارت‌های مطالعه و پژوهش، آموزش شیوه‌ی درست زندگی و... می‌تواند خدمات قابل توجهی ارائه نماید. از این‌رو، وجود مراکز خدمات مشاوره‌ای برای طلاب و خانواده‌های ایشان و در دسترس بودن این مراکز در استان‌ها و شهرستان‌ها و نیز بهره‌گیری مدارس علمیه از مشاوران روحانی متخصص و متعهد، بسیار ضروری می‌نماید و از عوامل مؤثر در رشد متوازن و متعادل اخلاقی و تربیتی طلاب می‌باشد.

با توجه به اهمیت مسأله‌ی مشاوره در مدارس علمیه و نقش برجسته‌ی مشاور در این میان، استاد مشاور حوزه باید برخوردار از ویژگی‌هایی باشد که به مهم‌ترین آن‌ها در ذیل اشاره شده است:

شاخص‌ها و ویژگی‌های استاد مشاور

الف. ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی مشاور

۱. پرهیزکاری؛

۲. دارای حسن خلق؛

۳. عفت و پاک‌دامنی؛

۴. انس با دعا و معنویات؛

۵. امانت‌داری؛

۶. رازداری؛

۷. مسؤولیت‌پذیری؛

۸. متواضع؛

۹. حق‌مداری؛

۱۰. داشتن سعه‌ی صدر و بردباری؛
۱۱. رعایت زنی طلبگی؛
۱۲. نصیحت‌گرو خیرخواه؛
۱۳. وفای به عهد و وعده؛
۱۴. اجتناب از حرص و بخل؛
۱۵. داشتن جرأت و شهامت؛
۱۶. عمل به دانسته‌ها؛
۱۷. مهربانی و دلسوزی؛
۱۸. دارای اعتماد به نفس بالا؛
۱۹. دارای نظم و انضباط؛
۲۰. دارای نظافت و آراستگی ظاهری.

ب. صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاور

۱. برخورداری از دانش، مهارت و تجربه لازم در ارائه‌ی مشاوره و راهنمایی؛
۲. احساس مسئولیت و معرفت نسبت به ارزش کار خویش؛
۳. توجه به کرامت انسانی مراجع و تکریم و احترام عملی وی؛
۴. احترام به آزادی و اختیار مراجع؛
۵. صداقت و راست‌گویی نسبت به مراجع؛
۶. شناسایی و ارجاع افراد دارای مشکلات و ناهنجاری‌های حاد به متخصصان و مشاوران مراکز مشاوره‌ی تخصصی؛
۷. ایجاد و حفظ نشاط و شادابی در میان طلاب مدرسه؛
۸. برقراری ارتباط مؤثر و کمک به مدیر، معاون تهذیب، اساتید مدرسه در جهت حل مشکلات تربیتی و روان‌شناختی طلاب؛

۹. در نظرگرفتن مصلحت واقعی مراجع؛
۱۰. پذیرش و توجه کامل و مثبت به مراجع و تلاش برای رسیدن به درک درست و جامع از مشکل وی؛
۱۱. رعایت عدالت و عدم تبعیض میان مراجعان؛
۱۲. توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی مراجعان؛
۱۳. توجه به علل و زمینه‌های محیطی، فرهنگی، خانوادگی و... مشکل و اختلال؛
۱۴. دوری از لجاجت و بحث‌های بی‌ثمر با مراجع؛
۱۵. پرهیز از مواضع تهمت؛
۱۶. عدم سوء استفاده از موقعیت حرفه‌ای؛
۱۷. مشاوره و کسب نظر از مشاوران و کارشناسان دیگر در صورت لزوم؛
۱۸. مطالعه‌ی مستمر و توجه به آرای کارشناسان و نظریه‌پردازان مختلف.

آسیب‌ها و چالش‌ها

بسیاری از مدارس علمیه از وجود دست‌کم یک مشاور امین، دلسوز و آشنای با مسایل روان‌شناختی و تربیتی طلاب محروم هستند و اعزام مشاوران پاره‌وقت از سوی معاونت تهذیب و تربیت حوزه، نیازهای فراوان مدارس را چندان پاسخ‌گو نیست.

هم‌چنین نگرش فرعی و جنبی داشتن به امر مشاوره از سوی برخی مشاوران و محض نشدن در این امر نیز، از موانع جدی موفقیت مسأله‌ی مشاوره در مدارس علمیه به شمار می‌آید.

در ادامه به برخی از ضعف‌های موجود در بخش مشاوره‌ی حوزه که

حاصل پژوهش‌های میدانی است، فهرست وار اشاره می‌شود:

۱. کمبود مشاور متخصص و باتجربه؛
۲. ضعیف و کم‌رنگ بودن حضور مشاوران در مدارس علمیه؛
۳. عدم توجه مدیران برخی از مدارس به نیازهای مشاوره‌ای و تربیتی طلاب؛
۴. عدم احساس ضرورت نیاز به مشاوره در میان برخی از طلاب؛
۵. رواج نیافتن مشاوره‌های گروهی؛
۶. ضعف در ترویج امور مشاوره‌ای مورد نیاز طلاب؛
۷. نبود احساس نیاز به مشاور در برخی از مدیران و احساس تحمیل مشاور از بالا؛
۸. ناکافی بودن اعزام‌های مقطعی اساتید مشاور با توجه به فراوانی نیازها؛
۹. استفاده برخی مدارس از مشاورانی که تخصص و غنای علمی لازم را ندارند؛
۱۰. فقدان مراکز مشاوره حوزوی در بسیاری از استان‌ها و شهرستان‌ها؛
۱۱. کند بودن روند فعالیت‌ها در حوزه‌ی پیش‌گیری و ...

راهکارها و پیشنهادها

برای رفع این مشکلات، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی تربیتی و مشاوره‌ای مدیران مدارس علمیه؛
۲. تقویت و توانمندسازی معاونین تهذیب مدارس؛
۳. شناسایی مشاوران فعال و مستقر در مدارس علمیه و برنامه‌ریزی برای دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی مستمر آنان؛
۴. برنامه‌ریزی و اهتمام جدی‌تر در حوزه پیش‌گیری در مدارس؛

۵. تسریع در تأسیس و راه‌اندازی مراکز مشاوره در استان‌ها و شهرستان‌ها؛
۶. اطلاع‌رسانی و انجام فعالیت‌های ترویجی در زمینه‌ی آشنایی طلاب مدارس با امور مشاوره‌ای؛
۷. شرکت مدیران و اساتید برگزیده مدارس در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تربیت مشاور در تمامی استان‌ها به ویژه در استان‌های کمتر برخوردار؛^۱
۸.

۵. هم‌حجره، هم‌مباحثه و دوست

دوره‌ی نوجوانی و جوانی دوره‌ای است که عناصر شخصیتی و هویتی فرد در حال شکل‌گرفتن است و به همین دلیل، میزان تأثیرپذیری طلاب نوجوان و جوان از هم‌سالان خود، به‌ویژه از هم‌حجره‌ای، هم‌مباحثه‌ای و دوست بیشتر است. این تأثیرپذیری با شدت و ضعف‌هایی در اندیشه، نگرش و رفتار فرد نمایان می‌شود.

مرحوم آیت الله مجتهدی در اهمیت این بحث چنین می‌فرماید:
دنبال رفیق و دوست و یا استاد و هم‌مباحثه‌ی بی‌عیب نگرد؛ ولی قبل از این که با کسی رفیق شوی یا این که در درس کسی شرکت کنی، جست‌وجو بکن ...^۲

۱. برای این منظور، رشته «مشاوره اسلامی» از رشته‌های تخصصی سطح سه حوزه‌ی علمیه‌ی قم، تأسیس و از سال ۱۳۹۲ اقدام به پذیرش دانش‌پژوه کرده است. امیدواریم با ادامه کار این مرکز تخصصی و تربیت مشاورانی توانمند و کارآمد و نیز توسعه این مرکز در سایر استان‌های کشور، هر چه زودتر شاهد برآورده شدن بسیاری از نیازهای مشاوره‌ای مدارس علمیه باشیم که البته همت متولیان امر و مدیریت‌های استانی در تأمین بودجه و هزینه‌های مورد نیاز را می‌طلبند.

۲. برخوردار فرید، آفات الطلاب، ص ۳۰.

۵-۱ هم حجره

انتخاب هم حجره‌ای مناسب در نخستین روزهای زندگی طلبه، اهمیت زیادی دارد و می‌تواند زمینه‌ی رشد و تعالی همه‌جانبه‌ی وی را فراهم کند. آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که «در انتخاب هم‌مباحثه‌ای‌ها و هم‌حجره‌ای‌ها، چه معیارهایی مهم است و چه شرایطی باید داشته باشند؟» می‌فرماید:

در این مورد علاوه بر تقوا، حسن شهرت، استعداد و خوش سلیقه بودن، هماهنگی سنی و درسی نیز ضروری است. در غیراین صورت، با یک‌دیگر نمی‌جوشند و کم‌کم مشکلاتی هم ایجاد می‌شود. بنابراین هم‌طراز بودن از نظر سن و سال و مسائل درسی را باید کاملاً مد نظر داشت.^۱

آیت‌الله سبحانی نیز در پاسخ به همان سؤال می‌فرماید:

باید بدانیم دو یا سه نفری که می‌خواهند در یک حجره باهم زندگی کنند، هرچه فرهنگ‌شان به هم نزدیک باشد، بهتر است و قطعاً مشکلات کمتری پیش می‌آید.^۲

چه بسا افرادی که با هم حجره‌ای شدن با طلبه‌های فاضل و مهذب، به مدارج عالی علمی و اخلاقی دست یافتند و برعکس، با انتخاب هم‌حجره‌ای نامناسب، زمینه‌ی سقوط و خروج خود از سلک طلبگی را فراهم کردند. بنابراین یکی از وظایف مدیر و کادر تهذیبی مدرسه، کمک به طلاب برای انتخاب هم‌حجره‌ای مناسب و چینش صحیح حجره‌ها می‌باشد.

۱. وافی، نسیم هدایت، ص ۱۷۸.

۲. همان، ص ۱۷۸-۱۷۹.

آیت‌الله باقری بنابی^۱ در مورد چینش ترکیب حجره‌های طلاب در مدرسه می‌فرماید:

در مورد ترکیب حجرات که چه کسی با چه فردی هم حجره شود، دقت زیادی می‌کنیم. اگر قرار باشد انسان برای تدریس کتاب پیچیده‌ای، تلاش زیاد و دقت فراوان نشان دهد، ما بیش از آن مقدار در مورد هم حجره دقت به خرج می‌دهیم. ارزیابی می‌کنیم که اگر این چند نفر کنار هم باشند، آیا برای هم مفید خواهند بود یا نه؟ بعد از بررسی و سنجش، پیشنهاد می‌کنیم که آقای فلانی! این آقا با شما هم حجره خواهد شد، نظرتان چیست؟ البته باید حوزه هم این ترکیب را تأیید کند، تنها رضایت خود طلبه کافی نیست. در هر حجره، یک نفر را به عنوان مسؤل حجره انتخاب می‌کنیم تا بین دو یا سه نفر دیگر هماهنگی ایجاد کند. نظراین است که او به عنوان امین ما در حجره بوده باشد و به هم حجره‌ای هایش خط و جهت بدهد، به ویژه این‌که در این مورد حدیث شریفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که اگر دو نفر هستید، یکی را به عنوان امیر برگزینید.^۲

ایشان در مورد امکان جابه‌جایی و تغییر حجره نیز می‌گویند:

اگر طلبه‌ای در یک حجره موفق است؛ یعنی از نظر فکری، اخلاقی و درسی و آداب در سطح خوبی قرار دارد، تغییر حجره او صلاح نیست؛ چرا که ثبات روحی وی را از بین برده و او را متزلزل می‌کند؛ اما اگر ثابت شود که طلبه در این حجره موفق نیست یا با هم‌اتاقی هایش نمی‌تواند بماند و یا به درس و اخلاقش نمی‌تواند برسد و...، در این صورت جابه‌جایی او مطلوب است. اما این‌که براساس چه معیارهایی تصمیم گرفته شود، باید دید این طلبه با روحیات خاصش، در کدام حجره پیشرفت خواهد کرد. گرچه تنوع هم در کنار

۱. مدیر مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام شهرستان بناب و از مدیران با تجربه و موفق حوزه.

۲. حسین‌خانی، نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه، ص ۱۵۵.

اهداف می‌تواند قرار گیرد و هیچ عیبی هم ندارد؛ اما یک چیز را باید مد نظر قرار داد و آن این‌که نباید جابه‌جایی یک طلبه تبعات منفی داشته باشد؛ برای مثال، در مدرسه جوّ ایجاد شود که مگر چه شده فلانی را از آن جا در آوردند و به حجره‌ی دیگری بردند؟ مگر هم حجره‌ای هایش چگونه بودند؟ این تبعات، شخصیت هم حجره‌ای‌های قبلی او را مخدوش می‌سازد. براین اساس، باید در این تغییرات، دقت و ظرافت زیادی به خرج داد.^۱

هم‌چنین در برخی از مدارس علمیه، شورایی برای چینش ترکیب حجره‌ها تشکیل می‌شود که مدیر، معاون تهذیب و آموزش، یکی از اساتید که انس بیشتری با طلاب دارد و یکی، دو نفر از طلبه‌های پایه‌های بالاتر که مورد وثوق مدیر و طلبه‌های مدرسه است و شناخت بهتری نسبت به اکثریت طلبه‌ها دارد، را در بر می‌گیرد. این شورا قبل از شروع سال تحصیلی، اسامی طلاب را بررسی کرده و پیشنهادهایشان را برای ترکیب حجره‌ها و قرار گرفتن طلاب در کنار یک‌دیگر ارائه می‌کنند.

۲-۵ هم‌مباحثه

با توجه به این‌که مباحثه یکی از سنت‌های اصیل حوزه‌های علمیه و از ضرورت‌های موفقیت تحصیلی و رشد علمی و معنوی در حوزه است، لازم است طلبه در انتخاب هم‌مباحثه‌ی مناسب اهتمام داشته باشد. موفقیت بسیاری از بزرگان مدیون داشتن هم‌مباحثه‌های خوب در دوران تحصیل بوده و در سیره و شرح حال زندگی‌شان، این امر به وضوح قابل مشاهده است. مرحوم آیت‌الله مجتهدی در بیان ویژگی هم‌مباحثه‌ی خوب چنین می‌فرماید:

۱. همان، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

البته فقط هم مباحث داشتن کافی نیست؛ زیرا هم مباحث ضعیف داشتن، چندان فرقی با هم مباحث نداشتن ندارد. بلکه در مباحثه، باید کسی را انتخاب کنی که از او استفاده ببری و در صورت امکان از توقوی‌تر باشد تا نیروی محرکه برای تو باشد و باعث شود به درس و بحث و مطالعه بپردازی و چون سعی و تلاش و فهم او را میبینی، سعی خواهی کرد که خودت هم هم‌چنین باشی و همین رمز موفقیت تو خواهد بود. باید هم مباحثی را انتخاب کنی که در درس جدی باشد، رعایت ساعات مقرر را بکند و در هنگام مباحثه از مطالبی که ذهن و فکر هر دوی شما را پرت می‌کند، خودداری کند...^۱

بنابراین یکی از وظایف کادر تهذیبی و تربیتی و به ویژه اساتید مدرسه، ارائه مشاوره و راهنمایی به طلاب برای انتخاب هم‌مباحثه‌ای مناسب می‌باشد.

ویژگی‌های یک هم‌مباحثه‌ی خوب

برخی از ویژگی‌های هم‌مباحثه‌ی خوب عبارت است از:

۱. پرهیزکار و مقید به امور شرعی و ظواهر دینی؛
۲. اهل نماز اول وقت و جماعت؛
۳. دارای حسن خلق؛
۴. کوشا و درس‌خوان؛
۵. منظم و وقت‌شناس؛
۶. رفیق و همراه؛
۷. متواضع؛
۸. از نظر سن و سال، نزدیک به هم بودن؛
۹. اهل ایثار و گذشت؛
۱۰. اهل مراء و جزو بحث نبودن.

۱. برخوردار فرید، آفات الطلاب، ص ۳۱.

۳-۵. دوست

بی‌تردید، انسان دارای یک سلسله نیازهای مادی و غیرمادی است و رشد و کمال او نیز وابسته به ارضای درست و به موقع این نیازهاست. یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، نیازهای عاطفی است. عواطف انسان از بدو تولد تا پایان عمر باید ارضا شود و گرنه دچار مشکل می‌شود. نیاز به محبت و ورزیدن به دیگران و مورد محبت دیگران واقع شدن، دقیقاً یک نیاز عاطفی است.

این نیاز طی مراحل مختلف رشد و در مراحل گوناگون زندگی، شکل‌های مختلفی پیدا می‌کند و در هر دوره‌ای به گونه‌ای متناسب با آن زمان باید ارضا شود. در دوره‌ی نوزادی، نیاز کودک از طریق والدین به‌ویژه مادر، با بوسیدن نوزاد، در آغوش گرفتن او و نگاه‌های محبت‌آمیز به او ارضا می‌شود. در این دوره، تأمین نیازهای عاطفی کودک به اندازه‌ی نیازهای زیستی، مانند آب و غذا و پوشاک برای رشد نوزاد ضرورت دارد.

در دوره‌ی کودکی، تأمین این نیاز توسط اعضای خانواده و همه‌ی کسانی که به شکلی با کودک ارتباط دارند، تأمین می‌شود. در دوره‌ی نوجوانی از طریق دوستان و گروه هم‌سالان و در دوره‌ی جوانی به وسیله‌ی دوستان، خویشاوندان و همسر به این نیاز پاسخ داده می‌شود. روان‌شناسان علت وابستگی انسان‌ها را به یک‌دیگر، همین نیازهای عاطفی می‌دانند.

گفتنی است اساس و پایه‌ی دوستی‌ها در سن نوجوانی و جوانی که با جذب و شور زیادی همراه است، غالباً بر مبنای عواطف و احساسات شکل می‌گیرد، نه بر اساس منطق و عقل. مقدمه‌ی این دوستی ممکن است جذابیت یک فرد از نظر ظاهری یا شخصیتی یا پاره‌ای از صفات اخلاقی

باشد که او را برای فرد دیگر دوست داشتنی می‌سازد؛ به طوری که توانسته در روح و روان او تأثیر عمیقی بگذارد و خلأ عاطفی‌اش را پر کند. بنابراین یکی از مسؤولیت‌های تربیتی مدیر، معاون تهذیب، مشاور و سایر اساتید مدرسه، نظارت بر کیفیت و کمیت روابط دوستی طلاب مدرسه با یک دیگر است و اگر این مسأله مورد غفلت واقع شود و مراقبت لازم صورت نگیرد، ممکن است این روابط تأثیر منفی بر رشد اخلاقی و علمی طلاب بگذارد. در واقع در این جا با دو نوع آسیب مواجه هستیم: یکی دوستی‌های ناسالم و دیگری دوستی‌های افراطی.

در رابطه با دوستی‌های ناسالم و دوستی با اهل گناه و افراد بی‌مبالات، به این اعتراف تلخ سیدمهدی هاشمی معدوم^۱ توجه کنید که درباره‌ی نقطه‌ی آغاز لغزش‌های اخلاقی خود چنین می‌گوید:

... ما از اول که آمدم، مخصوصاً که پاتوق مان مدرسه‌ی فیضیه بود، عصرها جمع می‌شدند بچه‌ها دور هم؛ خب یک مقدار آن زمان، من اولین گناهی که مرتکب شدم، غیبت بود. یادم هست که می‌نشستیم در جلوی حجره‌های مدرسه‌ی فیضیه. دو نفر و سه نفر با دوستان. و غیبت‌هایی که فکرمی‌کردیم که غیبت مجاز هم هست، که غیبت از نوع مبارزه است سرعلما، علمایی که یا نسبت به حرکت امام کوتاهی می‌کنند یا اعلامیه‌های شان مثلاً اعلامیه‌های کم‌مایه‌ای هست آن زمان و یا برخوردهای مختلفی که از آن‌ها می‌دیدیم. یک غیبت‌های خیلی خفیفی آن ایام شروع شد، نه از من تنها، از ما، از همه؛

۱. مهدی هاشمی فرزند محمد [برادر سیدهادی هاشمی، داماد آیت الله منتظری] به جرم فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی [و مشارکت در قتل آیت‌الله شمس‌آبادی، فاش کردن ماجرای مک فارلین و چندین جرم سنگین دیگر] در تاریخ ۲۲، ۲۳ و ۲۵ مرداد سال ۱۳۶۶ محاکمه و در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۶ اعدام گردید. (ابراهیم‌زاده، «مهدی هاشمی»، ص ۱۷)

می‌نشستیم به غیبت کردن و غیبت شنیدن و خب همان زمان هم حس نمی‌کردیم که این کار حرامی است. فکرمی‌کردیم مبارزه شروع شده و باید طبیعی بود. آن زمان، یادم هست که همان ایام، همین آقای مظاهری^۱ - ما با هم آشنا بودیم دیگر - نه فقط من را، کل دوستان را نهی می‌کرد از این کارها مذاکره کردن و بحث کردن؛ ایشان هم می‌آمد تو [ی] فیضیه. توی همان محافل فیضیه شرکت می‌کرد و هر وقت مثلاً غیبتی چیزی مطرح می‌شد از آقایان و این‌ها، ایشان نهی می‌کرد. می‌گفت: نکنید این کار را! خب ایشان از ما خیلی بزرگ‌تر بود؛ اما ما بچه طلبه‌ها می‌نشستیم و این‌ها حالا برای ما مهم نبود...^۲

وظیفه‌ی مدیر و سایر متولیان امر در این زمینه، آگاهی بخشی به طلاب درباره‌ی انتخاب دوست، معرفی شاخص‌ها و ویژگی‌های دوست خوب در اسلام و آداب و مهارت‌های دوستی و آسیب‌های آن و نیز کمک به طلاب، به ویژه طلاب جدید الورد برای انتخاب دوست مناسب در مدرسه است. در زمینه‌ی دوستی هم باید گفت که روابط دوستی تا وقتی که موجب اخلال در برنامه‌ی علمی و معنوی طلاب، مزاحمت با حقوق دیگران، مشغولیت ذهن، ضعف اراده و ضعف ایمان نگردد؛ اشکالی ندارد، بلکه اگر در راستای اصلاح و قوّت بخشیدن به این امور باشد، بسیار خوب و مفید خواهد بود.

افراط در روابط دوستی می‌تواند به زندگی آینده‌ی آن‌ها به صورت جدی آسیب برساند؛ زیرا هر انسانی دارای یک منبع محدودی از انرژی روانی

۱. آیت الله شیخ حسین مظاهری (دامت برکاته).

۲. سرابندی، داستان یک مرداب، ص ۳۰-۳۱. در کتاب «آفات الطلاب» (برخوردار فرید، ص ۵۳-۶۰)، یک صد و دو ویژگی از ویژگی‌های دوست ناباب بیان شده است.

است و همین‌طور که توانایی جسمانی او محدود است، انرژی‌های روانی او نیز محدودیت دارد؛ بنابراین باید این انرژی‌ها را به موقع، به تدریج و با احتیاط هزینه کرد.

نشانه‌های دوستی افراطی

- برخی از نشانه‌های دوستی‌های افراطی میان طلاب که برای متولیان امر تربیت در مدرسه به منزله هشدار و زنگ خطر است، عبارت است از:
۱. اشتیاق فراوان به کنار هم بودن و وقت خود را با هم گذراندن؛
 ۲. میل بسیار زیاد به حرف زدن و پیامک دادن به یکدیگر؛
 ۳. پنهانی و خصوصی بودن دوستی‌ها؛
 ۴. همراهی کردن با بیشتر خواسته‌های دوستان؛
 ۵. هم‌رنگ شدن با آن‌ها در خلق و خو و رفتارهای ظاهری (پوشش، وضع ظاهری، نوع راه رفتن و حرف زدن و...)
 ۶. دشواری تحمل دوری هم‌دیگر (بی‌حوصلگی، تنهایی، عصبی بودن و کنار نیامدن با بقیه دوستان هنگام دوری^۱)؛
 ۷. ابراز محبت افراطی به دوست و گاه دادن هدیه‌های گران‌قیمت به او؛
 ۸. ایجاد تماس‌های مکرر بدنی (اوایل بدون قصد لذت شهوانی است؛ ولی بعد از مدتی، اغلب با لذت صورت می‌گیرد).

دوری از خانواده، عدم شکل‌گیری موزون دوری از خانواده یا کسانی که کانون

۱. در موارد شدیدتر، این دوستان دست در دست هم درس می‌خوانند، غذا می‌خورند، با هم به کلاس می‌روند؛ به طوری که اگر یکی به کلاس نرفت، دیگری هم به کلاس درس نمی‌رود و چون نمی‌توانند دور بودن یکدیگر را تحمل کنند، خانه رفتن‌شان نیز با هم هماهنگ است و از لحاظ روحی و روانی، چه سخت خواهد بود که روزی یکی از آن‌ها به خانه برود و دیگری در مدرسه بماند.

محبت آدمی بوده‌اند، عدم ارتباط صمیمانه میان فرد با اعضای خانواده خود و کمبود محبت ناشی از آن، داشتن شخصیت وابسته یا سلطه‌گر، عدم برنامه‌ریزی و هدف‌مندی در تحصیل و زندگی، اقتضای سنین نوجوانی و امثال آن، می‌توانند از علل و زمینه‌های شکل‌گیری این نوع از دوستی باشند.

آسیب‌ها و چالش‌ها

از پیامدهای نامطلوب دوستی‌های افراطی، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱. اتلاف وقت؛
۲. مشکلات تحصیلی؛
۳. از دست دادن تمرکز؛
۴. فاش شدن اسرار شخصی و خانوادگی؛
۵. تحت تأثیر نقاط ضعف و رفتارهای نامناسب هم قرار گرفتن و توجه نکردن به این ضعف‌ها؛
۶. به هم ریختگی و آشفتگی در زندگی؛
۷. آسیب در روابط با اعضای خانواده؛
۸. از دست دادن سایر دوستان؛
۹. بی‌اعتبار شدن در میان سایر افراد؛
۱۰. در معرض بدگمانی دیگران قرار گرفتن؛
۱۱. اسراف و تبذیر در هزینه‌ها؛
۱۲. کاهش ظرفیت نصیحت‌پذیری؛
۱۳. ضربه‌ی شدید روحی دیدن در صورت قطع ارتباط افراطی؛
۱۴. افسردگی و اضطراب؛
۱۵. فراموشی و غفلت از یاد خدا و ...

راهکارهای پیش‌گیری و درمان

برای حل این مشکل، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. تقویت مبانی اعتقادی و انگیزه‌های علمی و معنوی طلاب؛
 ۲. زمینه‌سازی برای انس طلاب با خدا، قرآن، دعا و معصومان علیهم‌السلام؛
 ۳. تلاش برای چینش مناسب هم‌حجره‌ای‌ها؛
 ۴. اطلاع‌رسانی به طلاب درباره‌ی پیامدهای دوستی افراطی؛
 ۵. جهت‌دهی علمی و معنوی به روابط دوستانه‌ی طلاب؛
 ۶. برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری درست فعالیت‌های طلاب در مدرسه؛
 ۷. کمک به فرد برای اصلاح و تقویت رابطه‌ی عاطفی با خانواده‌اش؛
 ۸. کمک به فرد برای گسترش روابط اجتماعی و برقراری ارتباط صمیمانه با دوستان متعدد؛
 ۹. سفارش طلاب به استفاده از پوشش مناسب در محیط حجره و خوابگاه؛
 ۱۰. بهره‌گیری از هم‌فکری و یاری مشاوران در صورت لزوم.
- دقت و توان‌مندی مدیر و سایر متولیان امر تهذیب و تربیت مدرسه در تقسیم‌بندی درست حجره‌ها، انتخاب هم‌حجره و چینش مناسب افراد در کنار یک‌دیگر و نیز راهنمایی طلبه در انتخاب هم‌بحث و دوست مناسب و نظارت بر دوستی‌های طلاب با یک‌دیگر و ... می‌تواند در رشد علمی و معنوی فرد بسیار مؤثر باشد.

۶. کارکنان و کارگزاران مدرسه

اغلب کارمندان و کارگزاران مدرسه به صورت مستمر و روزانه با طلبه‌ها در ارتباط هستند و می‌توانند در فضای تہذیبی و تربیتی مدرسه به شکل مستقیم و غیر مستقیم اثرگذار باشند.

بنابراین، کارکنان مدرسه باید از چنان نگرش، احساس و رفتاری برخوردار باشند که هریک نمایان‌گر بخشی از هویت طلبگی مدرسه باشند؛ خود را جزئی از هویت فرهنگی و معنوی مدرسه بدانند؛ خدمت به طلاب را خدمت به دین خدا و امام عصر علیه السلام تلقی نمایند؛ در کار خود پرنشاط و خستگی ناپذیر ظاهر شوند؛ امانت‌داری، صداقت و رعایت سلسله مراتب شغلی از جمله ویژگی‌های آن‌ها باشد؛ سرنوشت خود را با سرنوشت مدرسه پیوند بزنند و از خدمت در مدرسه، رضایتی عمیق داشته باشند.

مدیر مدرسه باید هر از گاهی، با کارکنان و کارگزاران مدرسه جلسه‌ی انس بگیرد و با تجلیل از آنان و قدردانی از زحمات‌هایی که برای مدرسه می‌کشند، انگیزه‌ی تلاش و خدمت را در ایشان تقویت نموده و نکته‌های اخلاقی و تربیتی مورد نیاز را گوشزد نماید. هم‌چنین، می‌تواند درس اخلاق جداگانه‌ای برای کارکنان ترتیب دهد و از اساتید اخلاق حاضر در مدرسه یا اعزامی از قم بخواهد که جلسه‌ای نیز با آنان داشته باشند.

برگزاری کلاس‌ها، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و مهارتی متناسب با نیازهای تہذیبی کارکنان نیز از جمله کارهایی است که می‌توان برای ارتقای سطح اخلاقی و معنوی آنان انجام داد.

در ادامه به تبیین نقش تربیتی برخی از کارکنان مدرسه‌ی علمیه می‌پردازیم:

۱-۶. معاون آموزش

با توجه به این‌که برنامه‌های آموزشی، بیشترین وقت طلبه را در مدرسه به خود اختصاص داده و معاون آموزش ارتباط بیشتری با طلاب دارد، از این‌رو انتخاب فردی متخلق، مهذب و دغدغه‌مند در امر تعلیم و تربیت طلاب و باورمند و پای‌بند به زئی‌طلبگی برای این سمت در پیش‌برد اهداف تہذیبی و تربیتی مدرسه، اثربخش خواهد بود.

معاون آموزش با اهتمام به امور ذیل می‌تواند در موفقیت برنامه‌های تہذیبی مدرسه مؤثر باشد:

۱. آگاهی بخشی به اساتید نسبت به ایفای نقش تربیتی خود در مدرسه (چنان‌که در صفحه‌های پیشین، بخش استاد، به تفصیل بیان شد)؛
۲. تعامل سازنده با معاون تہذیب مدرسه و منعطف ساختن برنامه‌های آموزشی به منظور اجرای برنامه‌های تہذیبی در مدرسه؛
۳. دقت و اهتمام در جذب و به‌کارگیری اساتید مهذب، متخلق، دلسوز و دغدغه‌مند برای تدریس در مدرسه؛
۴. برگزاری دروس جانبی برای طلاب؛ مثل نهج‌البلاغه، حدیث، تاریخ اسلام، تفسیر و مانند این‌ها توسط اساتید مهذب و اخلاقی؛
۵. تشویق و ترغیب اساتید برای شرکت در برنامه‌ی جهاد تربیتی اساتید و سایر دوره‌های تربیتی که از سوی معاونت تہذیب و تربیت برای اساتید مدارس برگزار می‌شود؛
۶. همکاری و همراهی با معاون تہذیب در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های تہذیبی و تربیتی.

طلاب یکی از مدارس موفق نقل می‌کرد که:

ما در مدرسه معاون آموزشی داریم که بسیار خوش اخلاق و گشاده‌رواست؛ با تمام وجود می‌کوشد مسائل آموزشی طلبه‌ها را حل کند؛ به طلبه‌ها اعتماد دارد و مبنای کارش بر حسن ظن و صداقت و درستی طرف مقابل است. برای مثال، اگر طلبه‌ای برای غیبت از کلاس عذری بیاورد، عذرش را می‌پذیرد و دیگر مدرک خاصی از او مطالبه نمی‌کند. همین برخورد وی، باعث ایجاد فضایی آرام، توأم با اعتماد و احترام متقابل در مدرسه شده و طلبه‌ها با آسودگی خاطر مشغول تحصیل هستند.

۲-۶. معاون پژوهش

انتخاب فردی متخلّق، مهذب و دغدغه‌مند برای این سمت، می‌تواند در موفقیت فعالیت‌های تهذیبی مدرسه اثرگذار باشد. بخشی از کارهایی که در این راستا می‌توان انجام داد، عبارت است از:

۱. سوق دادن فعالیت‌های پژوهشی و مطالعات جنبی طلاب به سوی موضوعات اخلاقی و تربیتی؛
۲. انتشار نشریه‌های داخلی (در قالب روزنامه دیواری، بروشور، مجله و...) و استفاده از نوشته‌های اخلاقی و تربیتی اساتید و طلاب در آن؛
۳. برگزاری نمایشگاه کتاب با اولویت کتاب‌های اخلاقی و تربیتی در مدرسه (حداقل سالی یک‌بار) و ایجاد تسهیلات مالی برای خرید قسطی کتاب؛
۴. تهیه نشریه‌های اخلاقی و تربیتی مفید برای مدرسه؛
۵. تجهیز مستمر کتابخانه مدرسه به کتاب‌های اخلاقی و تربیتی؛
۶. برگزاری اردوهای علمی-پژوهشی و بازدید از مراکز تخصصی و مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی فعال در زمینه‌ی مباحث اخلاقی و

تربیتی و آشنایی طلاب با کتابخانه، اساتید، مطالعات و پژوهش‌های اخلاقی و تربیتی انجام شده و در حال انجام این مراکز؛
 ۷. تهیه سی‌دی‌ها و نرم‌افزارهای اخلاقی و تربیتی برای بانک اطلاعات و اتاق رایانه مدرسه؛

۸. همکاری و همراهی با معاون تهذیب در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های تهذیبی و تربیتی از جمله: طرح مطالعاتی شهید مطهری، سیرهای مطالعاتی و... که در معاونت تهذیب حوزه تهیه شده‌اند.

۳-۶. کارکنان بخش اداری

همان‌طور که بارها گفته شد، همه‌ی کسانی که در مدرسه به نوعی با طلاب در ارتباط هستند، می‌توانند در مسائل تهذیبی و تربیتی آن‌ها اثرگذار باشند. بنابراین به‌کارگیری نیروهای متدین، بانگیزه، مسؤولیت‌پذیر، خوش اخلاق، امین، رازدار، منظم، انتقادپذیر، متواضع، مؤدب، پای‌بند به زئّ طلبگی و باورمند به آرمان‌های روحانیت و حوزه، دستورپذیر، دارای روحیه خدمت‌گزاری و روابط عمومی مؤثر و تا حد امکان ملبّس به لباس روحانیت در بخش‌های اداری و اجرایی مدرسه، می‌تواند در پیش‌برد اهداف تربیتی و تهذیبی مدرسه مؤثر باشد. برای مثال، در ایامی که نویسنده در مدرسه‌ی علمیه‌ی یکی از شهرستان‌ها مشغول به تحصیل بودم، مدیر مدرسه مسؤول دفتری داشت که انسانی وارسته، مهذب و بسیار دلسوز بود. همیشه می‌کوشید ارتباط طلاب با مدیر را تسهیل کند؛ سنگ صبور مشکلات طلاب بود؛ دغدغه‌پی‌گیری مسائل معیشتی و مالی طلاب را داشت؛ مقید به کار در ساعت اداری نبود و صبح و شب، همیشه در دسترس مدیر و طلاب بود و با تمام وجود در خدمت مدرسه بود.

۴-۶. باغبان

وجود فضای سبز، درخت و گل و گیاه در محیط مدرسه، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد روحیه‌ی شادابی و نشاط در میان طلاب می‌باشد. فضای سبز و خوب، به باغبانی باتجربه و دلسوز نیاز دارد که بتواند چنان فضایی را در مدرسه برای طلاب فراهم کند. بنابراین، مدیر مدرسه باید بکوشد فرد مناسبی را برای این کار جذب کند و از مهارت و تجربه‌ی وی و در اختیار قرار دادن فضا و امکانات لازم، فضای سبز محیط مدرسه را توسعه و رونق بخشد.

برخی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های اخلاقی یک باغبان مناسب برای مدرسه‌ی علمیه به شرح زیر است:

۱. تدین و تقید نسبت به انجام فرایض دینی و اجتناب از گناهان؛
 ۲. داشتن نگاه درست نسبت به کار در حوزه و خدمت به شاگردان مکتب امام صادق و سربازان امام زمان (علیه السلام)؛
 ۳. رعایت ادب و حسن معاشرت در مواجهه با اساتید و طلاب و سایر کارکنان مدرسه؛
 ۴. امانت‌داری و رازداری؛
 ۵. با نشاط و پرانرژی در انجام وظایف محوله؛
 ۶. دارای پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛
 ۷. خوش سلیقگی، رعایت بهداشت فردی، عدم مصرف دخانیات؛
 ۸. دارای مهارت و تجربه کافی در امور باغبانی و فضای سبز.
- یکی از طلاب از باغبان مدرسه‌شان چنین نقل می‌کند:

روزی یکی از طلبه‌ها را دیدم که در گوشه‌ای از حیاط مدرسه، زانوی غم بغل کرده و ناراحت و افسرده است. شاخه گلی را از باغچه‌ی کندم و رفتم پیشش؛

کنارش نشستم و شاخه‌ی گل را به او دادم و کمی باهاش درد دل نموده و صحبت کردم. پس از مدت کوتاهی با انرژی مضاعف و شاد و سرحال، بلند شد رفت سراغ درس و بحثش.

۵-۶. آشپز

بخشی از موفقیت مدرسه در تأمین تغذیه‌ی سالم طلاب، به وجود آشپز یا سرآشپز باتجربه و ماهر بستگی دارد. رعایت آداب شرعی و بهداشتی در پخت و پز، تهیه‌ی مواد اولیه حلال، سالم، تازه و مقوی و در نظر گرفتن شرایط سنی و نیازهای جسمانی طلاب، از اموری است که از یک آشپز خوب انتظار می‌رود در تهیه و تدارک غذای مدرسه رعایت کند.

آشپز مدرسه می‌تواند دارای ویژگی‌های اخلاقی زیر باشد:

۱. تدین و تقید به امور شرعی؛
۲. دارای نگرش درست نسبت به خدمت به سربازان امام زمان (عج)؛
۳. رعایت ادب و برخورد مناسب در مواجهه با اساتید و طلاب و سایر کارکنان مدرسه؛
۴. آشنا با مسایل و احکام مورد ابتلا و آداب تغذیه در اسلام؛
۵. دارای پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛
۶. خدمت‌گزار، مسئولیت‌پذیر و دل‌سوز در انجام کار؛
۷. اهل تدبیر و برنامه‌ریزی برای استفاده‌ی درست و مناسب از مواد اولیه تهیه شده و به دور از اسراف و تبذیر در تهیه‌ی غذا؛
۸. دارای نظم و انضباط کاری و وقت‌شناس؛
۹. دارای روحیه‌ی انتقادپذیری و دستورپذیری؛
۱۰. خوش سلیقه و دارای ابتکار عمل در تهیه‌ی غذا؛

۱۱. اهل رعایت بهداشت فردی^۱ و به دور از مصرف دخانیات در محیط کار.

رعایت آداب معنوی هنگام پختن غذا؛ مثل طهارت و وضو داشتن، گفتن «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» و در حال ذکر بودن، بلند صلوات فرستادن، خوش اخلاقی کارکنان آشپزخانه با یک‌دیگر، خالص کردن نیت برای خدمت به سربازان امام زمان علیه‌السلام و... بسیار در روحیه‌ی معنوی خود فرد و سایر طلاب اثرگذار است.

معاون تهذیب یکی از استان‌ها می‌گوید:

در یکی از مدارس استان، آشپز بسیار بد اخلاق و بدقلقی داریم که همه‌ی طلاب مدرسه را به ستوه آورده است. بین طلاب تبعیض قائل می‌شود؛ به یکی زیاد غذا می‌دهد و به دیگری کم و حتی گاهی به اساتید غذا نمی‌دهد! مدرسه را به هم ریخته و مدام تنش ایجاد می‌کند!

در مقابل، یکی دیگر از معاونان تهذیب درباره‌ی آشپز یکی از مدارس می‌گوید:

مهربانی‌اش باعث شده که نگران نیستیم به خاطریک وعده غذای بدون هماهنگی قبلی و یا موقع تأخیر در گرفتن غذا، پیش دیگران ما را ضایع کند.

وی از زبان یکی از طلاب مدرسه، چنین نقل می‌کند:

یک روز نتوانستم موتور سیکلت دوستم را که در دستم بود، کنترل کنم. سهواً خطی روی بدنه ماشین که مقابل نگهبانی مدرسه پارک کرده بود، افتاد. چند روز دنبال صاحب ماشین بودم. یک روز دیدم آشپز حوزه سوارش شد. رفتم جلو برای عذرخواهی و پرداخت خسارت؛ اما او با کمال مهربانی با چهره‌ای

۱. آشپز و سایر کارکنان آشپزخانه باید دارای کارت بهداشتی (گواهی‌نامه) معتبر باشند و نسبت به رعایت نکات بهداشتی مندرج در آیین‌نامه‌های بهداشت محیط که از سوی وزارت بهداشت اعلام شده، ملتزم باشند.

کریمانه گفت که چیزی نیست، از این اتفاقات خیلی می‌افتد! در حالی که تنها خط ماشین‌اش را من انداخته بودم و من می‌دانم با چه زحمتی آن ماشین را خریده بود.

آگاهی کافی از احکام و مسایل شرعی و توجه به حلال و حرام در تهیه‌ی غذا از امور لازمی است که رعایت آن توسط آشپز مدرسه‌ی علمیه بیشتر انتظار می‌رود. برای مثال، اگر آشپز به دلیل بی‌مبالاتی، غذای نجس به خورد طلبه‌ها بدهد، این غذا اثر وضعی خود را روی آن‌ها خواهد گذاشت. از شیخ عباس قمی رحمته‌الله نقل شده که فرمود:

من سفری به همدان رفتم و بر شخص معتمدی وارد شدم. یک شب او به من گفت: فلان جا شام مهمانم، دلم می‌خواهد خدمت شما باشم. با هم آن جا برویم. من امتناع کردم. گفت: آقا اگر شما همراه من بیایید، آبروی من بیشتر می‌شود، برای من خوب است. با هم رفتیم. شام آوردند و خوردیم. بعد از شام به منزل برگشتیم. من صبح برخلاف هر شب که با کمال راحتی برای نماز شب برمی‌خاستم، زمانی از خواب بیدار شدم که نزدیک طلوع آفتاب بود و نزدیک بود، نماز صبحم قضا شود. خیلی ناراحت شدم.

عجب! آدم یک عمر زحمت بکشد که نماز شبش ترک نشود؛ ولی حالا چطور شده که نماز صبحم نزدیک است قضا شود؟ با عجله برخاستم، با ناراحتی وضو گرفتم و نماز صبح را خواندم تا قضا نشود. بعد به فکر افتادم چرا این طور شد؟ یعنی چه؟ برای من مصیبتی شد. من فکر کردم چرا این طور شد؟ گفتم: شاید به خاطر شام دیشب بوده است. غیر از این دیگر توجیهی ندارم. صاحب‌خانه آمد، به او گفتم: صاحب آن منزل که دیشب رفتیم، چه کاره بود؟! قدری تأمل کرد و گفت: ایشان بانک بعد از ظهر است. من نفهمیدم یعنی چه؟ بعد ادامه داد: بانک‌ها قبل از ظهر با می‌دهند. این

آقا بعد از ظهر ربا می‌دهد. من خیلی ناراحت شدم، گفتم: عجب! مرا به خانه یک رباخوار بردی و سرسفره‌ی او نشاندی. چرا این کار را کردی؟ به من خدمت کردی؟! این مهمان‌نوازی بود؟ ایشان فرمود: اثر این غذا این طور شد که تا چهل شب نمی‌توانستم خوب برای نماز شب برخیزم. تا چهل شب موقت نشدم آن‌گونه که باید، نماز شب را انجام بدهم. به ما می‌گویند اگر می‌خواهید صالح‌العمل باشید، غذایتان را پاک کنید؛ اما ما دائم سعی در آلوده کردنش داریم.^۱

۶-۶. خادم و نظافت‌چی

وظیفه‌ی اصلی خادم یا خادمان مدرسه، انجام امور نظافتی محیط، خدمات پذیرایی از اساتید و مهمانان و سایر امور محوله می‌باشد. خادم از این جهت که بیشتر وقتش در مدرسه سپری می‌شود و کارهای در معرض دید مدرسه را انجام می‌دهد، به عنوان بخش مهمی از وجهه‌ی عمومی مدرسه به شمار می‌رود و در صورت داشتن ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی والا می‌تواند هم برای مدرسه و هم برای طلاب، منشأ آثار خوبی باشد. یکی از طلاب نقل می‌کند:

خادم مدرسه‌ی آیت الله مجتهدی رحمته‌الله نماز شبش ترک نمی‌شد؛ به همین خاطر طلبه‌ها خجالت می‌کشیدند نماز شب نخوانند!

۱. «سلب توفیق با لقمه حرام»، بخش اخلاق و عرفان اسلامی سایت تبیان، فرآوری: زهرا اجلال، شناسه مطلب: ۲۶۵۱۱۸، تاریخ ۱۳۹۲/۹/۳۰.

معاون تهذیب یکی از مدارس نیز در مورد آبدارچی مدرسه‌شان چنین می‌گوید:

آبدارچی مدرسه‌ی ما، برخی از روزهای ماه رجب را روزه می‌گرفت و همین امر باعث می‌شد بعضی از طلبه‌ها به خود بگویند خادم روزه مستحبی می‌گیرد و من طلبه‌ی سربازِ امام زمان علیه السلام روزه نگیرم! لذا انگیزه و شوق پیدا می‌کردند که روزه‌ی مستحبی بگیرند.

برخی از شاخص‌های اخلاقی خادم مدرسه‌ی علمیه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. تدین و تقید نسبت به انجام فرایض دینی و اجتناب از گناهان؛
 ۲. داشتن نگاه درست نسبت به خدمت به اهل علم و سربازان امام زمان علیه السلام؛
 ۳. تکریم علما، اساتید و طلاب و رعایت ادب، تواضع و حسن خلق در برخورد با ایشان؛
 ۴. دارای نظم و انضباط کاری، وقت‌شناس و خوش سلیقه در انجام وظایف؛
 ۵. داشتن روحیه‌ی مسؤولیت‌پذیری و تکلیف محوری در انجام وظایف؛
 ۶. امانت‌داری و رازداری؛
 ۷. تلاش مستمر برای تقویت نور ایمان و معنویت در خود؛
 ۸. دارای پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه.
- هم‌چنین، برخورداری از سلامت جسمانی، رعایت بهداشت فردی، عدم مصرف دخانیات و آشنایی با امور فنی مورد نیاز و ابتلای مدرسه نیز از شرایطی است که در انتخاب خادم باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته و خاطره

مرحوم سید غلامرضا کسایی گوگانی، داماد علامه امینی اعلی‌الله‌مقامه که به گواهی علما و مراجع بزرگ، شخصیت پرفضیلت و اهل تقوا و در نهایت عدالت و وثاقت بوده، نقل کرده است که:

در یکی از مدرسه‌های علمیه‌ی تبریز [مدرسه‌ی طالبیه] مشغول درس خواندن بودم. خادم مدرسه مردی بسیار با تقوا و درستکار بود که وظایفش را به خوبی انجام می‌داد و روحیات عجیبی داشت. غالباً ساکت به نظر می‌رسید. از گناهان پرهیز می‌نمود. او اتاق طلبه‌ها را بدون هیچ چشم‌داشتی جارو می‌زد و لباس‌های آن‌ها را می‌شست. حتی از این‌که آفتابه‌ی دیگران را پر کند، ابایی نداشت. نیمه شبی برای تطهیر و وضو از اتاق بیرون آمدم. در حجره را بستم و به راه افتادم؛ اما وقتی به مقابل اتاق خادم رسیدم، در نهایت تعجب نوری در حجره‌ی او می‌درخشید؛ چنان‌که گویی خورشید در آن‌جا طلوع کرده است. برای کشف این راز جلورفتم تا در بزم؛ اما همین‌که نزدیک شدم، صدای گفت‌وگویی به گوشم رسید و دانستم که خادم با کسی صحبت می‌کند. از یک طرف نمی‌خواستم بر او وارد شوم و نیمه شب سرزده نزد او بروم؛ از سوی دیگر کنج‌کاو شده بودم که بدانم با چه کسی سخن می‌گوید! ناچار قدری پیش رفتم و پشت در به گوش ایستادم. صدای خادم را تشخیص می‌دادم؛ اما صدای فرد دیگر را نمی‌شناختم. ساعتی گذشت و من هم چنان متحیر ایستاده و به گفت‌وگوی آن دو که برایم مبهم و نامفهوم بود، گوش می‌دادم. ناگهان متوجه شدم صدا قطع شد و نوری که همانند آفتاب می‌درخشید، خاموش گردید. در آن هنگام دیگر طاقت نیاوردم و محکم در زدم. خادم پرسید: کیست؟ من نام خود را بردم و گفتم: من هستم؛ در را باز کن! وقتی در را گشود و چشمش به من افتاد، سلام کرد. پرسیدم: اجازه می‌دهی وارد شوم؟ گفت: بفرمایید! درون اتاق رفتم و نشستم. اما نه کسی غیر از او آن‌جا حضور داشت و نه وضع غیر عادی بود. سؤال کرد: امری دارید؟ گفتم: خیر. اما تو

با شخصی صحبت می‌کردی و دیدم نوری در اتاقت می‌درخشید. حقیقت را بگو و گرنه می‌روم و طلبه‌ها را خبر می‌کنم تا بیایند و جریان را جویا شوند. جواب داد: ماجرای امشب را برایت نقل می‌کنم، به شرط این‌که برای هیچ‌کس بازگو نکنی. گفتم: قول می‌دهم که پرده از این راز بردارم. آن‌گاه گفت: من تا روز جمعه هستم. از تو پیمان می‌گیرم که تا ظهر جمعه سرّ مرا فاش نسازی. آن شب، شب چهارشنبه بود و من قول دادم که تا جمعه سخنی نگویم. سپس گفت: راستش را بخواهی امام زمان علیه السلام این‌جا تشریف داشتند. من در محضر ایشان بودم و حضرت با من گفت‌وگو می‌نمودند. با تعجب پرسیدم: درباره‌ی چی با تو سخن می‌گفتند؟! گفت: همیشه سه گروه اطراف امام عصر علیه السلام هستند که در زمان غیبت با ایشان ارتباط دارند. یک گروه که تعدادشان کمتر است، در طبقه‌ی اول هستند. گروه دوم که تعدادشان کمی فزون‌تر است، در طبقه‌ی دوم قرار دارند و دسته‌ی سوم که از آن دو طایفه بیشتر هستند، در طبقه‌ی آخرند. این سه گروه از نظر معنا و باطن، مانند سه حلقه‌ی تو در تو هستند که هرگاه یکی از طبقه‌ی نخست از دنیا برود، فردی از طبقه‌ی دوم جانشین او می‌شود. هر وقت کسی از طبقه‌ی دوم وفات کند، شخصی از دسته‌ی سوم جای او را می‌گیرد. به همین ترتیب اگر کسی از طبقه‌ی سوم وفات کند، یکی از مردم را که دارای تقوا و فضایل اخلاقی بوده و از نظر روحی شایستگی کامل دارد، به جای او قرار می‌دهند تا وظایف او را انجام دهد. پس از این توضیح ادامه داد و گفت: روز جمعه یک نفر از طبقه‌ی سوم فوت می‌شود. امشب حضرت تشریف آوردند و به من امر فرمودند که جانشین او باشم و اجازه دادند تا در زمره‌ی افراد گروه آخر انجام وظیفه کنم.

سخن خادم تمام شد و من مبهوت و شگفت‌زده از اتاقتش خارج شدم. حال عجیبی داشتم. دیدن آن نور و این داستان، چنان طوفانی در من پدید آورد که تمام وجودم را مسح‌نمود و آرامشم را ربود. فکر کردم این مردی که به چشم یک خادم به وی می‌نگریم، چه مقامی به دست آورده و به چه سعادت بزرگی نایل گردیده که امام زمان علیه السلام به اتاقتش تشریف می‌برند و او را نزد خود

می‌خواند تا در ردیف خاصان درگاه حضرتش قرار گیرد و به وظایف ویژه‌ی یاران راستین آن بزرگوار پردازد. این افکار چنان موجی در باطنم برانگیخت که تا سپیده دم، نه خواب به چشم آمد، نه حال عبادت پیدا کردم. صبح دیدم خادم با متانت و آرامش خاصی، مشغول کارهای عادی روزانه گشته و در ظاهر هیچ تغییری در وضعیتش نشده است.

روز پنج‌شنبه نیز بدین منوال گذشت و من که پیوسته مراقب حال و رفتار او بودم، چیزی جز همان انجام وظایف معمولی از قبیل جارو زدن مدرسه و خرید از بازار مشاهده نکردم. حتی وقتی آفتابه را از حوض پر کردم، جلو دوید تا آن را بگیرد و برایم ببرد که من نگذاشتم و با عذرخواهی گفتم: ابداء، هرگز چنین جسارتی روا ندارم، تو آقای من هستی و من خادم توام. روز جمعه، از سحر مشغول کار شد و من با کنجکاوی و نگرانی بی‌سابقه‌ای رفتار او را یک سره زیر نظر داشتم تا ببینم آن روز که زمان موعود است، چه می‌شود. خیلی دقیق شده بودم که بدانم او در این روز چه برنامه‌ای دارد. با چه افرادی تماس می‌گیرد. سپیده دم جمعه که از اتاقش خارج شد، ابتدا کارهای مدرسه را انجام داد؛ سپس به امور خود پرداخت. اول لباس‌هایش را شست و تطهیر کرد، بعد لباس‌هایش را روی بند انداخت تا خشک شوند. کفش‌هایش را هم آب کشید و مقابل آفتاب گذاشت. نزدیک ظهر که لباس‌هایش خشک شده بود، لنگی بست و در حوض مدرسه غسل کرد. چون تابستان بود و روز جمعه، طلبه‌ها برای دیدار خانواده‌های خویش رفته بودند و فقط عده‌ی کمی در مدرسه به سر می‌پردند. وقتی غسل کرد و از آب بیرون آمد، قدری در آفتاب ایستاد تا خشک شد، سپس لباس و کفش‌هایش را پوشید و مانند مسافری که عازم سفر است، آماده‌ی رفتن شد و لب حوض نشست. همین که صدای اذان بلند شد و بانگ «الله اکبر» طنین افکند، ناگهان غیب شد و من هرچه نگاه کردم، اثری از او ندیدم.

من مات و مبهوت به صحن مدرسه دویدم و مشغول داد و فریاد شدم. چند نفری که در مدرسه بودند، سراسیمه به حیاط ریختند تا ببینند چه خبر شده! وقتی مرا در آن وضع دیدند، شگفت زده جلو آمدند و گفتند: چه شده. مگر دیوانه شده‌ای؟ گفتم: خادم این مدرسه، همان مردی که لباس‌هایتان را می‌شست، حجره‌هایتان را جارو می‌کرد و... چون او را نیافتند، گفتند: شاید به بازار رفته یا برای نماز جماعت از مدرسه خارج شده است. گفتم: هرگز. این حرف‌ها نیست. می‌دانم که اینک به امام زمان علیه السلام پیوسته. پرسیدند: قصه چیست؟ ماجرای او را برایشان شرح دادم و تمام حوادثی که از شب چهارشنبه اتفاق افتاده بود، برای آن‌ها تعریف کردم. همینک حدود ۸۰ سال از آن ماجرا می‌گذرد و در طول این مدت، احدی از آن خادم تبریزی نام و نشانی نیافته است.^۱

۶-۷. نگهبان

نگهبان مدرسه، اولین کسی است که انسان با ورود به مدرسه با وی مواجه می‌شود. نوع برخورد او با طلاب، هنگام ورود و خروج می‌تواند در روحیه و خلق و خوی آن‌ها اثرگذار باشد. طلبه یکی از مدارس نقل می‌کند:

مدرسه‌ی ما نگهبان بد اخلاقی داشت و من برخی شب‌ها که از درس اخلاق خارج از مدرسه و با حال خوش معنوی کمی دیر برمی‌گشتم، این آقا به قدری در بازکردن در و اجازه‌ی ورود دادن، مرا اذیت می‌کرد که آخرش عصبانی شده و داد و بیداد می‌کردم و هر چه نورانیت و معنویت جمع کرده بودم، از دست می‌رفت و با ناراحتی از او جدا شده و به حجره می‌رفتم.

در مقابل، معاون تهذیب یکی از مدارس نیز چنین نقل می‌کند:

نماز اول وقت و قرائت قرآن در اغلب اوقات در نگهبانی و هم چنین نماز شب

۱. به نقل از حجت الاسلام عالی (فایل صوتی و متن آن)؛ پایگاه مهدی‌یار، شناسه خبر: ۲۳۷۸، ۱۳۹۳/۱/۴.

<http://mahdiyyar.ir> (این حکایت نزد علما و بزرگان تبریز و دیگران مشهور بوده و مکرر نقل شده است.)

یکی از نگهبانان حوزه، تلنگری است به ما که به این نکات توجه ویژه‌ای بکنیم. هم‌چنین می‌گوید: نگهبان حوزه با روی گشاده در ایام تعطیلی مدرسه، عهده‌دار سفارش‌های ما می‌شد و با آب دادن به گلدان‌ها و غذا دادن به ماهی‌های آکواریوم و... خیال طلبه‌ها را راحت می‌کرد.

نکات و شاخص‌هایی که در انتخاب نگهبان مدرسه باید به آن‌ها دقت نمود، عبارت است از:

۱. تدین و تقید نسبت به انجام فرایض دینی؛
۲. ادب و حسن برخورد با طلاب و مراجعان؛
۳. امانت‌داری و رازداری؛
۴. روابط عمومی خوب و مؤثر؛
۵. نشاط و سرزندگی؛
۶. علاقه‌مندی به خدمت برای حوزه و طلاب؛
۷. آگاهی به ارزش و اهمیت کار نگهبانی؛
۸. پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛
۹. تجربه، مهارت و هوش مندی کافی در امور نگهبانی، حفاظتی و امنیتی.

۸-۶. راننده

راننده یا رانندگان خودروهای سواری مدرسه، مسئولیت ایاب و ذهاب اساتید و مهمانان و رانندگان وسایل نقلیه عمومی مدرسه، مثل اتوبوس، مینی‌بوس یا تاکسی وَن، مسئولیت ایاب و ذهاب طلاب مدرسه (طلاب متأهل، طلاب بومی غیرساکن در مدرسه و...) را برعهده دارند.

برای انتخاب راننده‌ی مناسب، توجه به ویژگی‌های زیر ضروری است:

۱. تدین و تقید نسبت به انجام فرایض دینی؛

۲. داشتن نگاه درست و موخ‌دانه نسبت به خدمت به حوزه و اهل علم؛
 ۳. وقت‌شناسی و نظم و انضباط؛
 ۴. ادب و حسن خلق در معاشرت با اساتید و طلاب؛
 ۵. امانت‌داری و رازداری؛
 ۶. تأهل؛
 ۷. عفت و پاک‌دامنی؛
 ۸. دارای پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛
 ۹. آرامش، حوصله و سعه‌ی صدر هنگام رانندگی؛
 ۱۰. قانون‌مداری و تقید نسبت به مقررات راهنمایی و رانندگی؛
 ۱۱. اهتمام جدی نسبت به امنیت و سلامت سرنشینان خودرو؛
 ۱۲. تجربه‌ی بالا و تسلط بر مهارت‌های رانندگی؛
 ۱۳. آشنایی با امور فنی وسیله‌ی نقلیه، تعمیر و نگه‌داری آن.
۷. ظرفیت‌های بخش‌ها و واحدهای فرهنگی و تربیتی در مدرسه
- در بسیاری از مدارس علمیه، بسیج طلاب، هیئت، دارالقرآن و سایر واحدها و تشکل‌های خودجوش طلبگی وجود دارند که مدیر و معاون تهذیب مدرسه با اشراف بر فعالیت‌های آن‌ها و تدبیر مناسب، می‌توانند از این ظرفیت‌ها بهترین و بیشترین بهره‌برداری را بکنند و با اشراف برنامه‌های اخلاقی و تربیتی در فعالیت‌های متنوع آن‌ها به صورت غیرمستقیم ولی اثرگذار، اهداف تهذیبی و تربیتی مدرسه را پیش ببرند. البته باید بسیار مراقب بود که فعالیت‌های این گروه‌ها، موجب چند دستگی و اختلاف میان طلاب نشود. برای مثال، با استفاده از ظرفیت بسیج، می‌توان

صفاتی مثل ولایت‌مداری، انقلابی‌گری، ایثار و فداکاری، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، مسئولیت‌پذیری، شجاعت و... را در طلاب ایجاد و تقویت کرد. برگزاری برنامه‌ی شبی با شهدا، تبیین سیره‌ی عملی شهدا و ترویج فرهنگ و شهادت در میان طلاب از دیگر اموری است که بسیج می‌تواند در این زمینه به خوبی نقش‌آفرینی کند.

هم‌چنین می‌توان سخنرانی‌های اخلاقی و حتی درس اخلاق را در برنامه‌های هیئت مدرسه گنجانند و با استفاده از ظرفیت خوب هیئت، عشق و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام را در دل طلاب شعله‌ور نمود و از این طریق، بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را به آن‌ها انتقال داد و چون خود طلاب، اداره‌ی هیئت را بر عهده دارند، در این تعامل بسیاری از صفات اخلاق اجتماعی، مثل روحیه‌ی جمعی و کار گروهی، روحیه‌ی خدمت‌گزاری، حسن خلق، حسن ظن، ایثار، تواضع، حلم و بردباری و... می‌تواند به خوبی شکل گرفته و ارتقا یابد.

برنامه‌ریزی برای انس بیشتر طلاب با قرآن، تدبر در آیات الهی و حفظ موضوعی یا تربیتی قرآن و... را نیز می‌توان از دارالقرآن مدرسه انتظار داشت و به همین ترتیب می‌توان از ظرفیت سایر تشکل‌های خودجوش طلاب مدرسه برای اهداف تهذیبی کمک گرفت.

از سوی دیگر با این تعامل سازنده، هم می‌توان بر کم و کیف برنامه‌ها و رفتارهای آن‌ها نظارت و اشراف هوش‌مندانه داشت و هم اعتماد به نفس و شوق و انگیزه‌ی فعالیت‌های فرهنگی تربیتی را در طلاب تقویت نمود و

برنامه‌های آن‌ها را رونق بخشید. در واقع ما در این تعامل‌ها در پی استفاده از روش‌های تربیتی غیرمستقیم و در عین حال اثرگذار در مدرسه هستیم.

۸. ظرفیت خانوادگی طلاب

خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا، روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد و به عنوان مؤثرترین عامل تربیت معرفی شده است. باورهای دینی و تقیدهای مذهبی والدین، سلامت اخلاقی و تربیتی خانواده، سطح آگاهی والدین، ارتباط عاطفی مثبت درون خانوادگی، سبک فرزندپروری مسئولانه و مقتدرانه، ثبات و آرامش خانواده، فقدان خشونت و پرخاشگری در خانواده، عدالت‌ورزی، مهرورزی، حق‌سالاری، تفاهم والدین و... از جمله عواملی هستند که در تربیت فرزندان مؤثرند. بنابراین، بر مدیر مدرسه و متولیان امر لازم است هنگام پذیرش و گزینش ورودی‌های جدید حوزه، نسبت به بررسی وضعیت خانوادگی فرد اهتمام جدی داشته باشند و با انجام تحقیقات محلی و مصاحبه با والدین و...، بکوشند افرادی را انتخاب کنند که در خانواده‌ی متعادل، سالم و مذهبی رشد کرده‌اند. این امر سبب می‌شود فرد با آرامش روحی و روانی بهتری به تحصیل در حوزه بپردازد و در مسیر رشد و تعالی اخلاقی و معنوی موفق‌تر باشد و از سوی دیگر، هزینه‌های مادی و معنوی کمتری بر حوزه تحمیل گردد.

ارتباط مستمر مدرسه با خانواده

برخی از والدین گمان می‌کنند که با ورود فرزندشان به حوزه‌ی علمیه، مسؤولیت تربیتی آن‌ها پایان یافته است و بنابراین فرزند طلبه‌شان را به امان خدا و به امید مدیر و اساتید مدرسه رها می‌کنند! حال آن‌که هر کس وظیفه‌ی خود را باید ادا کند و حتی در شرایط کنونی، مسؤولیت آن‌ها دو چندان شده و بیش از گذشته باید نگران رشد علمی و اخلاقی فرزندشان باشند.

از سوی دیگر، بعضی از مدیران مدارس علمیه هم تصور می‌کنند که با ورود نوجوان و جوان به مدرسه، مسؤولیت کامل تربیت او به عهده‌ی مدرسه است و نقش خانواده را در این امر نادیده می‌گیرند و گاه ممکن است نگران مداخله‌های تربیتی والدین نیز باشند؛ اما باید دانست ارتباط با خانواده‌ی طلاب و درگیر کردن آن‌ها با مسائل آموزشی و تربیتی فرزندانشان، نقش بسیار سازنده‌ای در پیشرفت تحصیلی و اخلاقی آن‌ها دارد و به یقین، مدرسه بدون همراهی و همکاری خانواده، به‌ویژه در امور اخلاقی و تربیتی طلاب، راه به جایی نخواهد برد؛ از این رو، تعدادی از مدارس علمیه جلسه‌ها و نشست‌هایی را با والدین طلاب (به‌ویژه طلاب پایه‌های پایین‌تر) ترتیب می‌دهند و آنان را نسبت به مسائل طلبگی و وظایفی که در برابر فرزند طلبه‌شان دارند، توجیه می‌کنند؛ در مورد بایدها و نبایدهای زمان حضور فرزندشان در منزل و مراقبت‌های مورد نیاز در ایام تعطیلی حوزه و...، نکته‌های لازم را متذکر می‌شوند. گاه نیز به صورت خصوصی با برخی از والدین در مورد مسائل و مشکلات فرزندشان صحبت می‌کنند و آن‌ها را در جریان روند تحصیلی و تربیتی فرزندشان قرار می‌دهند. خانواده‌ها هم اگر

نکته‌ای داشته باشند، بیان و پاسخ‌های لازم را دریافت می‌کنند. برای استمرار و تحکیم این تعامل سازنده، پیشنهاد می‌شود مدیر مدرسه به تنهایی یا با همراهی برخی دیگر از اساتید و طلاب مدرسه و به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف (مثل عیادت، هنگام بازگشت والدین از سفرهای زیارتی، موقع تلبس طلبه و...)، گاهی به منزل طلاب سر بزنند و از احوال خانواده‌ها جويا شوند. این امر سبب تسهیل فرایند تعلیم و تربیت طلاب می‌شود و مدیر مجبور نیست بار سنگین تربیت آن‌ها را به تنهایی به دوش بکشد.

تشکیل انجمن اولیای مدرسه نیز می‌تواند یکی از راه‌های برقراری ارتباط مستمر خانواده با مدرسه باشد که البته در برخی از مدارس علمیه این برنامه اجرا می‌شود و آثار و برکات خوبی هم داشته است.

چالش‌های خانوادگی طلاب

مسائل و مشکلات خانوادگی طلاب به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف. مسائل مربوط به خانواده‌ی طلبه مجرد؛

ب. مسائل مربوط به طلبه‌ی متأهل با همسر، فرزندان و بستگان.

در بخش نخست باید گفت مشاجره‌های طولانی، اعتیاد، طلاق، محرومیت از پدر، مادر یا هر دو، مشکلات معیشتی خانواده، تک‌سالاری در خانه (مادرسالاری، پدرسالاری، فرزندسالاری)، سبک فرزندپروری غافلانه، سهل‌گیرانه یا مستبدانه، اشتغال مادر، عدم آشنایی والدین با مهارت‌های زندگی، ضعف معنویت در خانه، داشتن تفریحات ناسالم، عدم هماهنگی والدین در تدابیر تربیتی و... هر یک می‌تواند اثر نامطلوب بر روند رشد

علمی و معنوی طلاب مجرد داشته باشد.^۱

هم‌چنین، فقدان ارتباط و تعامل سازنده میان والدین طلبه با مدرسه و بی‌خبری و غفلت آن‌ها از وضعیت آموزشی و تربیتی فرزندشان، به‌ویژه در سال‌های اول طلبگی و نیز ضعف آگاهی مدیر و بی‌توجهی وی نسبت به مشکلات احتمالی درون خانوادگی طلبه‌ی خویش، هر دو می‌تواند زمینه‌ساز بروز برخی سوء برداشت‌ها و مشکلات گشته و مسیر رشد و تعالی اخلاقی و تحصیلی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

در بخش دوم نیز مشکلات زیادی به چشم می‌خورد؛ برخی از این مشکلات عبارت است از:

۱. ازدواج‌های زودهنگام؛
۲. همسرگزینی نامناسب (عدم رعایت تناسب‌ها، اختلاف‌های فرهنگی و...)
۳. ناتوانی بسیاری از طلاب و روحانیان در ایجاد تعادل میان وظایف طلبگی و تکالیف خانوادگی؛
۴. وجود ضعف‌های اساسی در مهارت‌های همسرداری و فرزندپروری طلاب و روحانیان؛
۵. ضعف و ناتوانی در برقراری ارتباط درست با خانواده؛
۶. ضعف در نگرش‌ها و رفتارهای دینی همسر و فرزندان؛
۷. تعارض و اختلاف زوجین با خانواده یک‌دیگر؛

۱. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، مسؤولان‌گزینش ورودی‌های جدید، باید نسبت به این امور حساس باشند و بکوشند تا حد امکان از ورود افرادی که مشکلات حاد خانوادگی دارند، به حوزه ممانعت کنند؛ چرا که حوزه و مدرسه‌ی علمیه بهیستی نیست و قرار نیست در حوزه، وقت و انرژی و امکانات اندک خود را صرف بازپروری و روان‌درمانی افراد یا رفع مسائل و مشکلات خانوادگی آنان کنیم.

۸. دخالت‌های اطرافیان؛
 ۹. فقر و مشکلات معیشتی خانواده؛
 ۱۰. بی‌اعتمادی همسر (به سبب متعه یا ازدواج دوم و...).
- این امور و مواردی از این دست، همگی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تنش و سلب آرامش روحی و روانی در طلبه گشته و او را از رشد معنوی و علمی بازدارد.
- زمینه‌سازی برای ارائه‌ی آموزش‌های خانوادگی مورد نیاز، برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی، معرفی سبک زندگی اسلامی و فراهم نمودن بسترهای مناسب برای مشاوره‌های فردی و خانوادگی، تهیه و توزیع محصولات و منشورات فرهنگی و تربیتی مناسب و... از جمله راهکارهایی است که مدیران مدارس و متولیان امر می‌توانند در جهت پیش‌گیری و رفع این مسائل و مشکلات پیگیری نمایند.



فصل دوم:
ظرفیت‌های محیطی مدرسه علمیه



گرچه ظرفیت‌های انسانی مدرسه، چنان‌چه گذشت، از اهمیت بالایی در تعلیم و تربیت طلبه برخوردار است و بدون وجود کادر اجرایی-مدیریتی و کارگزاران مهذب، با انگیزه، مسؤلیت‌پذیر و... توفیق چندانی در تربیت نفوس پاک و عالمان ربانی و تأثیرگذار نخواهیم داشت؛ ولی در این میان از اهمیت ظرفیت‌های محیطی مدرسه نیز نباید غافل ماند و آن را نادیده گرفت. از این رو، در فصل دوم به اهمیت فضاها و فیزیکی مدرسه و نقش قابل توجه آن در پیشرفت تحصیلی و تربیتی طلاب و رونق علمی و تهذیبی مدرسه خواهیم پرداخت.

۱. ترسیم فضای فیزیکی مدرسه‌ی علمیه‌ی مطلوب

در یک مدرسه‌ی علمیه‌ی مطلوب، تمام برنامه‌ها، فعالیت‌ها و امکانات و وسایل مدرسه در کنار هم بایستی فضاها را رشد همه‌جانبه‌ی علمی و معنوی طلاب علوم دینی را فراهم نماید که بعد از مدتی زندگی در آن، آثار رشد و بالندگی در وجود آن‌ها نمایان شود. در این میان، هیچ عنصری (چه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری) در مدرسه، بی‌تأثیر در حیات علمی و معنوی فرد نیست و توجه کافی در تدارک و چینش مناسب این عناصر، ضامن

دوام ماهیت رشد دهندگی آن و تأمین کننده‌ی فرصت‌ها و زمینه‌های تربیت یافتگی طلاب می‌باشد.

محل احداث مدرسه

محل احداث مدرسه باید در فاصله و موقعیت مناسبی نسبت به مراکز جمعیتی و نواحی مسکونی بوده و امکان دسترسی به تأسیسات، مانند آب، برق، تلفن و گاز داشته باشد. ضروری است پیش از هر اقدامی، مطالعات اقلیمی درباره‌ی منطقه‌ی احداث مدرسه صورت گیرد؛ از جمله باید به جهت وزش باد توجه داشت تا مدرسه در مسیر عوامل آلودگی‌زا مانند کارخانجات صنعتی و شیمیایی، محل دفن زباله‌های شهری، فاضلاب شهری، دام‌داری، مرغ‌داری، دباغ‌خانه‌ها، کشتارگاه‌ها، کوره‌های آجرپزی، محل‌های انباشت کود حیوانی و سایر مراکزی که به نحوی ممکن است ایجاد دود، بو و گرد و غبار نمایند، واقع نشود. هم‌چنین در جوار بیمارستان، تیمارستان، گورستان، زندان، خطوط راه آهن، بزرگ‌راه‌ها نباشد و از حریم کابل‌های فشار قوی برق (هوایی یا زمینی)، خطوط اصلی و فرعی گازسانی، پست‌های زمینی فشار قوی برق، پمپ بنزین، محل عرضه و فروش کپسول‌های گاز، انبارهای مواد محترقه و منفجره، ترکیبات شیمیایی و انبارهای قابل اشتعال، مانند کاغذ، پارچه، لاستیک، چوب، الیاف و غیره خارج بوده و در مسیر حوزه‌های آبریز فرعی و اصلی رودخانه قرار نداشته باشد. در صورتی که احداث مدرسه در نزدیک محیط‌های ذکر شده اجتناب‌ناپذیر باشد، باید حداقل ۵۰۰ متر با مراکز

فوق فاصله داشته باشد.^۱

برخی از عوامل ساختمانی و محیطی مؤثر تربیتی در مدرسه عبارت‌اند از:

۱. اقتباس از ماده‌ی یک «آیین‌نامه بهداشت محیط مدارس» وزارت آموزش و پرورش. متأسفانه تعداد قابل توجهی از مدارس علمیه در قم و به ویژه در شهرستان‌ها از لحاظ محیطی یا ساختمانی استانداردهای لازم و کافی برای سکونت طلبه را ندارند؛ برای مثال، گاه منزل مسکونی یا مدرسه‌ی متعلق به آموزش و پرورش را به مدرسه علمیه تبدیل کرده‌اند یا مدرسه در وسط بازاری پرتردد یا خیابان‌های اصلی و شلوغ شهر قرار گرفته و طلاب و اساتید هنگام رفت‌وآمد به مدرسه، مجبورند تنه به تنه زنان و دختران بد پوشش حرکت کنند و خواه و ناخواه چشمشان به منظره‌های ناخوشایند و ناپهناجاری بیفتد و... در چنین شرایطی، امر تربیت و تهذیب طلاب و به ویژه طلاب مبتدی با مشکلات فراوانی همراه خواهد بود و انرژی زیادی را از متولیان امر تهذیب و تربیت مدرسه خواهد گرفت. از این رو، شاخص‌های لازم برای یک مدرسه مطلوب از لحاظ امکانات محیطی و ساختمانی بررسی و در اعطای مجوز از سوی شورای گسترش حوزه باید مدنظر قرار بگیرد.

هم چنین، نامناسب بودن فضای مدارس علمیه در موارد ذیل نیز می‌تواند در امر تهذیب و تربیت طلاب مانعی جدی به شمار آید:

۱. استقرار مدرسه در محل تردد دختران و زنان بد پوشش (مثل هم‌جواری یا نزدیکی مدرسه به دبیرستان‌ها و باشگاه‌های دخترانه، سالن‌های آرایش زنانه، دانشگاه‌ها به ویژه آزاد یا غیرانتفاعی و...):

۲. اشراف کلاس‌ها و حجره‌های مدرسه بر منازل اطراف مدرسه؛

۳. تعداد بالای جمعیت طلاب در برخی از مدارس نیز شرایط را برای آموزش، تربیت و نظارت مستمر دشوار و نامساعد می‌کند؛

۴. توسعه بی‌رویه‌ی مدارس علمیه: در سال‌های اخیر توسعه و ساخت‌وساز مدارس علمیه در شهرستان‌ها و حتی شهرهای کوچک، رشد قابل توجهی داشته و این امر گاهی موجب بروز مشکلاتی برای حوزه و طلاب گذشته است. گویا در سال‌های گذشته یک فضای رقابتی ایجاد شده بود که برخی از ائمه جمعه و علمای بلاد با اندک بضاعت مادی و معنوی، در خود صلاحیت تربیت طلبه را دیده و با فراهم نمودن امکانات اولیه و چانه‌زنی و فشار، موفق به کسب مجوز تأسیس مدرسه از شورای گسترش حوزه می‌شوند، بدون آن‌که به زیرساخت‌های لازم به ویژه در زمینه‌ی تربیت و تهذیب طلاب توجه شده باشد. عدم استقبال جوانان از این مدارس و تعداد کم طلاب آن‌ها و در نتیجه فقدان نیروی اجرایی مورد نیاز، مثل معاون تهذیب، امر تعلیم و تربیت را در این مدارس بسیار دشوار کرده است. به هر حال، بر این نکته تأکید می‌شود که بدون برخورداری از امکانات و شرایط لازم و کافی، نباید به کسی اجازه‌ی تأسیس مدرسه داده شود. موارد یاد شده به شکل مستقیم یا غیرمستقیم پیامدهای منفی بر برنامه‌ها و فعالیت‌های تهذیبی مدرسه دارد؛ برای مثال، عوامل آلودگی‌زا با تأثیر منفی بر سلامت جسمانی طلاب و به ویژه تضعیف سیستم عصبی و روانی آنان، منجر به بروز مشکلات اخلاقی و تربیتی نیز می‌شود.

۱. نمای ظاهری و صحن مدرسه؛
۲. حجره و خوابگاه؛
۳. کتابخانه و سالن مطالعه؛
۴. مسجد و نمازخانه؛
۵. کلاس‌های درس؛
۶. آشپزخانه و سالن غذاخوری؛
۷. تغذیه؛
۸. حمام و سرویس‌های بهداشتی؛
۹. بوفه و فروشگاه؛
۱۰. تجهیزات گرمایشی و سرمایشی؛
۱۱. سالن ورزش و امکانات ورزشی و تفریحی؛
۱۲. وسایل نقلیه.

در ادامه توضیح مختصری در رابطه با برخی از این عوامل ارائه می‌شود:

۱-۱. نمای ظاهری و صحن مدرسه

توجه به شاخص‌های زیر در ایجاد روحیه‌ی نشاط و شادابی و هویت‌پذیری دینی و فرهنگی طلاب مؤثر است:

۱. امکان اشراف کامل مدیر بر فضای عمومی مدرسه؛^۱
۲. استفاده از طرح‌ها، نقش‌ها و نمادهای معماری سنتی ایرانی-اسلامی در نمای درونی و بیرونی ساختمان مدرسه؛
۳. استفاده از آیات و روایات اخلاقی و تربیتی مربوط به ارزش علم‌آموزی و جایگاه اهل علم در نمای داخلی و بیرونی مدرسه؛
۴. ایجاد فضایی با طراوت و شاداب با بهره‌گیری از فضای سبز مناسب و کاشت درخت و گل و گیاه در صحن و حیاط مدرسه؛
۵. تعبیه یک حوض بزرگ و تمیز در وسط صحن مدرسه و استفاده از آب افشان برای ایجاد نشاط و شادابی؛
۶. نظم، نظافت و زیبایی ظاهری مدرسه؛
۷. نورپردازی مناسب و معنوی مدرسه در شب‌ها؛
۸. جهت‌گیری مناسب نسبت به قبله (زاویه نداشتن جهت قبله نسبت به دیوارهای اصلی مدرسه)؛
۹. نصب ساعت بزرگ در محوطه عمومی مدرسه؛
۱۰. نصب سکوها یا نیمکت‌های رنگی و زیبا برای نشستن، استراحت و مباحثه‌ی طلاب در حیاط مدرسه؛
۱۱. نصب تابلوهای اطلاع‌رسانی تهنیتی و آموزشی در فضاهای عمومی مدرسه و انتقال آموزه‌های علمی و اخلاقی از این طریق به طلاب.

۱. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تربیتی مدرسه‌ی علمیه‌ی مطلوب، امکان اشراف مدیر نسبت به کل فضای مدرسه است. بسیاری از مدارس علمیه قدیمی، مثل مدرسه مبارکه فیضیه قم از چنین ویژگی برخوردار بودند و مدیر هنگام ورود به مدرسه و با یک نگاه کلی می‌توانست اجمالاً در جریان امور جاری مدرسه قرار بگیرد و با صرف زمان کمتر به اطلاعات بیشتری در مورد مدرسه و طلاب دست‌رسی داشته باشد؛ ولی با کمال تأسف، هم‌اکنون در برخی از شهرستان‌ها و حتی استان قم، شاهد وجود مدارس علمیه‌ای هستیم که ساختمان مدرسه بیشتر شبیه مدارس آموزش و پرورش و آپارتمان‌های شهری است و امکان اشراف مدیر را نسبت به امور مدرسه به شدت محدود می‌کند. علاوه بر این که آن روحانیت و معنویت حاکم بر مدارس سنتی را ندارد.

۱-۲. حجره

از گذشته‌های بسیار دور و همراه با تأسیس مدارس علمیه، حجره‌هایی برای سکونت و زندگی طلاب در نظر گرفته می‌شد و این رویه هم‌چنان در ساختمان مدارس علمیه‌ی تازه تأسیس ادامه دارد. گرچه در سال‌های اخیر، برخی از مدارس اقدام به برچیدن حجره‌ها و ایجاد خوابگاه‌های عمومی کرده‌اند. به هر حال، حجره و حجره‌نشینی هم‌چنان در بسیاری از مدارس علمیه پابرجاست و با کارکردهای مختلفی که دارد، آثار تربیتی مختلفی نیز بر آن مترتب است.

حجره‌نشینی در اول طلبگی رخ می‌دهد و طلبه تا حدی از زندگی خانوادگی خود فاصله گرفته و فضای جدید و متفاوتی را تجربه می‌کند. بعضی از آثار و برکات تربیتی که می‌توان بر این سبک زندگی برشمرد، عبارت است از:

۱. طلاب در حجره‌ها با افراد مختلفی و با خلق و خواها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت آشنا شده و با گذشت زمان، سطح مهارت‌های ارتباطی و میان‌فردی‌شان ارتقا می‌یابد؛

۲. در این میان، انتخاب هم‌حجره‌ای از حساسیت و اهمیت زیادی برخوردار است؛ چه بسا افرادی که با هم‌حجره‌ای شدن با طلاب فاضل به درجه‌های عالی علمی و اخلاقی دست یافتند؛

۳. در حجره، طلبه با نظم و انضباط، نظافت و پاکیزگی و مسئولیت‌پذیری آشنا می‌شود؛

۴. در فضای آرام و امن حجره، طلاب به درس و بحث و مطالعه می‌پردازند و علاوه بر متون آموزشی مرسوم، فرصتی برای مطالعه سایر کتب و مطالب علمی می‌یابند؛

۵. گاهی مدیر، اساتید و مسؤولان مدرسه به حجره طلاب سرزده، جوپای حالشان می‌شوند، با مشکلات آنان آشنا شده و آن‌ها را راهنمایی می‌کنند؛
۶. حجره تنها مکانی برای خواب و استراحت نیست، بلکه جایی برای راز و نیاز با خدا، تهجد و عبادت و خلوت‌های شبانه و توسل و انس با اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام است؛
۷. دوران حجره‌نشینی با الزام‌ها و قواعدی که دارد، می‌تواند بر زندگی عبادی، اخلاقی، معنوی و علمی طلاب، تأثیرهای ماندگاری داشته باشد. آغاز رشد بسیاری از بزرگان حوزه از دوران آغاز طلبگی و حجره‌نشینی بوده است و از کمالات و فضایل بزرگان در آن دوران، خاطره‌ها بسیاری نقل شده است؛
۸. سنت حجره‌نشینی هم مثل سنت مباحثه، باعث شکل‌گیری دوستی‌های دیرپای طلاب می‌شود و این امر می‌تواند نقش مهمی در زندگی آینده آن‌ها ایفا کند؛
۹. گعده‌گیری طلاب در اوقات فراغت و در حجره، بهترین فرصت برای تجدید انرژی و ایجاد آمادگی برای تهذیب و تحصیل را فراهم می‌سازد. چنان‌که پیش‌تر نیز بیان شد، در یک مدرسه‌ی علمیه‌ی مطلوب، چیدمان فیزیکی حجره‌ها باید به گونه‌ای باشد که مدیر به محض ورود به مدرسه بتواند نسبت به آن‌ها اشراف داشته و اجمالا از جنب و جوش، رفت و آمد و فعالیت‌های عمومی طلاب آگاه گردد.

شاخص‌های حجره‌ی مطلوب

شاخص‌های زیر را می‌توان برای یک حجره‌ی مطلوب در نظر گرفت:

۱. نصب منشور اخلاقی و تربیتی طلبه در حجره؛
۲. در نظر گرفتن فضا و مساحت کافی برای زندگی سه یا چهار نفری؛
۳. وجود نور کافی و آفتاب‌گیر بودن حجره؛
۴. تعبیه وسایل گرمایشی و سرمایشی مناسب؛
۵. استفاده از گل و گیاه طبیعی یا مصنوعی؛
۶. استفاده از رنگ‌های نشاط آفرین در پرده‌ها و رنگ‌آمیزی دیوارها و درب و پنجره‌ی حجره؛
۷. نصب ساعت؛
۸. فضاسازی معنوی داخل حجره با تصاویر علما، شهدا و آیات و روایات مناسب (البته باید مراقب بود که حجره تبدیل به نمایشگاه عکس نشود)؛
۹. وجود تخت خواب‌های دو طبقه (برای این‌که فضای کمتری اشغال شود و از برخی آسیب‌ها پیش‌گیری گردد)؛
۱۰. پستوداشتن حجره و... .
۱۱. رعایت این نکات در طراحی، ساخت و بهره‌برداری از حجره، از عوامل مؤثر بر آرامش روحی و جسمی و در نتیجه موفقیت علمی و معنوی طلبه خواهد بود.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: مهدی محمدی صیفار، فرهنگ حجره‌نشین، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه، ۱۳۹۶.

حجره یا خوابگاه؟

گرچه ادامه وجود حجره‌ها در حوزه‌های علمیه طی قرن‌ها، نشان از کارکردهای تربیتی و آموزشی آن دارد که بسیار قابل اعتنا بوده و شاید جایگزینی برای آن نتوان یافت. لکن حجره‌نشینی نیز ممکن است مانعی بر سر راه پیشرفت اخلاقی طلاب باشد و حتی در صورت نبود تدابیر لازم، عامل سقوط و انحطاط اخلاقی گردد.

برخی از آسیب‌های محتمل در این زمینه عبارتند از:

۱. ضعف اشراف مدیر بر طلاب مستقر در حجره‌ها؛
۲. احتمال مصاحبت با افراد ناصالح، بی‌انگیزه یا دارای انگیزه‌های نادرست؛
۳. آسیب‌های ناشی از تنها ماندن فرد در حجره؛
۴. بی‌نظمی، پرخوابی و کسالت، افسردگی، مشکلات و وسواس‌های فکری، ناهنجاری‌های جنسی و... .
۵. آسیب‌های ناشی از حجره‌های دو نفری؛
۶. آسیب‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌ها؛
۷. نداشتن برنامه‌ی منظم روزانه و عدم تقسیم کار در حجره؛
۸. عدم توجه به سلايق و حساسیت‌های شخصی هم‌دیگر؛
۹. افرادی که در یک حجره زندگی می‌کنند، در بسیاری از موارد از وسایل و لوازم شخصی یک‌دیگر استفاده می‌کنند. برای مثال، ظروف، کتاب‌ها، دمپایی‌ها و حتی برخی اوقات لباس‌ها به طور اشتراکی

۱. آیت الله بنابی از مدیران موفق حوزه می‌گوید: من به طلاب اجازه نمی‌دهم حجره دو نفره داشته باشند، مگر آن که یقین داشته باشم که هر دو هم چون فرشته‌اند.

مورد استفاده قرار می‌گیرند. به این موارد باید تخت خواب، کمد و پتورا نیز اضافه کرد. هم‌چنین، به علت شکل‌گیری هویت جدیدی به عنوان هم‌حجره‌ای و به علت وجود تعارف در میان افراد، بسیاری از این امور مورد پذیرش اجباری قرار می‌گیرد؛

۱۰. پوشش نامناسب افراد در حجره و مشکلات تربیتی و اخلاقی ناشی از آن و...

در چند سال اخیر، برخی از مدیران مدارس برای پیش‌گیری از بروز برخی از این آسیب‌ها، ترجیح می‌دهند به جای حجره، طلاب را در خوابگاه‌های گروهی اسکان دهند. این مدارس اغلب فاقد حجره بوده و یک یا چند سالن بزرگ دارند که طلاب در این سالن‌ها جای داده شده‌اند. این روش با وجود این‌که موجب اجتماعی شدن سریع‌تر افراد می‌شود و مزایای دیگری که دارد، خالی از ایراد نیست و مشکلات خاص خود را دارد.

آسیب‌ها و چالش‌های زندگی خوابگاهی

۱. طلبه در خوابگاه از فضای اختصاصی و حریم خصوصی برخوردار نیست. اگر کسی حوصله نداشته و بخواهد تنها باشد، این امکان وجود ندارد. اگر نیاز داشت وسط روز استراحتی کند یا چیزی بخورد، به راحتی نمی‌تواند این کار را انجام دهد.
۲. تفاوت‌های فردی و اختلاف فرهنگ‌ها و سلیقه‌ها (در کمیت و کیفیت خواب، تغذیه، استراحت و...) در این روش نادیده گرفته می‌شود؛
۳. زندگی گروهی مهارت‌هایی را می‌طلبد که فقدان آن به‌ویژه در میان طلاب پایه اول و دوم بیشتر احساس می‌شود. دانش‌آموز دیروز به

یک باره وارد محیطی شده است که هیچ تجربه‌ی پیشین از آن ندارد و اغلب از چگونگی تعامل با دیگران ناآگاه است. حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌تواند بدون دانش و مهارت لازم، با انواع فرهنگ‌ها و برخوردها در خوابگاه کنار بیاید؛ در حالی که هیچ آموزشی در این زمینه ندیده است. با توجه به این‌که آماده کردن آن‌ها برای زندگی گروهی و آموزش مهارت‌های مورد نیاز، باید به تدریج و در گذر زمان اتفاق بیفتد، به نظر می‌رسد در حجره، با نفرات کمتر و زیر نظر مسؤول حجره، این یادگیری به مراتب آسان‌تر، سریع‌تر و بهتر از خوابگاه محقق می‌شود؛^۱

۴. بیشتر افراد ساکن در خوابگاه، تحت تأثیر اقتضاهای اجبارهای محیطی حاکم بر آن‌ها، از فردیت خود به نفع گروه چشم‌پوشی می‌کنند یا کمبودها را به عنوان اقتضای زندگی خوابگاهی می‌پذیرند؛
۵. گاهی درس خواندن و تمرکز برای مطالعه، به‌ویژه در ایام امتحانات در این محیط سخت‌تر می‌شود؛
۶. زندگی با گروه و با جمعیت گسترده‌تر برای افراد خجالتی و کم‌رو و با روحیه‌ی درون‌گرا مشکل‌تر است؛
۷. برای ورود میهمان به خوابگاه هم، مشکلات خاصی وجود دارد و امکان

۱. متأسفانه در سال‌های اخیر در مدارس علمیه برخی از شهرستان‌ها شاهد هستیم که طلاب بومی، که گاه اکثریت جمعیت مدرسه را تشکیل می‌دهند، فقط به اندازه‌ی شرکت در کلاس‌ها و احیاناً مباحثه در مدرسه حاضر می‌شوند و بلافاصله پس از اتمام درس و بحث از مدرسه خارج می‌شوند. گویا این مدارس با دبیرستان چندان تفاوتی ندارند! این طلاب که حضور دائمی در مدرسه ندارند، مدیر و معاون تہذیب مدرسه معمولاً فرصت پیدا نمی‌کنند، نسبت به آن‌ها شناخت درستی به دست آورند و غالباً موفق نمی‌شوند منویات و برنامه‌های تربیتی خود را در موردشان اجرا کنند. در نتیجه این گروه از طلاب، آداب و مهارت‌های زندگی طلبگی را به درستی یاد نمی‌گیرند.

حضور و سکونت در شب برای وی بیشتر اوقات وجود ندارد. علاوه بر این که گاهی حضور و بیتوته یک یا چند روزه میهمان و مشاهده برخی از رفتارها و شوخی‌های طلاب، ممکن است موجب بروز شبیهه، سؤال و حتی نگرانی شود.

راهکارهای پیشنهادی

۱. از جمله راهکارها، تدبیری است که در بعضی از مدارس اندیشیده‌اند. در این مدارس، طلاب روزها را در حجره‌های خود مشغول درس و بحث هستند؛ ولی جهت استراحت شبانگاهی به خوابگاه مدرسه منتقل می‌شوند و گویا بدین ترتیب، بین مزایای حجره و خوابگاه جمع کرده‌اند؛
۲. اسکان طلاب در خوابگاه‌های جداگانه و به تفکیک پایه‌ها و نیز با فرهنگ‌های نزدیک به هم (از لحاظ زبان، محیط جغرافیایی، طبقه‌ی اجتماعی و...)
۳. استفاده از خوابگاه‌های کوچک‌تر یا به عبارت دیگر، حجره‌های بزرگ‌تر هشت تا ده نفری؛
۴. آموزش مهارت‌های زندگی جمعی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مورد نیاز با بهره‌گیری از مشاوران باتجربه در آغاز سال تحصیلی برای طلاب جدید الورد؛
۵. برای سهولت نظارت و رسیدگی به مشکلات روزمره‌ی طلاب در خوابگاه، مسؤول حجره از طلاب متخلق، مهذب، درس‌خوان، مسؤولیت‌پذیر و

۱. البته این راه حل ممکن است برای مدرسه بار مالی زیادی داشته باشد و برای بسیاری از مدیران مدارس امکان اجرا نداشته باشد.

- برخوردار از روابط میان فردی مؤثر از پایه‌های بالاتر انتخاب شود؛
۶. حضور متناوب و کوتاه مدت مدیر و اساتید مهذب مدرسه در اوقات استراحت (به‌ویژه اوایل شب) در خوابگاه در پیش‌گیری از بسیاری از آسیب‌ها مؤثر خواهد بود؛
۷. وجود میهمان‌سرا در مدرسه یا در نظر گرفتن اتاق‌های ویژه میهمان و اجازه دادن به طلبه برای حضور در کنار میهمان خود برای ساعاتی از شبانه‌روز؛
۸. فضاسازی معنوی محیط خوابگاه، نصب تابلوهای زیبا از طبیعت، قرار دادن گلدان‌های طبیعی و مصنوعی و ...

۱-۳. کتابخانه و سالن مطالعه

مطالعه و پژوهش، مهم‌ترین کار طلبه در سال‌های اولیه‌ی طلبگی است و کتاب و کتابخانه نیز بهترین وسیله و مکان برای این منظور است. به فرموده‌ی امیر مؤمنان علی علیه السلام: «الکتاب بساتین العلماء»^۱ و اهل علم از مطالعه کتاب، چنان مبتهج و مسرور گردند که دیگران از سیر در باغ‌ها و بوستان‌ها. بنابراین وجود یک کتابخانه خوب و مجهز در مدرسه، می‌تواند فضای مناسبی برای رشد آگاهی و پیشرفت علمی طلاب فراهم سازد.

لازم است کتابخانه در بهترین جای مدرسه واقع شود که کم‌ترین تردد و سروصدا را داشته و از امکانات کافی و استاندارد، نور و دمای مناسب برخوردار باشد. از اول صبح تا آخر شب باز بوده، در اختیار طلاب قرار بگیرد. با قرار دادن گلدان‌های طبیعی متعدد در جاهای مختلف کتابخانه، معطر

۱. «کتاب‌ها بوستان‌های علما هستند». (تمیمی‌آمدی، غررالحکم، ص ۵۵، ح ۱۰۳۴)

ساختن فضا با بوی خوش و نصب ساعت، تابلوهای نقاشی و تصاویر زیبا از مناظر طبیعی و نیز سیمای نورانی بزرگان حوزه، رعایت سکوت و آرامش و... می‌توان جذابیت و رونق کتابخانه و کتاب‌خوانی را برای طلاب دو چندان کرد.

از این فضای دل‌انگیز و با نشاط، می‌توان برای اهداف تہذیبی نیز کمک گرفت و بدین منظور، رعایت نکته‌های زیر توصیه می‌شود:

۱. نصب چند حدیث مرتبط با علم‌آموزی و نکته‌های آموزنده از زندگی علمی و سیرهی مطالعاتی بزرگان حوزه بر دیوارها و قفسه‌های کتابخانه؛
۲. تهیه و تجهیز کتابخانه به کتاب‌های متنوع اخلاقی و تربیتی، زندگی‌نامه و شرح حال بزرگان، علما و قله‌های تہذیب؛
۳. عضویت مدرسه در تعدادی از نشریات اخلاقی و تربیتی حوزوی و غیرحوزوی و تهیه‌ی منظم و مستمر آن‌ها برای کتابخانه؛
۴. تهیه‌ی فهرست کتاب‌های اخلاقی و تربیتی موجود در کتابخانه و اطلاع‌رسانی آن به طلاب؛
۵. قرار دادن قفسه‌ی ویژه‌ی این کتاب‌ها و نشریات در منظر و دست‌رس طلاب و ترغیب و تشویق به مطالعه‌ی آن‌ها؛
۶. تلخیص و گزارش نویسی از کتاب‌های اخلاقی مطالعه شده، از سوی طلاب و اهدای جایزه به بهترین تلخیص‌ها و گزارش‌ها و نیز تکثیر و توزیع آن‌ها میان طلاب؛
۷. معرفی اجمالی برخی از این کتاب‌های مفید، بین نمازهای جماعت یا در کلاس‌های درس توسط اساتید یا خود طلاب و بیان نکته‌های کوتاه، جذاب و آموزنده از آن‌ها برای ترغیب بیشتر افراد به مطالعه‌ی این کتاب‌ها؛

۸. برگزاری مسابقه‌های مستمر کتاب‌خوانی از کتاب‌های اخلاقی با همکاری معاونت پژوهش و تہذیب مدرسه؛
۹. ایجاد فضای بانشاط برای مطالعه با تهیه قفسه و میز و صندلی‌های یک‌رنگ و زیبا.

پیشنهاد می‌شود مدیریت کتابخانه با خود طلاب مدرسه باشد- همان‌گونه که در بیشتر مدارس چنین است- و چند نفر از آن‌ها مسؤولیت این کار را بر عهده بگیرند و به صورت هماهنگ، منظم و با شوق و علاقه به این کار همت گمارند. معاون پژوهش مدرسه می‌تواند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تخصصی در زمینه‌ی کتاب‌داری و مدیریت کتابخانه برای این طلاب، توان علمی، مهارت‌های عملی و انگیزه‌ی آنان را تقویت کند.

۱-۴. مَدْرَس (کلاس درس)

مدرس مکانی هست که در طول شبانه‌روز، چندین ساعت از عمر طلاب در آن جا سپری می‌شود. بنابراین با فضا‌سازی معنوی آن می‌توان به صورت غیرمستقیم در پیشرفت تہذیبی طلاب اثر گذاشت. در این رابطه نکته‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. استفاده از رنگ‌های مناسب در داخل مدرس‌ها با هدف ایجاد نشاط و شادابی و دل‌نشینی فضا؛
۲. نصب آیات و روایات مرتبط با ارزش علم و تحصیل و شرایط اخلاقی عالمان در محیط مدرس؛
۳. نام‌گذاری مدرس‌ها به نام بزرگان اخلاقی حوزه، شهدای روحانیت و سرداران رشید اسلام و انقلاب؛

۴. نصب تصاویری از بزرگان حوزه به همراه پند و نکته‌های آموزنده از ایشان در محیط مدرس.

هم‌چنین، با تجهیز مدرس‌ها به دستگاه پخش تصویری، نصب ساعت، نور کافی و مناسب، تهویه و دمای مناسب، قراردادن گلدان طبیعی، فرش‌ها یا نیمکت‌های تمیز و مناسب، استفاده از درب و پنجره‌های دوجداره (که عایق صوتی و حرارتی هستند) و... می‌توان به آرامش ذهنی و روانی طلاب و در نتیجه رشد علمی و معنوی آن‌ها کمک کرد.

۱-۵. مسجد و نمازخانه

هر مدرسه‌ی علمیه‌ای، به یک سالن اجتماعات و نمازخانه مناسب و در صورت امکان به یک مسجد خوب نیاز دارد و بدون وجود چنین فضایی، بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌های تهذیبی و فرهنگی مدرسه قابل اجرا نیست. نمازخانه و مسجد، هم محل عبادت روزانه و راز و نیاز شبانه، هم جای مناسب برای مباحثه‌ی طلاب و نیز برگزاری درس اخلاق و کلاس درس است. بنابراین، چنین مکانی باید از ویژگی‌های مطلوبی برخوردار باشد تا طلاب برای حضور در آن و شرکت در نمازهای جماعت و سایر برنامه‌های تهذیبی ترغیب شوند. از جمله‌ی این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱. نمای ظاهری مناسب و وسعت کافی برای حضور راحت همه‌ی طلاب؛

۲. فضاسازی معنوی با استفاده از آیات و روایات اخلاقی و نکته‌هایی از زندگی عبادی و معنوی بزرگان حوزه؛

۳. استفاده از مهرهای تمیز و ترجیحاً تربت کربلا، قرار دادن قرآن (با ترجمه

- مُتقن)، مفاتیح، رساله‌ی عملیه مراجع عظام تقلید (نسخه دو جلدی ۱۴ مرجع پیشنهاد می‌شود)، صحیفه سجاده‌یه و سایر کتاب‌های دعا به تعداد کافی و در قفسه‌های مناسب و در دست رس؛
۴. بهره‌گیری از امام جماعت موجه، مهذب، شاداب، با قرائت صحیح و صدای دلنشین؛
۵. مؤذن، قاری و مداح خوش صدا و خادم خوب و خوش اخلاق؛
۶. استفاده از فرش‌های زیبا و هماهنگ با پرده‌ها؛
۷. نظافت و پاکیزگی (معطر نمودن فضا، نظافت منظم و مستمر روزانه و هفتگی، شستن به موقع فرش‌ها، گذاشتن گلدان‌های طبیعی در ورودی نمازخانه یا مسجد، جاکفشی مناسب و تمیز، کیسه‌ی کفش و...)
۸. وسایل گرمایشی و سرمایشی و نورپردازی مناسب؛
۹. سیستم صوتی مناسب، نصب ساعت و دستگاه ویدئو پروژکتور و پرده‌ی ثابت آن برای اجرای برنامه‌های تربیتی و فرهنگی؛
۱۰. آبدارخانه‌ی مستقل با امکانات مناسب برای پذیرایی در مجالس و مناسبت‌ها.

۶-۱ آشپزخانه و سالن غذاخوری

با توجه به اهمیت تغذیه در سلامت جسمانی و روحانی انسان، تجهیز مدارس شبانه‌روزی به یک آشپزخانه مناسب و استاندارد از ضرورت‌های یک مدرسه مطلوب می‌باشد. عمل به توصیه‌های شرعی و رعایت نکات بهداشتی^۱ در رابطه با مکان آشپزی، چگونگی تهیه و نگهداری مواد خوراکی،

۱. استانداردها و شرایط فیزیکی و بهداشتی یک آشپزخانه خوب در آیین‌نامه‌های بهداشت محیط وزارت بهداشت مشخص و ابلاغ شده است.

استفاده از لوازم پخت و پز سالم و استاندارد و... از امور لازمی است که باید مورد توجه مسئولان امر قرار بگیرد.

هم چنین، فضا سازی معنوی آشپزخانه و سالن غذاخوری مدرسه با آیات و روایات مناسب، دعاها، ذکرها و آداب غذا خوردن و... می‌تواند نگاه توحیدی و تهذیبی را در کارکنان آشپزخانه و طلاب تقویت کند. گاهی کمک گرفتن از خود طلاب (مثلا در روزهای خاص) برای تهیه مقدمات غذا، مثل پوست کندن سیب زمینی، پاک کردن سبزی، برنج و حبوبات، نظافت سالن غذاخوری و شست و شوی ظرف‌ها و... می‌تواند در روحیه‌ی ایثارگری، کارگروهی، خدمت‌گزاری و مسئولیت‌پذیری آن‌ها و به وجود آمدن فضای معنوی مؤثر باشد.

تغذیه

گرچه بحث تغذیه طلاب، خارج از بحث ظرفیت‌های محیطی مدرسه است، لکن به تناسب بحث از آشپزخانه و نیز اهمیتی خاصی که در توفیق عبادی و معنوی فرد دارد، نکاتی در این زمینه بیان می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا!

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.

بعضی از مفسران معتقدند ذکر این دو (خوردن غذاهای پاک و انجام عمل صالح) پشت سر یکدیگر، دلیل بر وجود یک نوع ارتباطی بین این دو است و اشاره به این دارد که غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد.

غذای حلال و پاک، روح را پاک می‌کند و سرچشمه‌ی عمل صالح می‌شود و غذاهای حرام و ناپاک، روح و جان را تیره و سبب اعمال ناصالح می‌گردد.^۱ در مجموعه‌ای از روایات، به رابطه‌ی تغذیه با سوء اخلاق اشاره شده است. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود تا اهمیت این بحث در مدارس علمیه بیشتر روشن شود.

قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي. فَقَالَ: طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَلَا تَدْخُلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ؛^۲

شخصی به پیامبر ﷺ عرض کرد: دوست دارم دعایم مستجاب شود. حضرت فرمود: غذای خود را پاک کن و غذای حرام وارد شکمت نکن.

نیز فرمود:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطِيبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ؛^۳

کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود، طعام و کسب خود را از حرام پاک کند.

یا در نهی از پرخوری و آثار زیان بخش آن می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَ فُضُولَ الْمَطْعَمِ فَإِنَّهُ يَسُمُّ الْقَلْبَ بِالْقَسْوَةِ وَ يُبْطِئُ بِالْجَوَارِحِ لِلطَّاعَةِ وَ يُصِمُّ الْهَمَمَ عَنْ سَمَاعِ الْمُوعِظَةِ؛^۴

از غذای اضافی پرهیزید که قلب را با قساوت مسموم و جوارح انسان را نسبت به بندگی خدا تنبل می‌کند و گوش را از شنیدن موعظه کرمی نماید.

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ذیل آیه ۵۱ مؤمنون.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۵.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۲.

۴. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۷.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ أَكَلَ الطَّعَامَ عَلَى التَّقَاءِ وَأَجَادَ الطَّعَامَ تَمَضُّغاً وَتَرَكَ الطَّعَامَ وَهُوَ
يَشْتَهِيهِ وَلَمْ يَحْبِسِ الْغَائِظَ إِذَا آتَاهُ، لَمْ يَمْرُضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ؛
کسی که غذای پاکیزه بخورد و غذا را خوب بجود و تا اشتها دارد، دست از غذا
بکشد و جلوی تخلیه روده را نگیرد، به مرضی جز مرگ دچار نشود.

از امام کاظم علیه السلام نیز نقل شده که حضرت فرمودند:

لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعْمِ لَاعْتَدَلَتْ أَبْدَانُهُمْ؛^۲

اگر مردم در غذا خوردن میانه روی می کردند، بدن هایشان متعادل بود.

از این روایات و روایات فراوان مشابه آن به روشنی استفاده می شود که نوع
غذا و کیفیت و کمیت آن و نیز آداب غذا خوردن مورد توجه و اهتمام اولیای
دین علیهم السلام بوده است.^۳

بنابراین در بحث تغذیه‌ی طلاب، دو نکته‌ی اساسی باید مورد توجه و
اهتمام مدیران مدارس و مسؤولان امر قرار گیرد. یکی بحث روزی حلال
و طیب؛ یعنی این که باید بسیار مراقب باشند که نان حرام و غذای
شبهه ناک بر سر سفره‌ی طلاب گذاشته نشود. گاهی بعضی از اشخاص
حقیقی یا حقوقی با نیت های آلوده و فریب کارانه، قصد کمک به مدرسه
را دارند. برای مثال انتظار دارند در ایام انتخابات، طلاب مدرسه از نامزد
خاصی حمایت کنند و... در این گونه موارد، هوشیاری مسؤول امور مالی
حوزه و مدیر مدرسه نسبت به اغراض پشت پرده این هدایا و نذرهای می تواند

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۴۲۲، ح ۳۷.

۲. حرعاملی، همان، ج ۲۴، ص ۲۴۱.

۳. برای آگاهی بیشتر، رک: حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴ و ۲۵ (کتاب الاطعمه والاشربة).

مانع از آن باشد که پول شبهه‌ناک و حرام وارد مدرسه شود. در ادامه، چند حکایت از هوشیاری و اهتمام علما و بزرگان حوزه بر حفظ شأن و عزت نفس حوزه و روحانیت، اجتناب از مصرف اموال شبهه‌ناک برای طلاب و خنثی نمودن توطئه دشمنان اسلام نقل می‌کنیم تا مدیران محترم مدارس علمیه و نیز سایر مسئولان حوزه، بیش از پیش بر اهمیت مسأله آگاه شوند. پس از پایان جنگ دوّم جهانی، یکی از عناصر معتمد به نام حاج مهدی بهبهانی، از سوی دولت وقت عراق و نخست وزیر (نوری سعید) به محضر مرجع بزرگ شیعیان، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رسید و ضمن صحبت گفت: سفیر کبیر انگلیس، قصد شرفیابی و تقدیم پیام دولت متبوع خویش را به حضرت عالی دارد! آیت‌الله اصفهانی حاضر به این دیدار نشدند؛ اما با اصرار فراوان اطرافیان فرمودند: به یک شرط او را می‌پذیریم و آن این که دیدار و گفت‌وگو، علنی و در حضور عموم باشد! ... پس از چندی، روز ملاقات فرا رسید و سفیر انگلیس، با نخست وزیر عراق و گروهی از وزرا با اسکورت و تشریفات بسیار به بیت آیت‌الله العظمی اصفهانی وارد شدند و از سوی دیگر هم انبوهی از شخصیت‌های مختلف که از سوی آن مرجع بزرگ، دعوت شده بودند، گرد آمدند! پس از جلوس حضرت آیت‌الله اصفهانی، سفیر بریتانیا که در کنار ایشان نشسته بود، بعد از عرض سلام و اظهار ارادت و تقدیم پیام دولت متبوع خویش، گفت: عالی جناب! دولت انگلستان نذر کرده بود که اگر بر آلمان نازی پیروز گردد، صد هزار دینار! خدمت شما - به عنوان پیشوای جهان تشیع - تقدیم دارد تا در هر موردی که خود شایسته می‌دانید، هزینه کنید! آیت‌الله اصفهانی فرمود: مانعی ندارد! سفیر، بی‌درنگ کیف خود را گشود و یک قطعه چک صد هزار دیناری تقدیم نمود و مرجع بزرگ شیعیان هم آن را دریافت کرد و زیر تشک خود نهاد! این پذیرش چک، به وسیله‌ی آن مرجع شیعه، برخی از علما، تجار و شخصیت‌های حاضر در جلسه را نگران و رنجیده

ساخت؛ اما طولی نکشید که دیدند حضرت آیت‌الله به سفیر انگلیس و همراهان فرمودند: ما می‌دانیم که در این جنگ، بسیاری از مردم اروپا، آواره و از هستی ساقط شدند. از طرف ما به دولت متبوع خود بگوئید: سید ابوالحسن، به نمایندگی از مسلمانان، وجه ناقابلی به منظور کمک به آسیب دیدگان جنگ تقدیم می‌دارد و از کمی وجه معذرت می‌خواهد! چرا که خود می‌دانید ما نیز در شرایط مشابهی هستیم. آن‌گاه، چک سفیر بریتانیا را از زیر تشک درآورد و یک قطعه چک صد هزار دیناری نیز از خود، روی آن گذاشته و به سفیر بریتانیا داد! با این تدبیر دقیق و عزت نفس آیت‌الله اصفهانی، سفیر انگلیس، شرمند و زنگ چهره‌اش تغییر کرد و بلافاصله اجازه‌ی مرخصی خواسته و با بوسیدن دست آن مرجع بزرگ، از بیت ایشان خارج شدند! پس از لحظاتی، نوری سعید (نخست وزیر عراق) به خدمت آیت‌الله اصفهانی برگشت و خود را بر قدم‌های ایشان انداخت و گفت: ای پیشوای عظیم القدر! قربانت گردم! نماینده‌ی انگلیس بعد از ترک محضر جناب عالی، از هوشیاری و درایت شما شوکه شده و گفت: ما می‌خواستیم شیعیان را استعمار کنیم و آنان را بخریم؛ اما پیشوای شما، ما را خرید و پرچم اسلام را در بریتانیا بر زمین کوبید!

آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته‌الله نقل می‌کنند:

روزی یکی از بازرگانان، مبلغ زیادی که ظاهراً سی هزار تومان بود (به اندازه‌ی شهریه‌ی سه ماه طلاب حوزه)، به محضر آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری آورد. روزی بود که حوزه نیاز شدیدی به چنین پولی داشت؛ ولی مرحوم حاج شیخ، پس از بررسی و آگاهی از منشأ کسب آن، که چندان صحیح و شرعی نبود، آن را که می‌توانست چند ماه فکرایشان را از مخارج حوزه راحت سازد، برگرداند.^۲

علامه جعفری رحمته‌الله در خاطرات خود می‌فرماید:

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه سیره علما، شناسه مطلب: ۲۲۹۲، تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶.

۲. مصاحبه با آیت‌الله عبدالحمین غروی، مجله حوزه، ش ۶۲.

روزی شاه، برای مرحوم آقا میرزا فتاح شهیدی^۱ سی هزار تومان (به عنوان هدیه) می‌فرستد. مرحوم شهیدی قبول نمی‌کند! افراد دربار می‌گویند: این پولی که ما آوردیم، می‌دانیم که مورد نیاز شما نیست، آن را بگیرد و به طلبه‌ها بدهید. میرزا گفته بود: اگر طلبه‌ها از این پول‌ها مصرف کنند، دیگر طلبه نمی‌شوند.^۲

آیت‌الله بنایی یک وقت در جمعی که نویسنده هم حضور داشت، می‌فرمود: اگر احساس کنم مرجع تقلیدی از نظام اسلامی و رهبری معظم انقلاب اندکی فاصله گرفته، به خودم اجازه نمی‌دهم از شهریه‌ی او برای طلاب و مدرسه هزینه کنم و پول ارسالی را عودت می‌دهم (نقل به مضمون).

هم چنین توجه دادن طلاب مدرسه به این مطلب که اگر طلبه‌ای شهریه بگیرد، ولی درس نخواند و در کلاس شرکت نکند، استفاده از آن پول حرام خواهد بود^۳ و اثر وضعی خود را از نظر علمی و معنوی بروی خواهد گذاشت! نکته‌ی دیگری که مدیر مدرسه و سایر متولیان امر تهذیب و تربیت باید نسبت به آن اهتمام داشته باشند، آگاهی‌بخشی به طلاب نسبت به «آداب

۱. میرزا فتاح شهیدی تبریزی (۱۳۷۲.۱۳۰۲ هـ.ق) از فقیهان و مجتهدان قرن چهاردهم و از روحانیون مبارز علیه حکومت پهلوی در تبریز بودند. (به نقل از: یکی اهل البیت علیهم‌السلام، ذیل عنوان: میرزا فتاح شهیدی تبریزی) فیضی تبریزی، جاودان اندیشه، ص ۱۰۶.

۳. روزی آیت‌الله بروجردی درباره‌ی گرفتن شهریه فرمود: «آقایان طلاب! این پولی که به دست من می‌رسد، مربوط به سهم امام است. من به کسانی که مقسم من هستند، دستور داده‌ام که این پول بی‌جا مصرف نشود؛ یعنی به افرادی که استحقاق ندارند، ندهند. امکان دارد این‌ها به این مسائل رسیدگی نکنند، لذا من به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی به شما بگویم این شهریه به دو شرط برای شما مباح است: اول این که محصل باشید؛ یعنی وقت شما صرف کار دیگری نشود. دوم آن که استحقاق مادی داشته باشید. در غیر این صورت، گرفتن شهریه جائز نیست.» به همین دلیل، از آن پس عده‌ای از متدینین حوزه، دیگر از ایشان شهریه نگرفتند؛ چون عقیده داشتند که مباح نیست. (پایگاه اطلاع‌رسانی سیره‌ی علما، شناسه مطلب: ۶۸۵۵، تاریخ

و مستحبات» اکل و شرب و ترویج این امور در مدرسه است. همان‌طور که در برخی از روایات بالا نیز بدان اشاره شد، رعایت این آداب و سنن می‌تواند در اعتدال مزاج، سلامت جسمانی، دوری از بیماری‌ها و آمادگی جوارح و جوانح انسان برای اطاعت و بندگی خدا و اجتناب از گناهان بسیار مؤثر باشد.

کیفیت بخشی به تغذیه‌ی طلاب نیز نکته‌ی دیگری است که باید مورد توجه مسؤولان حوزه و مدیر مدرسه قرار بگیرد. از آن‌جا که بسیاری از طلاب مدارس علمیه در سنین نوجوانی و جوانی و مرحله‌ی رشد جسمانی قرار دارند، توجه و اهتمام به تغذیه‌ی درست و مناسب آن‌ها، موجب سلامت و نشاط جسمی و روحی آنان شده و راه تهذیب و تحصیل را بر آنان هموارتر می‌سازد. هم‌چنین، اصلاح عادت‌های غذایی در این دوره‌ی سنی، می‌تواند از بروز بیماری‌های مختلف در بزرگ‌سالی آنان پیش‌گیری کند.

گاه افراط و تفریط طلاب در تغذیه، زمینه‌ساز برخی مشکلات برای آنان می‌گردد. مثلاً ممکن است طلبه با تحمیل ریاضت‌های نادرست و دوری از غذاهای مفید و مقوی، خود را در معرض ابتلا به بیماری‌های جسمی و حتی روحی قرار دهد. سوء تغذیه و ریاضت‌های خوراکی برخی از بزرگان در گذشته و بیماری‌های طولانی‌مدت آنان یا عمر کوتاه برخی دیگر از این بزرگواران، اهمیت این بحث را در مدارس علمیه دوچندان می‌کند.

از سوی دیگر، زیاده‌روی در مصرف غذا یا استفاده از غذاهای چرب و مضر نیز ممکن است به ایجاد عادت‌ها و صفت‌های نامطلوب منجر شده و ادامه‌ی مسیر طلبگی را با کسالت و دشواری مواجه کند.

راهکارها و پیشنهادها

- در رابطه با مسائل و دغدغه‌هایی که در بحث تغذیه بیان شد، توجه به موارد زیر از سوی مسئولان امر در معاونت امور طلاب و مدیر مدرسه توصیه می‌شود:
۱. آشناسازی طلاب با اصول و آداب تغذیه در اسلام (از طریق تهیه کتاب، جزوه، بروشور و ارائه‌ی آن‌ها به طلاب و نیز دعوت از کارشناسان مربوط و برگزاری کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌های مورد نیاز)؛
 ۲. آشناسازی طلاب با تأثیر تغذیه در سلامت جسمی و نشاط روحی و معنوی؛
 ۳. آگاهی‌بخشی به طلاب درباره‌ی تأثیر لقمه‌ی حرام و شبهه‌ناک بر زندگی علمی و معنوی انسان؛
 ۴. مشورت با متخصصان تغذیه و کارشناسان طب اسلامی و سنتی در تهیه‌ی برنامه‌ی غذایی سالم، مطمئن و مناسب برای طلاب مدرسه؛
 ۵. توجه به فرهنگ بومی و محلی در استفاده از خوراکی‌ها؛
 ۶. اهتمام جدی به صبحانه‌ی طلاب (که بیش از دیگر وعده‌های غذایی مهم است)؛
 ۷. توجه ویژه به تغذیه‌ی طلاب مدرسه در ایام امتحانات؛
 ۸. پرهیز دادن طلاب از خوردن غذاهای آماده (ساندویچ، پیتزا و...).

۸-۱ حمام و سرویس‌های بهداشتی

برخی از نکته‌های تربیتی که در رابطه با حمام و سرویس بهداشتی مدرسه باید توجه کرد، عبارتند از:

۱. در نظر گرفتن حمام و سرویس بهداشتی استاندارد به تعداد کافی و سهولت دسترسی به آن‌ها (تا طلاب به موقع به انجام مستحبات و فرایض دینی خود برسند)؛

۲. آماده و گرم بودن دائمی آب حمام‌ها برای استفاده‌ی شبانه‌روزی طلاب؛

۳. ایجاد امکانات بهداشتی؛ نظیر صابون، آب گرم در زمستان‌ها، شست‌وشوی مرتب و منظم و استفاده از خوش‌بوکننده‌های مناسب در سرویس‌ها؛

۴. نصب دعاها و ذکرهای مخصوص قضای حاجت و استحمام و غسل در حمام‌ها و سرویس‌ها و آداب و مستحبات آن دو در جایی مناسب در فضای بیرونی.

۹-۱ سالن ورزش و امکانات ورزشی و تفریحی

الف. اهمیت ورزش و فعالیت بدنی برای طلاب

در آموزه‌های اسلامی بر تقویت قوای جسمانی تأکید و مؤمن نیرومند ستایش شده است^۱ و امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در دعای کمیل از خداوند متعال می‌خواهد تا جسمی نیرومند برای خدمت به دینش به او عنایت بفرماید.^۲

۱. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الْقَوِيٍّ مَثَلُ النَّخْلَةِ وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ كَخَامَةِ الزَّرْعِ؛ حکایت مؤمن نیرومند، چون نخل است و حکایت مؤمن ناتوان، چون ساقه‌ی گیخت. (پابنده، نهج‌الفصاحه، ص ۷۱۵، ش ۲۷۱۶)

۲. يَا رَبِّ قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي؛ پروردگارا! اعضا و جوارح مرا در راه خدمت به خودت نیرومند گردان. (محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، بخشی از دعای کمیل)

بنابراین، اهمیت و ضرورت ورزش و فعالیت بدنی برکسی پوشیده نیست و امروزه یکی از نیازهای اصلی و ضروری انسان معاصربه شمار می‌آید و متولیان امر و کارشناسان تربیتی، همگی براین امر اذعان و تأکید دارند.

امام خمینی قدس سره در کلام زیبایی در اهمیت ورزش چنین می‌فرماید:
عقل سالم، در بدن سالم است. ورزش همان‌طور که بدن را تربیت می‌کند و سالم می‌کند، عقل را هم سالم می‌کند و اگر عقل سالم باشد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد.^۱

با توجه به نوع فعالیت روزانه‌ی طلاب و روحانیان که بیشتر به کار ذهنی و علمی مشغول و اغلب از تحرک و فعالیت بدنی کمی برخوردار هستند، اهمیت ورزش و تفریح به مراتب بیشتر می‌شود. به‌ویژه در مورد طلاب مدارس علمیه که همه نوجوان و جوان و در سنین رشد و هیجان هستند، ورزش یکی از روش‌های سالم و مؤثر تخلیه‌ی هیجانی، تفریح و رفع کسالت و خستگی روحی و روانی و پیش‌گیری از بیماری‌ها و مشکلات جسمی به شمار می‌رود.

سلامت و نشاط جسمی که در اثر ورزش پدید می‌آید، زمینه‌ساز سلامت و نشاط روحی و روانی و شکوفایی فضایل انسانی و اخلاقی است؛ چرا که در فرهنگ اسلامی ما، بسیاری از توان‌مندی‌های جسمانی در کنار آراستگی به فضایل انسانی و اخلاقی است که ارزش پیدا می‌کند. برای مثال، نیرومندی و جوان‌مردی، همواره دوشادوش هم بوده‌اند. هم‌چنین به سبب فعالیت‌های ورزشی، انرژی اضافی فرد تخلیه و هیجان‌ها و غرایز جوانی

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۴۶.

فروکش می‌کند و ذهن انسان از امیال درونی به سوی واقعیت‌های بیرونی منصرف می‌شود.

متأسفانه در مدارسی که به این ضرورت توجه جدی نمی‌شود و طلاب تحرک کافی ندارند، شاهد بروز برخی از مشکلات جسمی و ناهنجاری‌های روحی و روانی و اخلاقی هستیم. ضعف‌های جسمانی، سردردهای عصبی، اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب، آسیب‌های جنسی و... از این قبیل هستند. پژوهش‌های متعدد علمی نشان می‌دهد که از میان عوامل مختلف، مثل چاقی، سیگار و...، کم‌تحرکی یکی از موارد مهم و در برخی از پژوهش‌ها، اولین عامل بیماری و مرگ و میر در جهان به شمار می‌آید.^۱

تحصیل، تهذیب و ورزش همواره توصیه‌ی مقام معظم رهبری دامت‌برکاته به جوانان است و در فرمایشی در اهمیت این ورزش می‌فرمایند:
یکی از نیازهای اساسی کشور، فراگیر شدن ورزش همگانی میان مردم است...
یکی از نتایج فراگیر شدن ورزش همگانی در میان مردم، حل بسیاری از مشکلات

۱. گسترش فناوری و ماشینی شدن زندگی، کم شدن تحرک جسمانی را برای انسان‌ها به ارمان آورده و این در حالی است که ۷۰ درصد از بیماری‌ها در اثر بی‌تحرکی به وجود می‌آید... کارشناسان معتقدند فعالیت بدنی روی سایر راهکارهای مقابله با بیماری‌های مزمن، به ویژه برنامه‌ی غذایی، کاهش مصرف دخانیات، الکل و مواد مخدر اثر مثبت دارد، به کاهش خشونت کمک می‌کند، توانایی انجام کار را افزایش می‌دهد و موجب بهبود روابط اجتماعی افراد جامعه می‌شود. براساس تحقیقات، سن ابتلا به دردهای مفصلی در بیشتر کشورهای جهان، ۲۵ سال کاهش یافته است و دلایل آن، شیوه‌ی زندگی نامناسب، بی‌تحرکی در محیط‌های اداری و نداشتن فعالیت فیزیکی است... براساس برآورد سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۲، بی‌تحرکی سبب مرگ ۱/۹ میلیون نفر در جهان شده است... در حال حاضر تخمین زده می‌شود که ۶۰ درصد از جمعیت جهان به اندازه کافی، حتی به میزان نسبتاً کم توصیه شده، فعالیت جسمانی ندارند. بررسی‌های انجام شده در کشور هم نشان می‌دهد که ۴۵ درصد ایرانیان دچار فقر حرکتی هستند. (پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه پزشکی ایران، شناسه خبر: ۳۴۸۸۳، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۴).

اخلاقی جامعه، هم چون اعتیاد است.^۱

طلبه باید روحیه‌ی جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان، ولی روحیتاً پیرو بی‌نشاط و بی‌حوصله و بی‌ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرك باشد.^۲

آیت‌الله مقتدایی از اساتید سطوح عالی حوزه نیز درباره‌ی اهمیت ورزش طلاب در بازدید از مجموعه‌ی فرهنگی - ورزشی تیپ مستقل رزمی تبلیغی ۸۳ امام جعفر صادق علیه السلام قم چنین ابراز داشتند:

ورزش باید با زندگی طلاب عجین شده باشد؛ به طوری که روزانه وقتی را به این امر اختصاص دهند... ورزش شادابی و نشاطی در انسان ایجاد می‌کند که انسان کارهای روزمره، عبادت و تحصیل خود را با شادابی انجام دهد. انسان وقتی حالت تحرکی در درون خود ایجاد کند و بدن را برای قوت و قدرت آماده نماید، می‌تواند غم‌ها و غصه‌ها و کسالت‌های جسمی را از خود دور کند و هم چنین در تحصیل و کارهای روزمره با نشاط بیشتری وارد شود و اکثر بزرگان ما همواره در این مسیر قدم برمی‌داشتند. بنابراین، طلاب برای تحصیل و تهذیب، نیاز به نشاط و طراوات روح دارند که می‌توانند از طریق ورزش به آن دست پیدا کنند... بنده خودم از جوانی ورزش می‌کردم و در سفری به مشهد مقدس، یک ماه مبارک رمضان در حجره‌ی مقام معظم رهبری در مدرسه نواب با هم بودیم که یکی از برنامه‌های ایشان، ورزش باستانی بود و به طلاب نیز توصیه می‌کردند که در طول روز، وقتی را برای ورزش اختصاص دهند.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴.

۳. «اخبار حوزه»، نشریه افق حوزه، شماره ۲۰۷، ۱۳۸۷/۸/۲۲.

راهکارها و پیشنهادهای

برای فرهنگ‌سازی ورزش و ارتقای آمادگی جسمانی طلاب، توجه به نکته‌ها و راهکارهای ارائه شده در زیر ضروری می‌باشد:

۱. تهیه‌ی فضا، امکانات و لوازم ورزشی مورد نیاز برای مدرسه؛ مثل میز پینگ پونگ، زمین والیبال، بسکتبال، وسایل عمومی بدن‌سازی و... با توجه به جمعیت طلاب و فضای موجود؛
۲. تشویق طلاب به ورزش، به‌ویژه ورزش‌های گروهی؛
۳. تخصیص سرانه‌ی کافی ورزشی برای طلاب مدارس؛
۴. وارد کردن برنامه‌ی منظم تربیت بدنی در برنامه‌ی آموزشی و درسی (اختصاص زنگ ورزش یا ورزش صبح‌گاهی یا عصرگاهی در مدرسه)؛
۵. اطلاع‌رسانی به طلاب درباره‌ی آثار و برکات ورزش در تهذیب، سلامت جسمانی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی آنان (از طریق تهیه و توزیع جزوه، بروشور، کتاب، سی‌دی و پخش فیلم و کلیپ ورزشی میان طلاب)؛
۶. دعوت از کارشناسان تربیت بدنی، مربیان ورزشی و طلاب ورزشکار و موفق در عرصه‌ی تهذیب، تحصیل و تبلیغ برای حضور در مدرسه و سخنرانی برای طلاب؛
۷. آشناسازی طلاب و ترغیب آنان به یادگیری ورزش‌های اسلامی (سوارکاری، تیراندازی و شنا) و فراهم نمودن امکانات لازم در این زمینه و نهی آن‌ها از انجام ورزش‌های غیرشرعی یا متعارض با زیّ طلبگی و شؤونات روحانیت؛
۸. پی‌گیری برای جذب و تهیه‌ی امکانات ورزش همگانی که شهرداری‌ها در اماکن عمومی و پارک‌ها نصب می‌کند؛

۹. تهیه و خرید عمده‌ی کفش و لباس ورزشی متناسب با زیّ طلبگی و فروش اقساطی آن به طلاب مدرسه؛
۱۰. برنامه‌ریزی و تدارک امکانات لازم برای کوهنوردی^۱ هفتگی یا ماهانه‌ی طلاب (در مناطقی که دست‌رسی آسان به کوه ممکن است)؛
۱۱. برگزاری اردوهای تفریحی ورزشی در روزهای تعطیلی؛
۱۲. برگزاری کلاس‌های آموزشی رزمی و دفاع شخصی^۲، برای ایجاد انگیزه، نظم و تداوم ورزش طلاب و نیز بالا بردن روحیه و آمادگی جسمی آنان؛
۱۳. فراهم کردن امکان دست‌رسی طلاب به باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی بیرون از مدرسه (اگر در مدرسه، سالن ورزشی مطلوب وجود ندارد)، البته با اعمال نظارت‌های لازم و کافی؛
۱۴. پخش دعاها، ذکرها، مداحی‌ها و سرودهای انقلابی و حماسی مناسب با فضای ورزش برای ایجاد انگیزه‌ی معنوی و نشاط روحی بیشتر؛
۱۵. تشویق طلاب متخلق و ورزشکار و...

۱. مقام معظم رهبری علیه‌السلام: کوهنوردی یعنی عروج به قله‌هایی که در کشور ما به طور فراوان وجود دارد. کوهنوردی ورزشی است در اختیار همه؛ باید مردم بروند ورزش کنند؛ باید مردم به ... به ارتفاعات فراوانی که در اغلب نقاط کشور وجود دارد، بروند و از این هوای پاک، از این کوهستان خدا داده، استفاده کنند. ... بنده گاهی اوقات که ... چند قدمی از کوهستان‌های اطراف تهران می‌روم بالا و می‌بینم هیچ‌کس نیست! غصه می‌خورم. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فاتحان قله‌ی اورست، ۳۰/۰۸/۱۳۸۴)

۲. زیرنظر مربیان ماهر، باتجربه و متخلق به اخلاق اسلامی و دارای مدرک رسمی و معتبر مربی‌گری.

ب. اهمیت و ضرورت تفریح سالم و پاک برای طلاب

آیت‌الله مصباح یزدی در بحثی پیرامون شادی و اصالت آن چنین می‌فرماید: بدون شك اصل مسرور بودن و شاد بودن، يك مطلوب فطری است. از نعمت‌هایی که خدای متعال، وعده‌ی اعطای آن را به انسان در روز قیامت داده است، این است که مؤمن در بهشت غمگین نمی‌شود و شاد خواهد بود: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ؛ چهره‌های مؤمنان در بهشت بسیار شاداب و خرم است»، یا «يُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا؛ مؤمن پس از محاسبه، نزد اهل و عیالش، در حالی که بسیار شاد و خندان است، برمی‌گردد». بی‌شك انسان فطرتاً طالب خوشی، شادی و سرور است. مفاهیمی از قبیل خوشبختی، خوشوقتی، خوشحالی و... همگی از خوشی گرفته شده است؛ یعنی انسان، خود به خود، طالب خوشی است و این اشکالی ندارد. مؤمنان وقتی در روز قیامت وارد بهشت می‌شوند، می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحُزْنَ؛^۱ خدا را ستایش می‌کنند که حزن و اندوه را از آنان برداشت»؛ یعنی دوران حزن و غمی که در دنیا داشتند، سپری شد و زمانی که وارد بهشت می‌شوند، دیگر از حزن و اندوه خبری نیست. قرآن وقتی می‌خواهد از شهدا تعریف کند و غیر مستقیم دیگران را تشویق نماید که به خیل شهدا بپیوندند، می‌فرماید: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ؛^۲ آن‌ها به واسطه نعمت‌هایی که خداوند به آن‌ها داده است، در شادی و سرور هستند.» بنابراین، داشتن شادی و سرور، يك امر مطلوب فطری است که هم در آخرت و هم در برزخ، قطعاً جزو نعمت‌های بزرگ الهی می‌باشد.

۱. غاشبیه، آیه ۸.

۲. انشقاق، آیه ۹.

۳. فاطر، آیه ۳۴.

۴. آل عمران، آیه ۱۷.

وی در ادامه می‌گوید:

طبق نظام ارزشی اسلام، مطلوبیت واقعی هر چیزی زمانی است که در مسیر مطلوبیت نهایی و سعادت ابدی انسان باشد؛ یعنی اگر شادی‌های دنیایی انسان در راستای کمک به شادی آخرت او باشد، بسیار پسندیده و مطلوب است. آیا اساساً چنین شادی‌هایی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که بله وجود دارد. انسانی که افسردگی مطلق داشته باشد، به دنبال هیچ کاری نمی‌رود، عبادت هم نمی‌کند؛ نه کار دنیا را می‌تواند درست انجام دهد، نه کار آخرت را. کسی که نشاط ندارد، می‌خواهد یک گوشه بنشیند؛ نه حرفی بزند، نه حرفی بشنود و نه کاری انجام بدهد. چنین فردی نه به درد دنیا و آخرت خودش می‌خورد و نه دنیا و آخرت دیگران. حزن و اندوهی که انسان را از کار و زندگی باز دارد و باعث شود که فرد نه به کار دنیا برسد و نه به کار آخرت، در واقع یک نوع بیماری است و هیچ‌گونه مطلوبیتی ندارد. این کار حتی ممکن است به کفر نیز منتهی شود. گاهی هم موجب می‌شود کسانی که ایمان ندارند یا دارای ایمانی ضعیف هستند، دست به خودکشی بزنند. چنین حزن‌هایی هیچ وقت مطلوب نیست. برعکس، آن حالت نشاطی که انسان را وادار کند به این‌که هم کارهای دنیایی و هم کارهای آخرتی خود را درست انجام دهد؛ مثلاً موجب شود که درسش را بهتر بخواند و عبادتش را بهتر انجام دهد، امر مطلوبی است. از این روی، استفاده از وسیله‌ای که سعادت اخروی انسان را به دنبال داشته باشد، مطلوب خواهد بود.

استاد در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که:

هر نوع شادی که در جهت کمال معنوی باشد، مطلوب است.^۱

از این رو، امام رضا علیه السلام تفریح سالم و لذت حلال را مهم ترین عامل توفیق بر انجام وظایف دینی و اجتماعی دانسته، می فرماید:

اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِمُحَافَاةِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يُعَرِّفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُجَلِّصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِذَاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهِدِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثَةِ سَاعَاتٍ؛^۱

کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای عبادت و مناجات با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب هایتان آگاه سازند و در باطن به شما خلوص دارند و ساعتی را هم به تفریح ها و لذایذ اختصاص دهید و با این بخش از زندگی، قادر خواهید بود آن سه بخش دیگر را به خوبی انجام دهید.

حضرت در این روایت شریف تأکید می کنند که با برنامه ریزی و پرداختن به لذت های حلال و تفریح سالم است که انسان می تواند در سه بخش دیگر امور زندگی موفق باشد و آن ها را به خوبی انجام دهد.

چنان که امام کاظم علیه السلام می فرماید:

اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا يَعْظَاهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَ مَا لَا يَثْلِمُ الْمُرُوءَةَ وَ مَا لَا سَرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ رُؤْيُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ؛^۲

از لذایذ دنیوی، نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و خواهش های دل را از راه های مشروع برآورید. مراقبت کنید که در این کار به مردانگی و شرافت شما آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید. با کمک لذت های حلال دنیوی،

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۱.

۲. همان و ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۰.

بهبتر در امور دینی خویش موفق خواهید شد، که روایت شده است: از ما نیست کسی که دنیای خویش را به خاطر دینش یا دینش را به جهت دنیا ترک کند.

انجام هرکاری و از جمله عبادت‌ها، نیاز به نشاط و آرامش دارد. کسی که غمگین است، حوصله هیچ کاری را ندارد؛ ولی افراد با نشاط و شاداب از انجام کارهایشان از جمله عبادت‌ها لذت می‌برند و احساس خستگی نمی‌کنند؛ لذا امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَايْتَعُوا لَهَا ظُرَائِفَ الْحِكْمَةِ؛^۱

این دل‌ها همانند بدن خسته می‌شوند. برای نشاط آن به سخنان تازه‌ی حکیمانه روی بیاورند.

طبق این فرمایش حضرت، دل انسان گاهی خسته و ملول می‌شود و باید دنبال وسیله‌ای برای رفع این خستگی و کسالت باشد که حضرت طلب حکمت‌های تازه را یکی از این عوامل معرفی می‌کنند.

نیز حضرت می‌فرمایند:

السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ^۲ و «أَوْقَاتُ السُّرُورِ خُلْسَةٌ»^۳؛

«شادی نفس انسان را باز می‌کند و نشاط را برمی‌انگیزد» و «هنگامه‌های شادمانی فرصت مناسبی است».

در چند روایت زیر، برخی از مواردی که به عنوان اسباب نشاط و شادابی معرفی و بدان سفارش شده است، ذکر می‌گردد.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۹۷.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه رحمتی شهرضا، ص ۲۹۷، شماره ۴۱۴۹.

۳. همان، شماره ۴۱۴۸.

رسول اکرم ﷺ می فرمایند:

خَيْرُ هُوَ الْمُؤْمِنِ السَّبَّاحَةُ وَخَيْرُهَا الْمَرْأَةُ الْمَغْزَلُ؛^۱

بهترین سرگرمی مرد مؤمن، شنا و بهترین سرگرمی زن، دستگاہ نخ‌ریسی [بافندگی] است.

امام باقر علیه السلام از پدرشان و از جدشان علیهم السلام نقل می فرمایند:

التَّشْوُةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: فِي الْمَشْيِ وَالتَّرْكَوبِ وَالإِتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالتَّنْظُرِ إِلَى
الْحُضْرَةِ وَالأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالجَمَاعِ وَالسَّوَاكِ وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالحِطْمِيِّ وَالتَّنْظُرِ
إِلَى الْمَرْأَةِ الْحُسْنَاءِ وَمُحَادَثَةِ الرِّجَالِ؛^۲

نشاط و شادابی در ده چیز است: در پیاده‌روی، سوارکاری، در آب فرو رفتن (شنا)، نگاه کردن به سبزه، خوردن، آشامیدن، جماع، مسواک زدن، شستن سر با ختمی، نگاه به زن (همسر) زیباروی، صحبت با مردان (گفت‌وگوهای دوستانه).

با توجه به این روایات، نقش و اهمیت تربیتی تفریح سالم و حلال در زندگی انسان، به ویژه طلاب و روحانیان و خانواده‌های ایشان، با توجه به محدودیت‌هایی که نسبت به سایر اقشار مختلف مردم در زمینه‌ی امور تفریحی در جامعه دارند، روشن می‌شود. تلاش برای فراهم کردن و تسهیل این امور در مدارس علمیه، می‌تواند در نشاط روحی و روانی طلاب و در نتیجه رشد علمی و معنوی آنان بسیار مؤثر باشد و این مسأله، مسؤلیت متولیان امر را دو چندان می‌کند.

۱. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۲۳، شماره ۱۵۱۷.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۴۴.

راهکارها و پیشنهادهای

۱. برنامه‌ریزی منظم برای مسافرت‌های هفتگی، ماهانه، فصلی و سالیانه درون شهری و برون شهری؛
۲. برنامه‌ریزی برای حضور در طبیعت، جنگل، دریا، کویر، کوه و...؛
۳. برنامه‌ریزی برای حضور در اماکن زیارتی و سیاحتی؛
۴. فضاسازی نشاط‌انگیز محیط مدرسه؛
۵. برگزاری پُرشور، مفرّح و جذاب جشن‌های مذهبی و ملی در مدرسه؛
۶. برگزاری ورزش‌های مفرّح گروهی؛ مثل شنا، سوارکاری، تیراندازی، والیبال و... .

۲. ظرفیت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب

هر طلبه علاوه بر آموزش‌های رسمی که در حوزه می‌بیند، نیازهای دیگری دارد که باید با «برنامه» و «به تدریج»، برای خود فراهم کند و طبیعی است نمی‌توان از حوزه انتظار داشت برای همه‌ی آن نیازها تدارک دیده باشد. با توجه به انبوه مطالبه‌هایی که جامعه از حوزه و روحانیت، به‌ویژه در عرصه‌ی اخلاق و تربیت دارد، طلبه، مطالعات جنبی فراوان و مهارت‌های متنوعی نیاز دارد تا به آن آمادگی لازم برای حضور در جامعه و حتی عرصه‌های بین‌المللی برسد که اگر بخواهد در برنامه‌ی رسمی حوزه قرار بگیرد، سال‌های تحصیل حوزه، چندین برابر خواهد شد! طلبه در کنار تحصیل علم، به کسب مهارت‌هایی نیازمند است تا ابعاد اخلاقی و تربیتی خود را نیز رشد دهد؛ برخی از این مهارت‌ها عبارتند از:

مدیریت تحصیلی و برنامه‌ریزی، مهارت‌های غریز و عواطف، انتخاب همسر،

مدیریت خانواده، فرزندپروری و بسیاری از مهارت‌های دیگر. به هر حال، نمی‌توان از مدیریت حوزه توقع داشت همه‌ی این‌ها را برای او تأمین کند. به دست آوردن این مهارت‌ها برای طلبه، به منزله‌ی دست‌یابی به یک ابزار پیشرفته است که او را با صرف انرژی اندک، به نتایج بزرگ می‌رساند. ایام تعطیلی و به‌ویژه تابستان، بهترین فرصت برای مطالعه‌های متفرقه است. منظور، کسب دانش‌ها و مهارت‌هایی است که برای طلبه لازم است و امکان آن در ایام درسی وجود ندارد. مطالعه تفسیر قرآن، کتاب‌های حدیثی و اخلاقی، تاریخ اسلام و تشیع، آثار شهید مطهری و بسیاری دیگر از بزرگان و اندیشمندان حوزه، یا کسب مهارت‌های هنری، فرهنگی، نویسندگی، روضه‌خوانی و

تعطیلات حوزه فرصت بسیار مناسبی است تا طلاب در کنار استراحت و تجدید قوا، آموخته‌های خود را مرور کنند و با برنامه‌ریزی مناسب، دانش‌ها و مهارت‌های جدید مورد نیاز را کسب نمایند.

مسئولان حوزه و به‌ویژه معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه با همکاری مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب و اتخاذ تدابیر لازم، از فرصت تعطیلات در جهت پیش‌برد اهداف تربیتی و تهذیبی حوزه به شکل مطلوبی استفاده کنند.

فصل تابستان

گرچه بیشتر مدارس علمیه، برنامه‌ی کاری خود را در فصل تابستان تعطیل می‌کنند؛ ولی طلبگی طلبه، یعنی طالب علم و کمال بودن و مسیر رشد را پیمودن، توقف بردار نیست. فرصت سه ماهه‌ی تابستان، سرمایه‌ی زمانی ارزش مندی است که باید با هوش مندی و مراقبت از آن بهره‌گرفت و اندکی مسامحه و تقصیر در بهره‌برداری از آن بخشودنی نیست. تابستان زمانی معادل یک چهارم سال است که اگر به خوبی احیا نشود، خسارتی بزرگ و ندامتی بزرگ ترپدید می‌آورد. بنابراین، تابستان را نباید تعطیل پنداشت. آنچه در این زمان اتفاق می‌افتد، تغییر شکل برنامه‌ی تحصیلی است. تابستان دوره‌ی رکود، سکون و توقف نیست؛ زمان آغاز یک تحصیل جدید و تنوع بخشیدن به آهنگ تکراری فعالیت‌های پیشین است.

فعالیت‌های درسی در تابستان، آری یا نه؟

تابستان زمان مناسبی برای فعالیت‌های درسی رسمی نیست. گروهی از طلاب سخت‌کوش، ایام تابستان را امتداد ایام تحصیلی می‌شمارند و همان ادبیات، منطق، فقه، اصول و کلام را که در برنامه‌ی رسمی حوزه پیش‌بینی شده است، در این ایام دنبال می‌کنند. این گروه، گرچه در اصل بهره‌برداری از زمان و تشخیص وظیفه‌ی «سخت‌کوشی»، شایسته ستایش‌اند و بر اثر همین تلاش، از هم‌کلاسی‌های خود در برنامه‌ی درسی حوزه پیش می‌افتند، اما از گزند دو آسیب سالم نمی‌مانند:

اول: خستگی فکری و روحی که موجب عدم آمادگی برای ادامه‌ی راه در

سال تحصیلی آینده خواهد شد. برنامه آموزشی یک‌نواخت و پشت سرهم، تحمل انسان‌های معمولی را در می‌نوردد و دیر یا زود، موجب سردرد، خستگی، کسالت و افسردگی می‌شود. طراوت و اشتیاق در تحصیل، نعمتی به دست آوردنی است که برای نگه‌داری آن باید تلاش کرد. یکی از عوامل مهم حفظ طراوت و نشاط، تنوع فعالیت‌ها است. آسیب دیگر، محروم ماندن از کسب امور لازمی است که در غیرتابستان، فرصت فراگیری آن‌ها نیست که پیش‌تر بدان اشاره کردیم. اکتفا به روند آموزشی حوزه، موجب بقای پاره‌ای از خلأها در شخصیت طلاب و در نهایت ناکارآمدی صنفی روحانیت خواهد شد.

از این رو، فصل تابستان، بهترین فرصت برای انجام فعالیت‌های تہذیبی و تربیتی، شرکت در اردوهای جهادی، بازدید گروهی از مناطق محروم، حضور در اردوهای فرهنگی و تربیتی معاونت تہذیب و امثال آن است.^۱

کثرت تعطیلات

زیاد بودن تعطیلات حوزه نسبت به سایر نهادهای آموزشی کشور (فصل تابستان، دو هفته اول ماه محرم، دهه آخر ماه صفر، ماه مبارک رمضان، ایام فاطمیه، ایام شهادت اهل بیت علیهم‌السلام، تعطیلات رسمی کشور و

۱. از جمله برنامه‌های خوبی که در سال‌های اخیر در فصل تابستان برای طلاب مدارس اجرا می‌شود، می‌توان به طرح مطالعاتی کتاب‌های شهید مطهری و طرح تربیتی ضیافت ملکوت اشاره کرد. هم‌چنین، برخی از مدارس، بخشی از فصل تابستان را به فعالیت‌های علمی و تہذیبی خود ادامه می‌دهند و از فرصت تعطیلات برای تقویت بنیه‌ی علمی و اخلاقی طلاب استفاده می‌کنند. برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی قم، مشهد مقدس و... نیز از جمله برنامه‌های تربیتی برخی مدارس می‌باشد.

مناسبت‌های متفاوت دیگر^۱ موجب طولانی شدن دوره‌های آموزشی سطوح مختلف حوزه، ناتمام ماندن بسیاری از دروس طلاب و مانعی جدی در روند آموزشی و تهذیبی مدارس علمیه می‌شود.^۲

مقام معظم رهبری دامت‌السلام در آغاز درس خارج و خطاب به مسؤولان حوزه می‌فرماید:

امروز روز شروع درس است و البته دیر هنگام. متأسفانه تعطیلی درس‌ها در حوزه‌های علمیه بیش از اندازه‌ای است که به آن احتیاج هست! ای کاش مسؤولان حوزه‌های علمیه و مدرّسان درس‌های بزرگ و عمده، متفقاً و مشترکاً، فکری برای کم کردن تعطیلات بکنند تا در سال تحصیلی، طلاب و علاقه‌مندان به تحصیل، این فرصت را پیدا کنند که از وقت خودشان حداکثر استفاده را بنمایند.^۳

ایشان در رابطه با روش مدیریتی آیت‌الله شهید قدوسی رحمته‌الله در مدرسه چنین می‌فرماید:

از خصوصیات دیگر برنامه‌ریزی شهید قدوسی این بود که اوقات تعطیلات را در مدرسه حقانی کم می‌کردند. حوزه‌های علمیه متأسفانه تعطیلات زیاد

۱. بسیار اتفاق می‌افتد که به خاطر حوادث و جریان‌های اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی در کشور یا جهان اسلام و جهت اعتراض به مسأله‌ی خاصی، سریع دروس حوزه را تعطیل اعلام می‌کنند! در حالی که هیچ ضرورتی برای تعطیلی دروس در تمام ساعات روز نیست و می‌توان با اکتفا به تعطیلی یکی دو ساعت زمان تجمع یا راهپیمایی و...، در بقیه‌ی ساعت‌ها طلاب سردرس حاضر باشند.

۲. برخی از مدارس با درک آسیب‌زا بودن کثرت تعطیلات و غیرضروری بودن بسیاری از آن‌ها، سعی در کاهش تعطیلی دروس کرده‌اند؛ مثلاً در روزهای شهادت اهل بیت علیهم‌السلام فقط یک ساعت به ظهر مانده درس‌ها را تعطیل می‌کنند و طلاب در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند و در بقیه روز، دروس دایر می‌باشد. برخی دیگر شروع سال تحصیلی را از اول مهر به اوایل شهریور جابه‌جا کرده‌اند. مدرسی هم هستند که روزهای پنج‌شنبه را تعطیل نمی‌کنند.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۹/۶/۱۳۸۰.

دارند و همه اعیاد و وفیات ائمه را تعطیل می‌کنند. ایشان فقط سه چهار مورد تعطیل می‌کرد. حتی گاهی با دوستان خدمتشان می‌رفتیم و می‌گفتیم: آقا فردا شهادت فلان امام است. آخرش می‌گفتند: من هشت امامی هستم. اگر خود امام بودند، امروز درس می‌دادند. شما چرا روز تولد امام هادی یا روز شهادت امام جواد را تعطیل می‌کنید؟ این تعطیلی چه معنایی دارد؟ شما اگر شب روزه‌ای دارید، برگزار کنید و در روز اگر برنامه‌ای دارید، اجرا کنید؛ اما چرا درستان را به خاطر شهادت این امام معصوم تعطیل می‌کنید. بنابراین یکی از دقت‌هایی که ایشان داشت، این بود که حداکثر استفاده را از وقت می‌کرد؛ برای این که بتوانند از زمان استفاده بهینه بکنند.^۱

۱. «مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین علی سعیدی شاهرودی»؛ شاهد یاران، شماره ۳۸، ص ۳۳.

۳. ظرفیت‌های تربیتی ایام خاص

از جمله فرصت‌ها و بسترهای بسیار مناسب برای انجام فعالیت‌های تہذیبی و تربیتی، مناسبت‌های ملی و مذهبی در کشورمان است. از آن جا که مؤمن باید زرنگ باشد و قدر لحظه لحظه فرصت‌ها را بداند و مدیران محترم مدارس علمیه نیز شایسته است که از این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها به بهترین شکل ممکن بهره ببرند و با بی‌اعتنایی از کنار آن‌ها نگذرند.

الف. مناسبت‌های مذهبی

رجب المرجب

ماه توبه و استغفار و مراقبه و بهترین فرصت برای ایجاد و تقویت روحیه عبودیت و بندگی^۱ است. بنابراین توجه به موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

• فضاسازی معنوی مناسب این ماه در مدرسه؛

۱. عن النبی ﷺ أنه قال: إنَّ الله تعالى نصب في السماء السابعة ملكاً يقال له: «الداعي»، فإذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كلَّ ليلة منه إلى الصباح: طوبى للذاكرين، طوبى للطائعين و يقول الله تعالى: «أنا جليس من جالسي و مطيع من أطاعني و غافر من استغفرني، الشَّهر شهري و العبد عبدی و الرحمة رحمتی، فمن دعاني في هذا الشهر أجبتہ و من سألني أعطيتہ و من استهداني هديتہ و جعلت هذا الشَّهر حبلاً بيني و بين عبادي، فمن اعتصم به وصل إلي؛ از پیغمبر اکرم ﷺ روایت شده است که فرموده‌اند: خداوند متعال در آسمان هفتم ملکی قرار داده است که به او داعی می‌گویند (یعنی کسی که افراد را می‌خواند)؛ چون ماه رجب داخل می‌شود، این مَلک هر شب تا صبح صدایش بلند است: خوشا به حال آن کسانی که در حال ذکر هستند؛ خوشا به حال آن کسانی که در حال اطاعت‌اند. سپس ملک می‌گوید: خداوند متعال می‌فرماید: «من هم‌نشین کسی هستم که خود را با من هم‌نشین کند؛ من اطاعت کسی را می‌کنم که او اطاعت مرا بکند و می‌بخشم کسی که از من طلب بخشش کند. این ماه، ماه من است؛ این بندگان همه بندگان من هستند. رحمت هم اختصاص به من دارد. کسی که مرا در این ماه بخواند، او را اجابت می‌کنم؛ کسی که از من بخواهد به او می‌دهم؛ کسی که در این ماه از من طلب هدایت کند، من او را هدایتش می‌کنم. من این ماه را ریسمان بین خودم و بین بندگانم قرار دادم. هر کسی که به این ریسمان چنگ بزند، به من می‌رسد.» (سید ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۱۷۴)

- شناساسازی طلاب با اهمیت ماه رجب و دعاها و اعمال ویژه‌ی این ماه؛
- انجام اعمال و دعاها‌ی روزانه‌ی ماه رجب بعد از نمازهای جماعت؛
- فراهم کردن مقدمات لازم و زمینه‌سازی برای روزه‌داری و تهجد طلاب؛
- ایجاد تمهیدات لازم و تشویق طلاب به اعتکاف و انجام اعمال ام‌داود؛
- و موارد دیگر.

شعبان المعظم

ماه پیامبرگرامی اسلام ﷺ، ماه انس هر چه بیشتر طلاب با امام زمان عج، آشنا کردن طلاب و خانواده‌های ایشان با سبک زندگی مهدوی، ماه تهجد و روزه و عبادت می‌باشد. برای استفاده‌ی بهینه از ظرفیت‌ها و فرصت‌های این ماه بزرگ، نکته‌ها و اقدام‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- فضا‌سازی معنوی مناسب ویژه‌ی این ماه در مدرسه؛
- شناساسازی طلاب با اهمیت ماه شعبان و دعاها و اعمال ویژه‌ی این ماه؛
- برنامه‌ریزی برای قرائت روزانه‌ی مناجات شعبانیه در مدرسه با استفاده از صوت حزین و دل‌نشین یکی از طلاب مداح؛
- پخش دعای عهد هنگام صبح، صلوات شعبانیه موقع زوال و زیارت آل‌یاسین هنگام غروب از بلندگوی مدرسه در این ایام؛
- فراهم نمودن مقدمات لازم و زمینه‌سازی برای روزه‌داری و تهجد طلاب؛
- احیای دسته‌جمعی شب نیمه‌ی شعبان در مسجد یا نمازخانه‌ی مدرسه با برنامه‌ریزی و تدارکات مناسب؛
- برگزاری پرشور جشن عمامه‌گذاری طلاب در روز نیمه‌ی شعبان؛

- برگزاری حلقه‌های معرفت، همایش، سخنرانی و جلسه‌های پاسخ به پرسش‌ها و شبهات مهدویت در مدرسه؛
- برگزاری مسابقه‌ی کتابخوانی میان طلاب، کارکنان و خانواده‌های ایشان؛
- برپایی نمایشگاه کتاب ویژه‌ی مهدویت در مدرسه؛
- آذین‌بندی مدرسه و برپایی پرشور و جذاب جشن‌های میلاد ویژه‌ی این ایام؛
- ارسال پیامک تبریک نیمعه شعبان به کارکنان مدرسه، طلاب و خانواده‌های ایشان؛
- انجام قربانی برای سلامتی حضرت مهدی علیه السلام و توزیع گوشت آن میان فقرا در این ایام، به‌ویژه روز نیمه شعبان؛
- و اقدام‌های ابتکاری دیگر.

رمضان المبارک

ماه رمضان، ماه انس با قرآن کریم، تهجد و شب‌زنده‌داری و مناجات است. مدیران و متولیان امر تهذیب و تربیت، با انجام امور زیرمی‌توانند از ظرفیت این میهمانی بزرگ و پربرکت الهی، بیشترین بهره‌وری را برای اهداف تهذیبی و تربیتی مدرسه داشته باشند:

- فضاسازی معنوی و شورانگیز محیط مدرسه متناسب با این ماه عزیز؛
- آشناسازی طلاب با اهمیت و عظمت ماه مبارک رمضان، دعاها، مراقبت‌ها و اعمال ویژه‌ی این ماه؛
- کاستن از برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی طلاب و افزودن برنامه‌های

تهذیبی و قرآنی آن‌ها؛

- تغییر ساعت‌های درسی مدرسه، متناسب با فضای ماه مبارک رمضان؛^۱
- برنامه‌ریزی ویژه برای قرائت دسته‌جمعی یک جزء قرآن در شبانه‌روز، با آداب و شرایط خاص آن؛
- فضاسازی قرآنی مناسب محیط قرائت و استفاده از قاریان خوش لحن؛
- برنامه‌ریزی برای قرائت دسته‌جمعی ادعیه و مناجات‌های پُرشور، به‌ویژه دعای ابوحمزه ثمالی در نیمه شب‌های این ماه؛

محرم الحرام و صفر

ماه انس با اهل بیت علیهم‌السلام و توسل و زیارت، احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و بهترین ایام برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌مداری، حق‌طلبی، ایثار و فداکاری در راه حفظ دین و ارزش‌های دینی و استکبارستیزی در میان طلاب است. کارهایی که باید در مدرسه انجام شود، عبارتند از:

- فضاسازی معنوی و محرمی محیط مدرسه؛
- آشناسازی طلاب با اهمیت و عظمت ماه محرم، فلسفه‌ی عزاداری برای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و مراقبت‌ها و اعمال ویژه‌ی آن؛
- تشکیل هیئت عزاداری در مدرسه (منطبق با استانداردهای حوزه و

۱. در برخی از مدارس علمیه کشور، مثل مدرسه‌ی علمیه‌ی حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام شهرستان بناب، برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی مدرسه از صبح‌ها به بعد از ظهرها و شب‌های ماه مبارک رمضان منتقل می‌شود و طلاب شب‌ها تا سحر بیدارند و به جای آن، بعد از نماز صبح تا نزدیک اذان ظهر استراحت می‌کنند. این تغییر برنامه، شور و نشاط معنوی و علمی خاصی میان طلاب ایجاد می‌کند و آثار و برکت‌های زیادی دارد. هم‌چنین، معمولاً از هر پایه، یک درس تعطیل می‌شود تا طلاب فرصت بیشتری برای استفاده از فضای معنوی و برنامه‌های خاص ماه مبارک رمضان داشته باشند.

- روحانیت، به دور از افراط و تفریط همراه با شرکت مدیر و اساتید؛
- زمینه‌سازی برای تقویت روحیه‌ی انقلابی‌گری طلاب و آشناسازی آنان با فرهنگ جهاد و شهادت؛
- آشناسازی طلاب با شخصیت‌های برجسته و حماسی شهدای کربلا؛
- دعوت از اساتید و خطبای برجسته برای سخنرانی؛
- فراهم کردن تسهیلات و شرایط لازم برای شرکت طلاب در پیاده‌روی عظیم و معنوی زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام؛
- و سایر اقدام‌ها.

ایام فاطمیه

- این ایام نیز فرصت بسیار مناسبی برای انس با اهل بیت علیهم السلام به ویژه ام‌الائم حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه زهرا علیها السلام است و بهترین ایام برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌مداری، ایثار و فداکاری در راه دفاع از ولی و استکبارستیزی در میان طلاب است. برای این منظور پیشنهاد می‌شود:
- فضا سازی معنوی و فاطمی محیط مدرسه؛
 - آشناسازی هر چه بیشتر طلاب با شخصیت حضرت زهرا علیها السلام و اهمیت و عظمت حرکت فاطمی؛
 - تشکیل هیئت عزاداری در این ایام؛
 - زمینه‌سازی برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌مداری طلاب و آشناسازی آنان با فرهنگ ایثار و شهادت؛
 - برگزاری مسابقه‌ی حفظ خطبه‌ی فدکیه حضرت زهرا علیها السلام؛

• دعوت از اساتید و خطبای برجسته برای سخنرانی درباره‌ی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام؛

• و امثال این‌ها.

به همین شکل از ظرفیت مناسبت‌های دیگر، مثل دهه‌ی کرامت، ماه ذی‌الحجه (دهه‌ی اول و دهه‌ی ولایت) و نیز ایام ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام می‌توان به بهترین وجه برای تقویت و ارتقای امور تہذیبی و تربیتی طلاب بهره جست.

ب. مناسبت‌های ملی

هفته بسیج، هفته دفاع مقدس، دهه فجر، ایام رحلت امام خمینی قدس سره و... نیز از مناسبت‌های ملی و فرصت‌های ارزشمندی است که باز می‌تواند در راستای پیشبرد اهداف تہذیبی و تربیتی به کار گرفته شوند.

هفته دفاع مقدس و هفته بسیج^۱

همانند ماه محرم، این هفته بهترین ایام برای تقویت روحیه‌ی ولایت‌داری، حق‌طلبی، انقلابی‌گری، مجاهدت، ایثار، فداکاری، شهادت‌طلبی و استکبارستیزی میان طلاب مدرسه است. بدین منظور راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- فضاسازی معنوی و شورانگیز محیط مدرسه متناسب با این ایام؛
- برگزاری نمایشگاه هفته‌ی دفاع مقدس در مدرسه؛
- نصب برگزیده‌هایی از وصیت‌نامه‌ی شهدا به‌ویژه سرداران شهید اسلام و شهدای روحانیت در فضای مدرسه؛
- برگزاری برنامه‌ی شبی با شهدا در مدرسه و دعوت از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، مدافعان حرم و سرداران و فرماندهان بسیج و سپاه و ارتش برای سخنرانی و بیان خاطره‌های جبهه و جنگ؛
- ایجاد یک موزه‌ی کوچک و دائمی از آثار و وسایل شهدا و رزمندگان و نیز فعالیت‌های دوران دفاع مقدس در مدرسه؛
- دفن شهید گمنام در مدرسه (که آثار و برکات فراوانی دارد)؛
- تهیه مجموعه کتاب‌های خاطره‌های دفاع مقدس برای کتابخانه

۱. مقام معظم رهبری فرمود: «مواظب باشید از مسأله‌ی دفاع مقدس که در این کشور اتفاق افتاد، غافل نشوید...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۷/۵)؛ «هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، ۱۳۸۸/۶/۲۴)

مدرسه و تشویق طلاب برای مطالعه‌ی آن‌ها؛

- تشکیل بسیج طلاب و روحانیان در مدرسه؛
- تشکیل حلقه‌های تربیتی و بصیرتی با موضوع دفاع مقدس در مدرسه (خیلی از مفاهیم تهذیبی و تربیتی و ارزش‌های انقلابی مثل ایثار، صداقت، تواضع، بصیرت، ولایت محوری و... را می‌توان با بهره‌گیری از منابع و کتاب‌های تولید شده در زمینه‌ی دفاع مقدس و مباحثه و گفت‌وگو در این حلقه‌ها به طلاب انتقال داد)؛
- برگزاری مستمر و سالانه‌ی اردوی راهیان نور و بازدید از مناطق جنگی؛
- و غیره.

۱. من توصیه می‌کنم این کتاب‌هایی که در شرح حال سرداران است یا آن‌چه که در گزارش روزهای جنگ و سال‌های دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوان‌ها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آن‌چه که گذشته است در تاریخ انقلاب. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴)

فهرست منابع

الف. کتاب‌های فارسی و عربی

- *قرآن کریم.
*نهج البلاغه.
۱. ابراهیم زاده، حسن؛ مهدی هاشمی؛ تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۱.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ الخصال؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۷.
 ۳. سید ابن طاووس، علی بن موسی؛ الإقبال بالاعمال الحسنه؛ تحقیق جواد قیومی اصفهانی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
 ۴. اربلی، علی بن عیسی؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة؛ تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی؛ تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
 ۵. امامی راد، احمد؛ اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی (مسائل اخلاقی در مشاوره اسلامی و مقایسه آن با نظام‌نامه اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا)؛ قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۵.
 ۶. برخوردار فرید، شاکر؛ آفات الطلاب؛ تهران: لاهوت، ۱۳۸۷.
 ۷. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
 ۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ترجمه محمد رحمتی؛ قم: صبح پیروزی، ۱۳۹۲.
 ۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق (۱۳۷۴ش).
 ۱۰. حسین‌خانی، هادی و کاظم علی محمدی؛ نقش تربیتی اساتید در مدارس علمیه؛ قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶.
 ۱۱. حسین‌خانی، هادی؛ نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه؛ قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵.
 ۱۲. دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه؛ بررسی نظر طلاب پایه‌های ۷ تا ۱۰ حوزه‌های علمیه قم درباره دوره معروف به دروس آزاد؛ قم: مدرسه عالی دارالشفاء، ۱۳۸۹ (چاپ داخلی و محدود).

۱۳. سرابندی، محمدرضا؛ داستان یک مرداب (انحرافات و اقدامات مهدی هاشمی از آغاز تا انجام)؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۴. فیضی تبریزی، کریم؛ جاودان اندیشه (نگرشی نو و کامل به سرگذشت علمی و عملی علامه استاد محمدتقی جعفری تبریزی)؛ قم: تهذیب، ۱۳۸۰.
۱۵. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۶. محدث قمی، شیخ عباس؛ کلیات مفاتیح الجنان؛ تهران: نبوغ، ۱۳۷۵.
۱۷. محمدی صیفار، مهدی؛ فرهنگ حجره نشینی؛ قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶.
۱۸. مختاری، رضا؛ سیمای فرزنانگان؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۱۹. مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای مقام معظم رهبری؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۷.
۲۱. موسوی خمینی، سیدروح الله؛ جهاد اکبر؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
۲۲. _____؛ صحیفه امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
۲۳. _____؛ صحیفه نور؛ تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۲۴. وافی، علی؛ نسیم هدایت (رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان)؛ قم: شفق، ۱۳۸۸.

ب. مقالات و نشریات

۲۵. «آیین‌نامه بهداشت محیط مدارس»؛ وزارت آموزش و پرورش. «اخبار حوزه (بخش اول)»؛ نشریه افق حوزه، ۲۲ آبان ۱۳۸۷، شماره ۲۰۷.
۲۶. «خاطراتی درس آموز از زندگی مقام معظم رهبری»؛ مجله مبلغان، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۵۲.
۲۷. «سجاده خونین»؛ مجله پاسدار اسلام، شهریور ماه ۱۳۸۲، شماره ۲۶۱.
۲۸. «سلب توفیق با لقمه حرام»؛ بخش اخلاق و عرفان اسلامی سایت تبیان، فرآوری: زهرا اجلال، شناسه مطلب: ۲۶۵۱۱۸، تاریخ ۱۳۹۲/۹/۳۰.
۲۹. «ضرورت و ویژگی‌های استاد و راهنما در اخلاق»؛ نشریه حوزه، مهر و آبان ۱۳۶۷، شماره ۲۸.
۳۰. عالم‌زاده نوری، محمد؛ «نقش تربیتی اساتید» (در قالب جزوه)؛ قم: دفتر امور اساتید مدرسه علمیه معصومیه قم، اردیبهشت ۱۳۹۳.
۳۱. کوهستانی، حسین علی؛ «نقش مدیریت و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه اسلام»؛ مجله پیوند، خرداد ۱۳۷۰، شماره ۱۴، ص ۱۴-۲۱.

۳۲. «مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین علی سعیدی شاهرودی»: نشریه شاهد یاران، دی ماه ۱۳۸۷، شماره ۳۸.
۳۳. «مصاحبه با سیدمحمد رضا طباطبائی»: نشریه شاهد یاران، دی ماه ۱۳۸۷، شماره ۳۸.
۳۴. «مصاحبه با آیت الله عبدالحسین غروی»: مجله حوزه، شماره ۶۲.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی؛ «اخلاق و عرفان اسلامی (۱۰)»: نشریه معرفت، بهمن و اسفند ۱۳۷۸، شماره ۳۲، ص ۴-۸.
۳۶. نظافت، محمدجواد؛ «تربیت و پرورش نیروی انسانی در حوزه‌های علمیه»: مجله حوزه، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۱۴۵، ص ۲۳۲-۲۰۷.

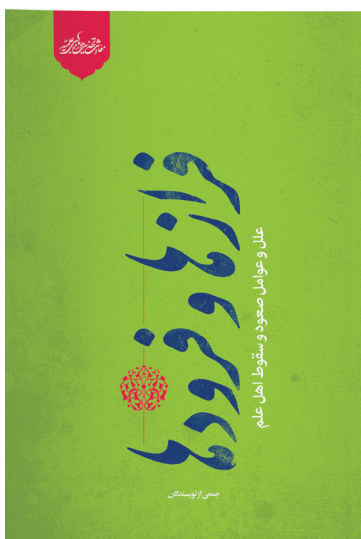
ج. سایت‌ها

۳۷. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: (www.farsi.khamenei.ir).
۳۸. پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه پزشکی ایران، شناسه خبر: ۳۴۸۸۳، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۴: (www.iran.pezeshk.us).
۳۹. پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه سیره علما، شناسه مطلب: ۲۲۹۲، تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶: (www.sire-olama.ir).
۴۰. پایگاه مهدی‌یار (خانه مهدویت ایران)، شناسه خبر: ۲۳۷۸: (www.mahdiyar.ir).
۴۱. ویکی اهل‌البیت (دانشنامه اسلامی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت): (www.wiki.ahlolbait.com).
۴۲. پایگاه مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان: (www.tebyan.net).

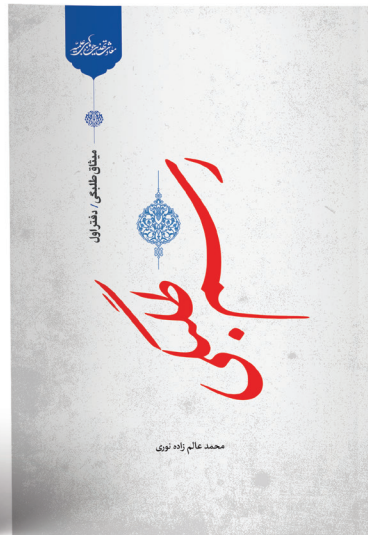
لطفاً پیشنهادات و انتقادات سازنده خود را پیرامون این نوشته به ایمیل مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت ارسال نمایید.

DM.TAHZIB@ISMC.IR

تازه‌های نشر:



بخشی از آثار منتشر شده:



بخشی از آثار منتشر شده:

